صورت دوائی که برای مرض عرق النسا یعنی با درد دیگر درد جاع نافع و به تجربه رسیده یک
نخود یک الی چهار دانه حب بکنید و صبح یکی خورد بعد از صرف شام

سورنجان تولنجان مغز ادرق فرمانه پوست هلیله زرد پوست هلیله سیاه بلیله هیر زرده
یک مثقال ام ام

ریوند چینی رب ریوند بهرقوات هر یک جوز بوا کندر تریاک تمر هندی
ام ام ام ام ام ام

دانه مغز سنبل الطیب صمغ عربی جوهر آس آس برادی زعفران زیره کرمانی برگ ...
ام ام ام ام ام ام ام ام

مصطکی رومی ریشه کچنار مصطکی دانه کمال کالاجیو و دارو ... را اجاع نرم
ام ام ام ام ام ام

کوبیده از پارچه یا الک رد نمایند بعد ده سیر یا کمتر یا زیادتر عسل صاف موم
خمیر نمایند و بقدر دانه نخود حب نمایند تمام مقدار این نخود در تیر یک الی چهار دانه
بعد از نصف وقت خواب میل نمایند و ممکن است صبح و ظهر و شب بعد از غذا ... دو
میل نمایند که مدتی تنشر دانه میل نمایند و لی تنهی دانه با چهار دانه بر ...
اختصاص بزرگ است و انشاءالله نافع خواهد بود

از هر یک پنج درم فلفل قاقله از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی آمله قرنفل اسفاناخ
جوز بوا از هر یک دو درم نیم قند سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربت
چهار مثقال **جوارش هندی** اوجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را
نافع باشد **صفته** سقمونیا ده درم خیربوا قاقله دارچینی زنجبیل قرنفل قرفه نار مشک قرنفل
از هر یک پنج درم تربد سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل سرشند **جوارش زنجبیل**
ضعف معده و امعاء و هیضه را نافع باشد و طعام را هضم کند و باد را بشکند و
اسهال باز دارد **صفته** زنجبیل بیست درم صمغ عربی خیربوا از هر یک ده درم
قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یک درم زعفران یک درم نشاسته
چهل درم شکر طبرزد نود مثقال **جوارش قیصر** قولنج را و نقرس را نافع باشد
و اخلاط غلیظ را از جدا دفع کند **صفته** دار فلفل زنجبیل هلیله زرد و سقمونیا تربد سفید
از هر یکی دوازده درم تخم کرفس نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد از هر یک شش درم
قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته بعسل سرشند **جوارش ...اکه** معده
و دل و جگر و جشار را قوت دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند و منع خمار کند
صفته آب انار ترش و شیرین و آب سیب و آب امرود و غوره آب

[illegible]

[illegible]

زرشک آب سماق آب لیمو مجموع مساوی بجوشانند تا ربعی فرو کمرند و قند بقوام زیاده آورند و نیز نیز همیر زنند و آنها بران میریزند چند آنکه بر روی سنگ زرد

باب الحاجب ایارج دماغ و اعضای رئیسه را از فضول اخلاط

بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض عصبی را نافع باشد صفته ایارج

فیقرا تربد سفید از هر یک درمی حب النیل غاریقون انیسون از هر یک نیم درم شحم

حنظل نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته با آب رازیانه سرشته

و حب کنند حب صبر اوجاع مفاصل و نقرس و فالج و لقوه را نافع باشد

صفته صبر سقوطری یکمثقال تربد سفید دو درم و نیم حب النیل غاریقون

از هر یک دانگی شحم حنظل درمی نمک هندی قدری مقل کتیرا از هر یک دانگی کوفته

و بیخته با آب کرفس حب سازند حب سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا را

نافع باشد صفته صبر سقوطری ماهی زهره از هر یک درمی سورنجان تربد سفید

از هر یک مثقالی کتیرا دانگی حب النیل نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی دانگی و

نیم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند حب سورنجان نسخهٔ دیگر که همین

خاصیت دارد صفته ایارهٔ فیقرا تربد سفید ماهی زهره از هر یک درمی سورنجان

پوست

٧

پوست هلیله زرد و غاریقون انیسون از هر یک درمی سقمونیا کتیرا شحم حنظل از هر یک

دانگی کوفته و بیخته با آب رازیانه حب سازند حب شیار صبر یکدرم

پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی

و نیم تخم کرفس نمک هندی از هر یک دانگی با آب رازیانه حب سازند حب سورنجان

درد معده را نافع باشد قوت باصره دهد و درد سر و تاریکی چشم ببرد

صفته صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد و ورق گل سرخ مصطکی تربد

سفید از هر یک درمی سقمونیا درمی کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال در

وقت خواب فرو برند حب قوقیا صداع و درد چشم و فضلهای غلیظ را

از بدن فرود آورد صفته صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از هر یک

یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند

شربتی یکمثقال حب غاریقون سده را بگشاید و استسقا و امراض کبد را

نافع باشد صفته افتیمون صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون

چهار درم انیسون فطراسالیون تخم کرفس دوقو از هر یک دو درم کوفته سقمونیا

یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربت دو درم حب غاریقون دیگر

همین خاصیت دارد و طبع را نرم کند چون هر شب از آن یکدرم بنوشند
غاریقون ده درم عصارهٔ غافث ریوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده
درم کوفته و بیخته با آب عسل سرشته و حب سازند **حب اسطمیقون** بدن را
از سودا و بلغم و اخلاط غلیظ پاک کند **صفته** پوست هلیلهٔ کابلی شش درم
آمله افسنتین غاریقون از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس
از هر یک دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم ایارهٔ فیقرا نه درم
قرنفل یکدرم فانید چهار درم فانید را در آب یکدانه زنند و دو درم سقمونیا در آن
حل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن سرشته و حب سازند **حب دیگر**
صداع و درد چشم را نافع باشد **صفته** صبر سقوطری بیست درم هلیلهٔ زرد
ده درم کتیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق گل سرخ پنج درم
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم **حب دیگر** که داء الثعلب را
نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم را دفع کند **صفته** افتیمون چهار مثقال
شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک دو مثقال صبر سقوطری
ده مثقال انزروت بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده
مثقال

مثقال کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی سه درم **حب سکبینج**
قولنج بگشاید و بادهای غلیظ را دفع کند **صفته** سکبینج شحم حنظل از هر یک دو درم
سقمونیا درمی با آب سداب حب سازند شربت یکدرم **حب دیگر** که بادها بشکند
و فتق و ورم خصیه را نافع باشد **صفته** تخم کرفس نرار اسپند انیسون مصطکی
زعفران از هر یک درمی پوست هلیلهٔ کابلی آمله سکبینج مقل از هر یک دو دانگ
درم فطراساليون فو و ندا ذخر قسط زرنباد درونج اسارون از هر یک سه درم
کوفته و بیخته با آب سداب حب سازند و هر روز یکدرم تناول فرمایند **حب بادآورد**
استسقای زقی را نافع باشد **صفته** ریوند عصارهٔ غافث تخم کرفس از
هر یک سه درم غاریقون پنج درم بادآورد مدبر نه درم کوفته و بیخته حب سازند
شربت دو درم **حب دیگر** که همین خاصیت دارد **صفته** تخم بادآورد
مغز بادام از هر یک پنج درم شکر یکدرم و نیم کوفته و بیخته حب سازند
حب ضیران خنازیر و غدد و سلعه را نافع باشد **صفته** ایارهٔ فیقرا سه درم
غاریقون دو درم و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم
تربد هفت درم جاوشیر نیم مثقال نوشادر دو درم سقمونیا مشقالی

کوفته و بیخته بآب کنند نا حب سازند شربت هر روز یکدرم حب دواء الصلب که همین
خاصیت دارد صفته سنبل سلیخه حب بلسان اسارون عود بلسان
مصطکی دارچینی زعفران از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم
اسطوخودوس شحم حنظل از هر یک پنجدرم تربد [illegible] هفت درم نمک
هندی دو درم سقمونیا چهار درم حب شطرج عرق النسا و اوجاع مفاصل
و وجع الظهر را نافع باشد صفته پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری
بیست درم فلفل دارفلفل درمی خردل سه درم شطرج نمک هندی
شحم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم فانید سجزی چهار درم بآب گرم
حب سازند شربتی سه درم حب غافث یرقان و ورم جگر را سود دارد
صفته غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته
بآب کرفس حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که بهق و برص و
صرع و امراض سوداوی را نافع باشد صفته ایارج فیقرا پنجدرم
افتیمون ده درم لاجورد مغسول هفت درم سقمونیا شحم حنظل
خربق سیاه از هر یک دو درم سنبل و انیسون از هر یک درمی

کوفته

کوفته و بیخته بآب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب شاهتره پوست
هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنجدرم بآب شاهتره حب سازند شربتی دو درم حب
مقل بواسیر را نافع باشد صفته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنجدرم
هلیله کابلی مقل یازده درم سکبینج پنجدرم خردل دو درم مقل و سکبینج را در آب
حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند حب مقل نوع دیگر
شقاق اسود دارد و طبع را نرم کند و محرور را موافق باشد صفته پوست هلیله
کابلی بیست درم مقل ده درم کثیرا پنجدرم انجیر سی عدد در آب بپزند تا مهرا
شود و بپالایند و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته بآن بسرشند
و حب سازند شربتی دو درم حب مقل نسخه دیگر درد معده و امعا و بواسیر
را نافع باشد صفته هلیله سیاه بلیله املج از هر یک جزوی مقل برابر جمله در آب
حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربتی
دو درم و نیم حب دیگر سه شب متوالی بخورند وجع بواسیر را تسکین دهد
صفته پوست هلیله زرد و پوست هلیله سیاه آمله مقشر از هر یک یکدرم مقل
چهار درم در آب کنند تا حل سازند دارو را کوفته و بیخته بدان بسرشند

وحب سازند شربت دو درم ونیم حب دیگر که چون سه شب متوالی بنوشند وجع
بواسیر تسکین کند صفته هلیله سیاه و بلیله آمله از هر یک چهار درم نمک سندی
صعتر و مصطکی سورنجان اشق که کندل خوانند هزار اسفند شطرج نانخواه
از هر یک درمی سنبل زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر یک نیم درم
صبر سقوطری بیست درم سکبینج را در آب کنند تا بگدازد باقی ادویه کوفته
و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربت دو مثقال حب القادر باد ها
دفع کند و طبع را نرم کند و قولنج بگشاید صفته زنجبیل قرنفل دارچینی دارفلفل دار
فلفل نارمشک مصطکی از هر یک مثقالی سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت
مثقال کوفته و بیخته حبها سازند هر یک مقدار نخودی هر حب یک مجلس دفع کند
حب بهرامی استسقای لحمی را نافع باشد صبر سقوطری دوازده درم افتیمون
شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تربد سفید مصطکی از هر یک دو درم
زعفران یکدرم و نیم غاریقون سه درم حماما یکدرم کوفته و بیخته حب سازند شربتی
دو درم و نیم حب دیگر بهق و برص را نافع باشد صفته ایارج فیقرا یک مثقال لاجورد
مغسول اشکیل انیسون شحم حنظل کتیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته

بار

بآب کرفس حب سازند حب الصرع ایارج فیقرا نیم مثقال افتیمون اسطوخودوس
بسفایج نمک سندی غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد شحم
حنظل کتیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بآب کرفس حب سازند حب دیگر
جهة صرع صبر سقوطری درمی غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا
دانگی مصطکی سنبل از هر یک دانگی حب سازند و بطبیخ اسطوخودوس بنوشند
حب دیگر ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک درمی حب النیل انیسون از هر یک
نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا خصیة الثعلب از هر یک نیم دانگ محموده
دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر جهت آتشک صفته
ایارج فیقرا یک مثقال تربد سفید یکدرم غاریقون لاجورد مغسول پوست هلیله
زرد سورنجان از هر یک نیم درم سقمونیا دانگی و یک طسوج انیسون کتیرا از
هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب هلیله جرب و حکه را
نافع باشد صفته پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک دانگی کوفته و
بیخته بآب حب سازند حب استرخا صرع را مجرب است صفته ایارج
فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم شحم حنظل حب النیل سکبینج

از هر یک دانگی و نیم اسطوخودوس بوزیدان از هر یک نیم درم کتیرا دانگی کوفته و بیخته حب سازند **حب فالج** ایارهٔ فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یکی نیم درم شحم حنظل مصطکی دانگی محموده نیم دانگ بآب رازیانه حب سازند **حب استسقا بهق** تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیم درم غاریقون زراوند مدحرج زراوند طویل از هر یک دانگی و نیم مقل الیهود شحم الخره از هر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده داروها کوفته و بیخته بآب خالص حب سازند **حب دیگر** جهت استسقا **صفت** ایارهٔ فیقرا تربد از هر یک یکدرم غاریقون اسارون ریوند و افسنتین رومی تخم الخره از هر یک نیم درم نمک هندی دانگی مقل دو دانگ بآب رازیانه تخم کرفس از هر یک نیم درم محموده دانگی و نیم بآب خالص حب سازند **حب صبر** ایاره فیقرا تربد سفید صبر سقوطری از هر یک مثقالی حب النیل مثقالی شحم حنظل نمک هندی از هر یک نیم درم انیسون درمی فلفل مصطکی کتیرا از هر یک دانگی بآب رازیانه حب سازند **حب بهق** تربد سفید یکدرم دو دانگی و نیم غاریقون ایارهٔ فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شطرج عصاره

افسنتین

افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا نخود مقل و انیسون از هر یک دانگی بآب حب سازند **حب لقوه** تربد یکدرم و نیم ایارهٔ فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شطرج عصاره افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا نخود مقل و انیسون از هر یک دانگی بآب حب سازند **حب عشا** تربد یکدرم ایاره فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده مقل از هر یک دانگی بآب حب سازند **حب رعشه و تشنج** تربد سفید یکدرم پوست هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم بوزیدان صبر چهار دانگ گل سرخ دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ بآب حب سازند **حب رعشه و تشنج نوع دیگر** سفرجلی مسهل سه درم تربد یکدرم و نیم سورنجان چهار دانگ بوزیدان ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک دو دانگ بآب حب سازند **حبی** که درد نقرس در ساعت بنشاند **صفت** انیسون زیره کرمانی فلفل سفید دار فلفل مغز حب القرع تخم کاجره از هر یک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل فرفیون از هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان بیست درم بآب رازیانه حب سازند شربتی دو درم بآب

زیره بخورند حب رجا تربد یکدرم و نیم غاریقون ایارهٔ فیقرا از هر یک چهار دانگ
قنطوریون دقیق ماهی زهره عصاره افسنتین از هر یک دو درم شحم حنظل
سقمونیا از هر یک سه حبه مقل و انیسون از هر یک دانگی بآب رازیانه حب سازند
حب اختلاج تربد یکدرم و چهار دانگ افتیمون نیم درم عصاره غافث
و افسنتین از هر یک دانگی و نیم شحم حنظل مقل ازرق انیسون مصطکی از هر یک
دانگی بآب حب سازند حب مفاصل تربد یکمثقال سورنجان نیم درم شحم
حنظل حب النیل نمک هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی و نیم ایارهٔ فیقرا یکدرم
گل سرخ انیسون مصطکی از هر یک یکدانگ کتیرا طسوجی بآب خالص حب سازند
حب ریوند تربد یکدرم ایرسا نیم درم ایارهٔ فیقرا غاریقون از هر یک درمی محموده
دانگی مقل دو دانگ بنفشه نیم درم بآب حب سازند حب عرشه ایاره
فیقرا عاقرقرحا از هر یک پنج درم جندبیدستر شطرج هندی بذر البنج
از هر یک چهار درم محموده دانگی و نیم غاریقون چهار دانگ عصاره غافث
دو دانگ بآب کاسنی حب سازند حب نافع جهت نقرس حار صفته
سورنجان یکدرم محموده دانگی و نیم تخم کرفس دانگی صبر یکدرم بآب خالص

حب سازند حب دیگر که بلغم را از مفاصل و بیرون جذب کند صفته سورنجان
بوزیدان از هر یک نیم درم بل ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ شحم حنظل
دانگی و نیم فرفیون دانگی بآب حب سازند حب دیگر که درد وجع ظهر را نافع باشد
صفته شحم حنظل سکبینج از هر یک دو درم صبر چهار درم جندبیدستر
مقل از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بآب حب سازند شربتی دو درم حب
ریوبا اوجاع مفاصل را در روز با صلاح آورد صبر سقوطری تربد سفید
از هر یک هشت درم پوست هلیلهٔ زرد و بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم
انیسون و سقمونیا از هر یک یکدرم بآب حب سازند شربت سه درم بآب گرم
حب لاجورد سودا را دفع کند امراض سودایی را نافع باشد صفته لاجورد
مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا از هر یک درمی غاریقون پنج درم
افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم ایارهٔ فیقرا شش درم بآب کرفس
حب سازند شربت درمی با ماء الجبن حب کوتوالی اعضای سر و معده
را از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را نافع باشد و چون یکدرم
ازین حب یکدرم ایارهٔ فیقرا حب کرده بخورند چشم را روشن گرداند

دماغ نزول آب کرده و اخلاط فاسده را از بدن بیرون کند صفة صبر
سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصارهٔ افسنتین مصطکی از هر یک دانکی کتیرا نیم
دانک بآب حب سازند حب العشره لقوه و رعشه فالج را نافع باشد
صفة زنجبیل دار فلفل املهٔ سعد مصطکی دارچینی سنبل سلیخه اسارون از
هر یک دو درم صبر بیست درم بآب کرفس حب سازند شربتی دو درم حب
الصدر سرفهٔ کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را نافع باشد صفة
غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم اصل السوس شحم حنظل ایارهٔ فیقرا
انزروت از هر یک دو درم بآب حب سازند شربت یکمثقال با ماء العسل
حب مسهل صبر نیم مثقال ریوند نیم مثقال مصطکی نیم مثقال زعفران
دو دانک کتیرا دانکی سقمونیا دو دانک پوست هلیلهٔ زرد دو دانک بادیان
دو دانک بگلاب حب سازند حب الملوک نافعست کسی را که از مسهلات
بد طعم کراهت داشته باشد و مسهل را قی کند صفة تربد سفید یکدرم
چهار دانک پوست هلیلهٔ زرد مصطکی هلیلهٔ سیاه از هر یک دانکی و نیم
افتیمون نیمدرم کاوزبان تخم کشوث بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران

گل سرخ

گل سرخ از هر یک دانکی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب الملوک دیگر
قولنج بگشاید و بادهای غلیظ دفع کند صفة صبر سقوطری پنجدرم تربد ده درم
پوست هلیلهٔ زرد و پوست هلیلهٔ کابلی از هر یک سه درم نمک هندی دو
درم مصطکی زعفران سادج هندی قسط سلیخه ریوند چینی سنبل زنجبیل
انیسون کرفس قرنفل فلفل خیربوا دارچینی کتیرا اقاقیا از هر یک نیمدرم سقمونیا دو
مثقال مشک دانکی کوفته و بیخته حب سازند بگلاب شربتی سه درم حب
افتیمون اعضا سر و معده را از سودا پاک کند صفة ایارهٔ فیقرا مقل غاریقون
شحم حنظل حجر ارمنی افتیمون از هر یک دو درم و نیم سقمونیا یکدرم تربد شش
درم بآب حب سازند شربتی دو درم حب بسفایج بلغم و سودا را از معده پاک
کند و دماغ را صفة ایارهٔ فیقرا درمی بسفایج دو درم شحم حنظل شش درم
افتیمون اسطوخودوس از هر یک دو درم و نیم سقمونیا یکدرم و نیم تربد
هشت درم بآب حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع مواد سودا
و صفرا را نافع باشد صفة پوست هلیله شش درم هلیلهٔ املهٔ مقشر
گل سرخ نمک هندی از هر یک دو درم ایارهٔ فیقرا پنجدرم شاهتره سقمونیا

عصارهٔ افسنتین از هر یک سه درم تخم کرفس نیم درم غاریقون چهار درم کوفته
بیخته باب کاسنی حب سازند شربتی سه درم حب سعال صمغ عربی کتیرا
کثیرا از هر یک سه درم مغز به دانه مغز تخم کدو مغز خیار از هر یک دو درم مغز بادام
مقشر خشخاش سفید از هر یک چهار درم کوفته و بیخته شکر طبرزد دو چندان از
هر یک هفت درم بلعاب بزر قطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس
و منقی از هر یک چهار درم اضافه نمایند حب سعال دیگر نافعست اطفال را که
از بسیاری سرفه قی کنند و سرفهٔ خشک که مانع از خواب باشد و نوازل حاره
را دفع کند صفته نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید
افیون مساوی کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند هر حب مقدار
نخودی حب سعال بارد مغز بادام تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش
سفید از هر یک درمی رب السوس دو درم اقاقیا سه درم بلعاب بزر قطونا
حب سازند حب سعال بارد پوست بیخ زرد آلو بادیان سیاه دشان تخم کرفس
رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته باب حب سازند حب سعال
مدقوق و مسلول را نافع باشد و سرفهٔ گرم و خشک را ایضا صفته صمغ عربی

کثیرا

کثیرا مغز بهدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید از
هر یک سه درم مغز بادام باقلا مقشر تخم کدو از هر یک پنج درم بلعاب بزر قطونا
حب سازند حبی دیگر که سینه را پاک کند و او از صاف گرداند و حرارت سرفه
دایم را نافع باشد صفته مغز بادام تلخ بزرگ لوبیا گرد و جلغوزه از هر
یک دو درم کثیرا افیون و صمغ عربی اصل السوس و رب السوس از هر یک
پنج درم نمایند و قند از هر یک چهار درم آب بازیانه و قدری عسل حب سازند
حب السعال دیگر سرفهٔ خشک را نافع بود صفته نشاسته صمغ عربی رب
السوس تخم خیارین تخم خطمین کثیرا کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند
حب المسک بوی دهن خوش کند و لثه را قوت دهد صفته فلفل خولنجان
عاقرقرحا از هر یک درمی گل سرخ صندل ابلیله از هر یک دو درم طباشیر نیم درم
مشک کافور از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر که
همین خاصیت دارد صفته قاقله جوز بوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل
از هر یک درمی مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک یک مثقال سعد
دو درم بگلاب حب سازند حب المسک که همین منفعت دارد صفته سباب

قرنفل قرفه جوزبوا سعد سنبل پوست ترنج عود خام مساوی بآب رز دالو حب سازند
هر یک مقدار نخودی هر صباح و مسا یک حب از آن در دهن نگاه دارند
حب جیوه که فرنگ جهة آبله استعمال کنند و مجربست صفت زیبق بسته
درم مصطکی پنج درم جند بیدستر گوگرد زرد کندر پنج درم سباسه درم
ریوند پنج درم ماه فرفیون نصف شنجرف گلاب ده درم آب لیمو دو درم
همه را حب سازند هر شب دو حب بمقدار فندق بخورد تا هفت روز
و نگاه کند نا نفست حب دیگر که بوی سیر و پیاز و شراب از دهن ببرد صفت
پوست ترنج مرجگی حل زنجبیل کبابه سباسه سعد از هر یک پنج درم
مشک طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال صندل سوده بگلاب دو درم
صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند حب دیگر که همین عمل کند صفت
کبابه چینی قرنفل قرفه طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر نیم درم
عود یک درم کوفته و بیخته که صمغ عربی منقوع باشد سرشته حب سازند
حب مقل نافع خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت هلیله سیاه
پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده درم مرجان

کهربا

کهربا از هر یک یکدرم مقل را در آب گندنا حل کنند دواها را صلایه کرده
بآن بسرشند شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین خاصیت دارد صفت
هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سی درم کهربا ده مثقال مقل را در آب گندنا حل کنند
داروهای دیگر را کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربت دو درم حب
ممسک طبیعت به بندد و خون رفتن باز دارد صفت سماق دو درم مازو یکدرم
پوست انار نیم درم حب الآس ده درم تخم ریباس رومی کوفته و بیخته بآب
لعاب صمغ عربی حب سازند شربت دو درم بآب مورد بدهند و از عقب آن
پاره آب سرد بازخورند حب دیگر که اسهال خون باز دارد صفت مازو گلنار
افیون مساوی حب سازند شربت دو دانگ حب دیگر که اسهال المغص باز
دارد صفت مر قرفه جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند
برابر فلفلی شربت سه حب تا پنج حب بخورد حب دیگر اسهال کهنه را
نافع باشد گاهی که از حرارت و تب باشد صفت جند بیدستر اسارون سعد
سایله بذر البنج سیاه کندر مساوی بآب حب سازند شربتی دو درم حب دیگر
که در ساعت شکم به بندد صفت افیون یکدرم اقاقیا دو درم گلنار سماق

حب الآس از هر یک چهار درم کوفته با آب صمغ عربی در آن منقوع باشد
حب سازند شربتی نیم مثقال حبی که نقوط تمام آورده و در بطول انزال اثر
تمام دارد صفته عود خام قرنفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم
بالنکو دو درم دار فلفل تخم بابونه مروارید از هر یک درمی کوفته و بیخته با قند
بقوام آورده سرشته و حب سازند هر یکی مقدار نخودی حبی دیگر که
مسکن اوجاع است صفته مصطکی حب الغار مرمکی زعفران دارفلفل قرنفل
جند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یک مثقال نشاسته انگی افیون یکمثقال
مشک دانگی و نیم بگلاب حب سازند شربت یکدرم حقنه لینه امراض حاره
حمیات و برسام را نافع است و طبع را نرم گرداند صفته عناب سپستان
بنفشه شعیر مقشر نیم کوفته سبوس گندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک
کفی انجیر ده عدد در سه رطل آب بجوشانند تا رطلی آید و بپالایند و شکر
سرخ پنجدرم روغن بنفشه بادام ده درم روغن کنجد ده درم انگامه
پنجدرم اضافه نمایند و نیم گرم حقنه کنند حقنه لینه دیگر انجیر ده عدد
اصل السوس دو درم سپستان سی عدد کشک جو یک کف بنفشه

نیلوفر از هر یک پنجدرم بابونه یک کف جمله را در آب بجوشانند تا پخته آید صاف
کنند ده درم لعاب بزرقطونا بیست درم روغن بنفشه بادام ده درم انگامه
دو درم بوره ارمنی یکدرم نمک اضافه نمایند و بیست درم شکر سرخ در آن
حل کنند و لب به نوبت بریزند حقنه معتدله حلبه زرکی انجیر عناب سپستان
خطمی بابونه اکلیل الملک خشک شبت سبوس گندم از هر یک کفی بپزند چنانکه
رسمست و بپالایند ده درم فانید ده درم بوره ارمنی و یکدرم نمک هندی
و بابونه ده درم روغن شبت اضافه کنند و نیم گرم عمل نمایند حقنه حاده
شحم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم فودنج یک کف بپزند و بپالایند
و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن بابونه اضافه نمایند و استعمال
کنند حقنه دیگر قولنج ریحی را بگشاید و درد پشت و بادهای غلیظ را نافع باشد
صفته حلبه زرکی قنطوریون بابونه خشک نیم کوفته خطمی از هر یک کفی انجیر بیست عدد
عناب سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر برگ کرنب
شبت سداب از هر یک دسته سکبینج مقل جاوشیر از هر یک سه درم تخم
تخم کافشه کوفته بیست درم بپزند و بپالایند چنانچه رسمست یکدرم

نمک هندی دو دانگ شحم حنظل ده درم انکامه و بست درم شکر سرخ
اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر استرخا و فالج و امراض بلغمی را
نافع باشد صفته سنای مکی پنج درم شبت پنج درم بابونه و کافیشه نیم کوفته
و بیدانجیر نیم کوفته از هر یک کفی برگ سیاوشان بادرنجبویه قنطوریون
از هر یک ده درم شکر سرخ پانزده درم انکامه ده مثقال آب برگ
چغندر روغن زیت از هر یک ده درم نمک بوره ارمنی از هر یک نیم درم
بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر قولنج بگشاید صفته سنای مکی پنج
مثقال بکاذربان خشک شبت از هر یک سه درم رازیانه انیسون
بسفایج از هر یک ده درم بابونه سبوس گندم گل خطمی از هر یک کفی
گل سرخ تازه دوازده عدد روغن زیت گل سرخ شکر سرخ آب برگ
چغندر از هر یک ده مثقال انکامه گل قند افتابی از هر یک ده درم بوره
ارمنی نیم درم پخته صاف کرده بخنالکد بست حل نمایند حقنه که ریش
روده و اسهال صفرایی را سود دارد صفته آب برگ خرفه لسان الحمل
از هر یک چهل مثقال تخم مرغ بروغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیم درم

درم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سعیداب کهربا مرجان گل مختوم از هر یک
یکدرم سپیده بیضه مرغ سازند و استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعا
و اسهال دموی را نافع بود صفته کشک جو برنج شسته به گرده از
هر یک سی مثقال بپزند و بپالایند سعیداب نشاسته و اقاقیا از هر یک نیم
درم زعفران شیاف ابیض از هر یک یکدرم زرده تخم مرغ عددی بده
درم روغن حل کرده در یکدیگر بیامیزند و استعمال نمایند باب الحا
[illegible] برودت معده و احشا و جگر را نافع بود و هاضمه را قوت دهد
و از برای پیران مفید بود صفته شراب کهنه دو رطل عسل صاف
سه رطل زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یک یک مثقال قرنفل شک
از هر یک نیم درم دارچینی فلفل از هر یک یکدرم ادویه را نیم کوفته
کنند سوی مشک و زعفران در کیسه کنند و سر کیسه محکم ببندند
و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه را در ان افکنند و هر ساعت
بدست میمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را بردارند و مشک و
زعفران را در ان حل کنند و نگاه دارند خضاب مجرب [illegible]

جرب کرده بر تابه بریان کنند تا شکافته شود و سیاه گردد و از آن بیست
درم زاج سوخته ده درم شب یمانی ده درم ملح اندرانی یک درم این جمله را
خرد بساید و آب پوست جوز یا آب اسفند یا آب حنا یا آب آمله یا آب
شقایق یا آب لاله مجموع یا آنچه حاضر باشد گرم کند و بدان سرشته و تا سه
ساعت بگذارد تا چون خمیر برآید آنگاه در موی مالد و برگ جوز یا برگ چغندر
بر روی نهد که تر بماند مقدار شش ساعت بگذارد آنگاه و آب سرد بشوید
و اگر پوست روی سیاه گردد و آب باقلا و نخود بشوید تا سفید گردد خضاب
که موی را سیاه کند صفته مازو یک رطل کثیرا روی سوخته شب یمانی
از هر یک پنج درم نوشادر چهار درم نمک اندرانی ده درم بازورا در روغن
زیت بجوشانند تا سوخته شود و ادویه دیگر بکوبند و با آب گرم سرشته
بگذارند تا چهار ساعت بگذرد و بعد از آن سر و ریش را بشوید و خشک کند
و خضاب را بدان بمالند و بعد از شش ساعت با آب نیم گرم بشوید
خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته بروغن گل چرب کنند
و با آب گرم سرشته کنند و شب بمالند و صباح با آب گرم بشویند خضاب دیگر

گل شقایق

گل شقایق ده درم آمله مقشر پوست باقلا تر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
با سرکه سرشته کنند و بیست روز در آفتاب نهند و سرکه اضافه میکنند
و بعد از آن استعمال نمایند خضاب دیگر باید که یک گردکان هندی
بگیرد و اندرون آن با آهن لطیف با رنگ بیرون آرد هم وزن آن عسل هم
وزن شقایق النعمان هر سه را با هم بکوبد بطریق معجون بسازد و در آن
پوست گردکان کند و سرش را موم بگیرد و در میان سرگین دفن کند
تا یکماه بیشتر آنگاه برگیرد اگر سیاه شده است بمراد رسیده و اگر نه باز
بگذارد تا خوب سیاه شود که بزاغ ملکه سیاه تر و هر که سفید شود
خضاب دیگر اگر یک رطل شقایق و نیم رطل پوست گردکان تر در شیشه کنند و در
سرگین تر ده روز دفن کنند بشرطی که چهار درم روی سوخته در شیشه
بالای آن کنند بعد ده روز خضاب آن موی را شانه کنند تا سیاه
گردد و اگر دست زنان با آن رنگ کند خضاب عجایب بود خضاب دیگر
جوز السرو در سرکه جوشانیده بیست درم زوی سبز در روغن زیت
جوشانیده تا سوخته شود و شش درم مس سوخته پوست گردکان تر از

هر یک ده درم ریسباد و شادنج یمانی اقاقیا املج از هر یک شش درم
قرنفل دو درم کوفته و بیخته با آب گرم بسرشتند و خضاب کنند و بعد از سه
ساعت بشویند **خضاب دیگر** پوست گردکان شادنج یمانی پوست انار
مس سوخته لادن بساوی کوفته و بیخته با آب گرم بسرشتند و خضاب کنند
و بعد از سه ساعت بشویند **خضاب دیگر** حنا چهار درم وسمه هشت درم روی
سوخته شادنج یمانی نمک اندرانی مازوی سبز بریان کرده در روغن زیت
خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب گرم بسرشتند و استعمال
نمایند **خضاب دیگر** شکوفه گردکان و مقل با روغن زیت صلایه کرده
استعمال نمایند و بعد از شش ساعت با آب گرم بشویند **باب الاول**
دوا السنه دوا که دوا الملوک نیز گویند اوجاع مفاصل و بواسیر و ناسور و
برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع بود و حواس را قوی کند و باه
را زیاده کند و هر که این معجون را استعمال نماید موی او جز آنکه سفید شده
سفید نشود **صفته** هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سی و هشت مثقال شونیز
بسپایه چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلغمونیا از هر یک هشت

دو مثقال

دو مثقال قاقله صغار بارشک سعد از هر یک دو مثقال کبابه عسل بلادر از
هر یک شش مثقال غاریقون شصت مثقال غاریقون را کوفته در پاتیله کنند
و در آب بگذارند و داروها را کوفته و بیخته بلادر با آن بسرشتند و
اقراص سازند هر یک دو مثقال و دانگی نیم و هر بامداد از آن بخورند و در
سال یک این معجون استعمال کنند از ترشیات و لبنیات پرهیز کنند
دوا المسک حلو ضعف معده و دل خفقان و صرع و ضیق النفس و
فالج و لقوه و تب ربع را سود دارد و بادهای زبان آستین را دفع کند
و رنگ بدن نیکو گرداند **صفته** زرنباد درونج از هر یک درمی مروارید ناسفته
کهربا ابریشم مقرض از هر یک پنج درم بهمن سفید و سرخ ساذج هندی
سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر دواله از هر یک چهار دانگ زنجبیل
دار فلفل از هر یک دو دانگ و نیم کوفته و بیخته بعسل شهد که آتش ندیده
باشد بسرشتند و بعد از چهار ماه استعمال نمایند شربتی از یک درم تا دو
درم کافی باشد **دوا المسک بارد** کهربا پنج درم طباشیر پنج درم ورق گل
سرخ پنج درم کشنیز چهار درم گاوزبان هفت درم ابریشم سه درم مروارید

سه درم ابریشم مقرض سه درم صندل سفید سه درم تخم خرفه پنجدرم مشک یکدرم
آمله هفت درم دارچینی دو درم زعفران درمی عسل و قند سه وزن ادویه دواء
المشک تلخ رطوبات معده ببرد و خفقان سودایی و ورم حنجره را نافع باشد
صفته افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک هشت درم مشک تاردین
ساوج هندی مروارید ناسفته از هر یک دو درم جند بید ستر یکدرم و نیم بعسل
سرشته شربت یکمثقال دواء المشک کبیر صلابت کبد و طحال و معده و
استسقا و برودت معده را نافع باشد و سده بگشاید و بول براند و سنگ
گرده و مثانه بریزاند و بدن را لاغر کند صفته نمک مغسول دو دانگ تخم کرفس
جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم کمافیطوس نوخوای خشک از هر
یک چهار درم خبطیانا زراوند مدحرج از هر یک درمی صبر سقوطری سنبل از هر یک
دوازده درم حب بلسان سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل
از هر یک شش درم کندر چهار درم دار فلفل زراوند طویل از هر یک سه درم و
نیم رب السوس بیست و هشت درم ریوند چینی جعده اذخر از هر یک دو
درم فلفل و قسط از هر یک ده درم سیالیوس سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون

سازند

سازند شربت یکمثقال دواء المشک صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است
صفته لک مغسول قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک
درمی ریوند چینی یازده درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یکدرم
بطبیخ افسنتین یا آب گرم دواء الکرکم کبیر امراض جگر و سپرز که از
سردی بود نافع باشد و سده بگشاید و باد را دفع کند و گرده و مثانه را قوت
دهد و بول براند و استسقا که سبب ورم سپرز و جگر باشد سود دارد
صفته زعفران دوازده مثقال اسارون مو و فو و انیسون و فطراسالیون
و ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط سلیخه و فقاح اذخر
و حب بلسان از هر یک یکدرم رب السوس فو و جعده و مصطکی غافث
از هر یک سه درم روغن بلسان پنجدرم مرصافی چهار درم کوفته و بیخته
بعسل سرشته شربت از یکدرم تا دو درم با ماء العسل دواء الکرکم صغیر
منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفته زعفران سلیخه سنبل از هر یک
دو درم قسط فقاح اذخر دارچینی از هر یک درمی کوفته و بیخته یک شبانه روز
بشراب انگور تر کنند و روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال

دجرولک سلیخه دارچینی از هریک یکمثقال ورق گل سرخ ده درم آرد مثقال
عسل سه وزن ادویه دواء الکبریت امراض بلغمی سودایی و تنهایی کهن
ناقص و تنگی نفس و سرفهٔ بلغمی و عسر البول را نافع باشد و سنگ گرده و مثانه
بریزاند و مضرت ادویهٔ سمیه چون افیون و شوکران و بیخ اجاج را دفع کند
و از جهت گزیدن عقرب و رتیلا نافع باشد صفته گوگرد زرد و بذر البنج سفید
قردمانا میعه سائله از هریک هشت درم سداب و قسط تلخ از هریک ده درم
افیون و زعفران از هریک دو درم سلیخه دوازده درم فلفل سفید بیست درم
کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال دحمرثا بادها بشکند و قولنج
را نافع باشد صفته هزار اسفند حلبه از هریک سی درم و بیخ عاقرقرحا فلفل
دار فلفل عاقرقرحا اساورن سلیخه قسط زعفران زنجبیل از هریک ده درم
کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی دو درم دواء الحلتیت تب ربع و از گزیدن
عقرب و رتیلا و مانند آن را نافع باشد و از جهت تب در سکنجبین دهند
و بعد از آن که چهل روز گذشته باشد و از جهت گزیدن جانوران زهردار
در شراب صفته حلتیت سداب و فلفل مساوی کوفته و بیخته

بعسل

بعسل سرشته شربتی مقدار یک نخود دواء البلاذری بود استسقا و اکثر امراض
سودایی و بلغمی را نافع باشد صفته بلادریون در سرکه خیسانند یک شبانروز
و در سایه خشک کرده یکدرم زیره کرمانی و نمک هندی و پوست بلیله زرد
از هریک نیم درم افتیمون و تربد سفید از هریک یکدرم کوفته و بیخته شربتی
دو درم بخورند دواء الترمس حمیات بلغمی را نافع باشد صفته زنجبیل و مصطکی
از هریک ده درم تربد سفید بیست درم شکر طبرزد چهل درم شربتی هر شب یکمثقال
دواء الترنجبین ضعف باه را که سبب آن حرارت باشد نافع است صفته
ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید هر شب دو
ملعقه بنوشند دواء الکلب در تقویت باه بی نظیر است صفته خشک خاکرا
بکوبند و بیزند در آب خشک ترکنند و بیست بار در وقت آفتاب بپرورند
هر روز تازه بکنند چندانکه آب خشک ترسد و از آن خشک خشک کرده
پس خشک کنند و سه درم از آن با ده درم شیر تازه و ده درم نبات
بنوشند و سر و مزاج قدری زنجبیل کوفته و بیخته اضافه نمایند دواء الابل
تولید منی کند و نعوظ آورد و افعال مقوی باه بود صفته آب پیاز بجوز و

و عسل و وجز و بجوشانند تا بقوام آید در وقت خواب دو ملعقه از آن بخورند
دواء القوس جهة ضعف معده که سبب آن برودت و رطوبت باشد
بلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم خرنوب مقشر پنج درم نانخواه
و صعتر فارسی از هر یک سه درم خبث الحدید ده درم شربت ده درم با شراب
کهنه دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع باشد چون مدان غرغره
کنند یا بر خارج طلا سازند صفته تخم کرفس انیسون نانخواه سعد
دارچینی زرنباد دار فلفل زعفران از هر یک ده درم گل سرخ بیست درم قسط
و دماء الخطاطیف از هر یک سی درم نمک سنگ سنبل از هر یک پنج درم باز و جی
سفید ده عدد کوفته و بیخته بعسل سرشته و استعمال نمایند دواء المحرمل
همین خاصیت دارد صفته هرار سپند تخم ترب جلبه مر بوره آهن
نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند دیاقودا منع نزلات
کند و سرفه خشک را نافعست صفته خشخاش سفید با پوست
بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیارین بهدانه شیرین از
هر یک پنج درم اصل السوس بیست درم زر قطونا ده درم مجموع در شش

رطل

رطل آب باران خیسانند و دو شبانه روز تا نرم شود پس آتش نرم نرم
تا نصف شود و به غلیان آید بعد از آن صاف کند و یک من قند سفید اضافه نموده
و بقوام آورند دیاقودا دیگر قریب المنفعت نسخه اول خشخاش سفید
با پوست خشخاش سیاه از هر یک ده مثقال اصل السوس سه درم
و صمغ عربی از هر یک پنج مثقال آب انار شیرین بیست مثقال قند سفید
صد درم شربت سازند چنانکه رسمست دیگر بردیگ اکله ناسور زخم
زاید را نافعست صفته زرنیخ سرخ و زرنیخ زرد و از هر یک شش درم
مرکی ده درم آهک آب با نرده درم زنگار یک درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه
بسرشته و قرص سازند دارویی که موی را سیاه و دراز کند برگ
برگ مورد و شونیز بریان کرده مساوی کوفته و بیخته بروغن مورد یا روغن زیت
سرشته استعمال نمایند دارویی که کند با برد صفته شب یمانی در آب
حل کنند و جای ابدان بیالایند نافعست دارویی که حب القرع و کرم
دراز بکشند و اخراج کند صفته قنبیل سرخس حب النیل از هر یک پنج درم
درمنه ترکی دو درم تربد و برنگ کابلی مقشر از هر یک یک درم نمک هندی

داکمی کوفته و بیخته با شیر و شکر بیامیزند و بیاشامند داروی که همین خاصیت
دارد صفته نمک کابلی مقشر از هر یک سه درم تربد سفید دو درم قنبیل یکدرم
حب النیل یکدرم نمک سندی درمی کوفته و بیخته بمویز منقی سرشته تناول
نمایند داروی که چون بر آتش نهند از دود آن جانوران بگریزند صفته
زفت رومی کوکرد زرد و شاخ کوزن بادآورد مساوی زفت یکدرم زند
وکوفته و بیخته داروها بآن بسرشند و استعمال نمایند داروی که حبس عرق
کند صفته برگ مورد و ورق گل سرخ صندل سرخ گلاب جوشانند و
جامه را تر کنند و بپوشند داروی که نافع است از جهت کرمی که
در گوش باشد صفته شراب دو درم عسل سه درم روغن یکدرم سفیده بیضه
مرغ دو بیضه مجموع را باهم مخلوط سازند و به پشم پاره بدان تر کنند
و نیم گرم در گوش چکانند و در آنجانب تکیه کنند یکساعت بعد از آن
بیکبار آن پشم را بیرون کشند کرم بیرون آید داروی که از جهت
گزیدن عقرب و حیه بالخاصیت نافع باشد صفته آب برگ توت کوفته روغن
دنبه بر محل زخم نهند با آب در زرده تخم مرغ بهم آمیخته بر زخم نهند

درد

درد ساکن کرداند و اگر باقلا کوفته بدوشاب سرشته بر موضع گزندگی مالند
فی الحال درد ساکن شود و اگر کژدم را در روغن بجوشانند و بپالایند کسی را که
کژدم بگزد و آن روغن بر موضع گزندگی مالند درد ساکن کردد و اگر عسل
آن روغن بیامیزند چون کودک را دندان برآید از آن نیمدرم بکام کودک بمالند
اگر در همه عمر کژدم او را بگزد درد نکند و اگر چرک گوش خر بر موضع گزندگی
عقرب مالند درد ساکن کند و اگر ریش بسرکه تر کنند و بمالند همین عمل کند
و آن کژدم که کسی را گزیده باشد بگیرند و نمک سوده و بروغن چراغ گرم کنند
و بر زخم کژدم نهند فی الحال درد ساکن شود و اگر جوز مغز و انجیر و سیر کوفته بر آن
مار نهند نافعست داروی آتشک زیبق معقول هفت مثقال [illegible]
مصطکی سورنجان از هر یک دو درم تربد سفید و تنج شغشا از هر یک سه درم
روغن گل ده مثقال آب لیمو پنج مثقال پیه بزی شش مثقال و اگر جهت دانه
باشد توتیا سفیداب مردار سنگ از هر یک ده درم زنگار نیمدرم
اضافه نمایند و بطریق مرهم ترتیب نموده بدستور متعارف بمالند
داروی که بیهوشی آورد صفته افیون نیمدرم خشخاش سیاه دو درم

دو سه رطل آب بجوشانند تا رطلی آید و نیم رطل گندم پاک دران بجوشانند
تا آب تمام نیست شود پس گندم را خشک کنند و بکوبند و یک مثقال ازان هر روز را
بدهند بخورد داروی که همین عمل کند صفته خشخاش سیاه تخم کاهو از هر یکی
پنج درم بذر البنج ده مثقال بجوشانند و صاف کنند و با قند بقوام آورند
مثقالی ازان مسکر باشد و اگر آشته در شراب کنند هر که بخورد بیخود شود و اگر
خواهند که مست زود هشیار شود سرکه کهنه با گلاب بدهند با دوغ گاو
با برف سرد کرده بنوشند داروی که نافعست از جهة حکه و جرب و حکه
سعفه دان قشنی گویند صفته پوست هلیله زرد شش درم سنا مکی
و شاهتره از هر یک ده درم فستین یک درم و نیم کوفته و بیخته کشمش کوفته
بسرشند شربتی مقابل جوز داروی که شهوات رویه زنان را دفع کند
صفته مصطکی یک درم عود خام نیم درم زیره کرمانی دانگی و نیم کوفته و بیخته
با ده درم گلقند سرشته بنوشند داروی که نافعست از جهة درد دندان
که سبب آن حرارت باشد صفته افیون نیم دانگ در روغن گل حل کنند
و قدری پنبه بدان تر کنند و بر دندان نهند نافع باشد داروی که نافع است

ازجهة

از جهة درد دندان که سبب آن برودت باشد آنرا تریاق الاسنان خوانند
صفته جند بیدستر حلتیت فلفل مر زراوند مدحرج زنجبیل صمغ افیون
بذر البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان تر کنند و بر دندان
نهند داروی که همین منفعت دارد صفته فلفل عاقرقرحا مویزج زنجبیل
از هر یک جزوی بوره ارمنی یک جزو و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند
داروی که درد دندان سوراخ دار را نافع باشد صفته فلفل عاقرقرحا با زرد
فلفل و عاقرقرحا را بکوبند و با زرد و بسرشند و در سوراخ دندان گذارند
داروی که لثه را محکم کند و گوشت رفته را برویاند صفته کندر زراوند
مدحرج دم الاخوین کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین
عنصلی بسرشند و استعمال نمایند داروی که درد دندان را ساکن کند صفته
عاقرقرحا مویزج از هر یک سه درم مر یک درم آب گشنیز تازه بیست مثقال
شیر گاو ده مثقال جوشانیده حب سازند و بر دندان نهند و اگر سداب تازه
با مویز سیاه بکوبند و بر دندان نهند همین عمل کند والله اعلم بالصواب
باب الذال در ذرب مکاید در دو بیخ و ابدا را در انافع باشد صفته

انزروت پرورده بشیر خر نشاسته صمغ عربی نبات مساوی کوفته و بیخته
بیخته استعمال نمایند ذرور صفر نافع است از جهت کمنة المده و درد
چشم که سبب آن رطوبت باشد صفة انزروت مربا پنج درم شیاف مامیثا
دو درم صبر نیم درم افیون چهار دانگ زعفران نیم درم کوفته و بیخته استعمال کنند
ذرور اصفر دیگر انزروت مربی ده درم صبر زعفران حضض از هر یک دو
درم مر صاف یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر نوع دیگر
که قرحه و موی سبج را نافع باشد صفة سرمه اصفهانی سادنج عدسی مغسول کرده
ذرور سازند ذرور دیگر که ابتدای رمد را نافع باشد صفة قلیمیا
نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا سه درم صمغ عربی
چهل درم گل سفید شصت درم نشاسته سی درم افیون ده درم
کوفته و بیخته با آب رازیانه پرورده شنج سوخته پرورده [illegible] ذرور سازند
ذرور ماولی جرب و سبل و دمعه را نافع باشد صفة مامیران چینی یک درم
توتیای کرمانی پرورده شنج سوخته پرورده توبال مس سوخته مغسول مر
اصفهانی پرورده از هر یک ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور

دروی

دروی موسرج و شبره و قرحه رطبه را نافع باشد صفة سفیداب ارزیز ده درم
اقلیمیا نقره دو درم افیون دو دانگ و دو حبه شادنج مغسول صمغ عربی درمی
و نیم انزروت نیم درم مس سوخته دو دانگ و دو حبه شادنج مغسول چهار
دانگ کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را پاک کند
صفة نشاسته سه درم انزروت مربی سفیداج رصاص از هر یک دو درم
کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور معسل بیاض را نافع بود و چون در قرنیه نتو
نباشد صفة سرگین خطاف عاقرقرحا انزروت زنگار سقمونیا اقلیمیا کوفته
و بیخته بعسل مصفی سرشته استعمال نمایند ذروری که دمعه و جرب و ضعف بصر را
نافع باشد و بصر را موافق باشد صفة توتیای مغسول نشاسته سفیداب
ارزیز پوست هلیله زردچوبه از هر یک پنج درم فلفل دو درم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذروری که نافع است از جهت درد چشم کهنه و سرخی و آب رفتن
صفة توتیای مغسول نشاسته سفیداب ارزیز مساوی کوفته و بیخته
ذرور سازند ذروری که نافع است از جهت جرب و سبل ظفره و داکله
جفن صفة اقلیمیا صمغ عربی سه درم زعفران فلفل شنگرف از

هر یک دو درم افیون یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور قلفره و نبات
مامیثا ساذج هندی حماما از هر یک دانگی و نیم سرمه فلفل زنگار از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور دیگر که از جهة درد چشم اطفال
نافع باشد صفته انزروت مربی چشمک از هر یک ده درم مامیران دم الاخوین
از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور رکسه دار فلفل و دو درم
هلیله زرد و حضض مر از هر یک ده درم زبد البحر یکدرم مامیران دو دانگ صبر
دانگی و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور سبل توتیای مغسول و مثقال
مامیران چینی دو درم زبد البحر دو درم حضض مکی صبر سقوطری دار فلفل
پوست هلیله زرد از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی
یکمثقال کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور بیاض ساذج هندی
شش درم مس سوخته سرمه صفهانی توبال مس از هر یک سه درم
شادنج عدسی مغسول مرصاف از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران
چینی از هر یک یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کافوری نافع بود
از جهة حرارت چشم و رمد صفته صدف سوخته و مرداسنگ سفیده

از هر یک

از هر یک ده درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه کرده ذرور سازند
ذرور اربعه گوشت برویاند خون رفتن از جراحت باز دارد و رعاف را
نافع بود صفته انزروت مربی مرکند دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذرور دیگر که همین خاصیت دارد صفته انزروت دم
الاخوین کندر گلنار گل ارمنی از هر یک نیم درم عدس مقشر یکدرم کوفته و بیخته
ذرور سازند ذرور دیگر که گوشت فاسد شده را بخورد و سر جراحت به بندد
و سخت کند و در وقت به شدن و در اول سر جراحت بگشاید و تری بر چیند
و گوشت برویاند صفته انزروت چهار درم دم الاخوین دو درم گل
مختوم مرداسنگ مرکند از هر یک یکدرم و نیم گل ارمنی شیاف مامیثا زرد
هر یک درمی و نیم صبر سقوطری زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذرور دیگر که نافعست از جهة قروح مقعد و سوار رحم و مقعد
صفته سفیداب ارزیز گلنار شب یمانی مازو مساوی کوفته و بیخته مقعد را
بروغن گل چرب کنند و بران فشانند ذرور دیگر که استرخاء
مقعد را نافع باشد صفته حفت بلوط مازو قنار کندر شنج سوخته

کلنار شاخ گوزن محرق مرداسنگ صدف سوخته اقلیمیا مساوی
صلایه کرده ذرور سازند ذروری که همین خاصیت دارد صفته حب البلوط
گلنار جوز السرو کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد
پاشند ذرور دیگر که سوختگی آتش و روغن گرم را نافع است آنرا با دو آب
صفته مرداسنگ آهک از هر یک قدری بکوبند و جای سوختگی را روغن
گل چرب کنند و این داروها را بر آنجا افشانند در سه روز خشک شود
باب الرا روغن قسط فالج و لقوه و معده و جگر را سود دارد
و سیاهی موی نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد صفته قسط ده درم
فلفل فرفیون از هر یک سه درم عاقرقرحا چهار درم که از سردی بود در ایل
و فالج و استرخا را سود دارد قسط ده درم عاقرقرحا هفت درم
سونج سه درم جمله نیم کوفته کنند در چهار صد درم شراب کهنه بر بند
تا سه کشش برود و یک ثلث بماند و نصف از روغن چرش بان بیاندازند
و بپزند تا شراب برود و روغن بماند پس از هر یک ده درم روغن دو درم
فرفیون تازه اندازند و یک جوش بدهند و بردارند چند بید ستر

برود دو درم

دو درم و نیم شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط فلفل عاقرقرحا را
نیم کوفته در شراب خیسانند یک شب و صباح بجوشانند تا به نیمه آید بعد از آن
روغن زیت در آن ریزند و چندان بجوشانند که شراب برود و روغن بماند
بعد از آن جند بید ستر و فرفیون کوفته و بیخته در آنجا ریزند در زمانی که
آتش فرو کرده باشند روغن قسط به نسخه دیگر که درد جگر و معده و سرد
و مفاصل و استرخا را نافع باشد صفته قسط قصب الذریره سنبل
ساذج هندی میعه سائله پنج سوسن قرفه اشنه از هر یک بیست درم
راسن خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم مصطکی قرنفل از هر
یک ده درم مجموع نیم کوفته در سه من آب بریزند تا یکمن آید و با نیم من
روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن قسط به نوعی دیگر که جگر و
معده را نافع باشد و چون بمالند و چون بر محلی که موی ریخته باشد
بمالند موی بر وی باز آید و اعصاب را محکم کند صفته قسط تلخ صد درم خرما
جوز جهل درم سلیخه شش درم مجموع نیم کوفته کنند و در شراب خیسانند
و یک شبانه روز دیگر بجوشانند و بپالایند و سه چهار یک روغن زیت

باروغن کنجد بران ریزند و بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط به نسخه دیگر امراض
بارد را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و مقوی اعصاب است صفته
قرنفل سلیخه از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل ساذج قرفه اشنه
جند بیدستر قسط از هر یک بیست درم بیخ بنفشه سی درم مرزنجوش درم و نیم کوفته
در آب بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن صاف کرده دو من روغن کنجد اضافه
نمایند و چندان بجوشانند که آب برود و روغن بماند روغن شبت فالج و لقوه
و تشنج را سود دارد صفته شبت تر بیست درم مغز بادام تلخ سی درم
بکوبند در روغن از آن روغن بکشند [illegible] معده و جگر و
جمیع اعضا را قوت دهد صفته زیت با روغن بادام تلخ با روغن زرد
تلخ نیم من افسنتین رومی تازه دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز در
آفتاب بنهند روغن فرفیون همه دردها که از سردی بود و از لقوه و فالج و استرخا
را سود دارد صفته قسط ده درم عاقرقرحا هفت درم سونج سه درم حلبه
نیم کوفته کنند در چهار صد درم شراب کهنه بپزند تا نخستین برود و یک
بخش بماند نصف از روغن خیری با آن بیامیزند و بپزند تا شراب برود

و روغن بماند پس در هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه اندازند و یک
جوش بدهند و بردارند روغن [illegible] برودت و اختناق رحم را سود دارد
و گرده و مثانه سرد را گرم گرداند صفته سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده
درم قرفه قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد زعفران ده
درم زردی از سوسن بردارند یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه کنند
داروها کوفته بر روی آن کنند و در نزدیک آفتاب نهند در سه چهل
روز بگذارند پس بیرون آورند و نگاه دارند روغن [illegible] مسهل بلغم
بود و اعصاب را از رطوبت پاک کند بعد انجیر بریان کرده نرم کوبند و
بجوشانند و کف میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بردارند و آب زرد
بماند آب بریزند و آن کفها بجوشانند که تمام با روغن صاف میشود روغن
بید انجیر فالج و لقوه و سده و جگر و سپرز را نافع باشد و قولنج بگشاید
صفته نانخواه صعتر فودنه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از
هر یک ده درم شیطرج سقل از هر یک پنج درم ترنج جوز شیر زرنباد درونج
عقربی از هر یک سه درم زنجبیل و ارحبنی قاقله خیربوا کبابه دارفلفل

جوز بوا بسباسه شونیز قسط کرویا از هر یک چهار درم همه را نیم کوفته بخیسانند در
آب یک شبانه روز و بجوشانند تا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن بید
انجیر ساده بر روی آن کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند و شربتی
دو درم تا سه درم بامار الاصول روغن ترب روغن ترب مانند روغن زیت
بود و گرم تر از روغن بید انجیر باشد درد گوش را نافع بود و باد اگر در گوش بود
دفع کند صفته آب ترب سه جزو بگیرند و در روغن کنجد یک جزو و بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن خشک عسر البول عظیم را نافع باشد صفته خشک
ده مثقال زنجبیل چهار مثقال نیم کوفته بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن کدو بوسیدن [illegible] البدن آن سرسام و مالیخولیا را نافع بود صفته کدوی
تازه بستانند و پوست از آن بخراشند و با تخم بکوبند و آب آن بگیرند
چهار من [illegible] روغن کنجد بر وی ریزند پس بجوشانند تا آب برود و
روغن بماند اما بهتر است که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن بادام
روغن یکجان فالج و درد زانو را نافع باشد صفته آب یکجان دو جزو و روغن
کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده سرد را

اگر

گرم کند صفته برگ لاله از نبات آن چند که خواهند و در شیشه کنند و در روغن کنجد یا
زیت بر وی ریزند یکماه در آفتاب بیاویزند روغنی که درد گوش که از گرمی
باشد زایل کند صفته روغن دانه شفتالو ده درم روغن بادام شیرین پنج درم سرکه
کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود و روغن بماند در
گوش چکانند روغن کندر درد گوش که از سردی بود زایل کند صفته کندر پنج درم
صبر مر مکی مصطکی جند بیدستر حضض زعفران از هر یک یک درم روغن بادام
تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه کوفته با شراب و روغن بجوشانند
تا روغن بماند و بپالایند و در گوش چکانند روغن مصطکی معده را قوت دهد
صفته روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند ده درم مصطکی بکوبند بر وی
ریزند و دیگ را تا نیمه آب کنند و آن شیشه را در میان آن دیگ آویزند
و آتش کنند تا آب بجوشد چندانکه مصطکی گداخته شود روغن مورد که موی را
نگاه دارد و نگذارد که ریخته باشد بر وی باید صفته بگیرند آب مورد سه جزو و روغن
زیت یک جزو و با یکدیگر بجوشانند تا آب برود و روغن بماند قدری
لادن در آن اندازند تا بگدازد و فرو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کنند

صفت پوست هلیله کابلی با زو برگ مورد از هر یک یک جزو و در شراب ریحانی خیسانند یک
شبانه روز پس بپزند و بپالایند و یک جزو روغن کنجد در آن ریزند و در هر صد درم روغن
ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بیفزایند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی را
چرب کنند و صباح در حمام بشویند روغن دیگر که موی را سیاه دارد و دراز
کند و از افتادن نگاه دارد صفت سادج هندی حماما حضض یکی لادن آمله از
هر یک پنج درم کوفته در سه رطل آب بپزند تا به رطلی آید یک رطل روغن کنجد بر آن ریزند
و بجوشانند تا که آب برود و روغن بماند هر روز برگ چغندر بشویند و این روغن
بمالند روغن دیگر که موی را سیاه کند تا شش ماه سیاهی آن بماند صفت
جوز هندی سر آن بردارند و مغز بیرون کنند ده شیره ده درم از آن مغز بادام
آمله ده درم براده آهن ده درم بوره ارمنی ده درم بسایند خرده در میان آن
جوز کنند و سر آن بخمیر محکم کنند و تمام آن جوز در گل حکمت گیرند و در میان
آتش اندازند و بیرون آورند روغنی که از آن تراشیده شود در موی بمالند که مقصود
حاصل شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع
باشد صفت برگ حنا یک چهاریک در دو من آب بجوشانند تا یک من آید و بپالایند

و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند روغن آمله موی را سیاه کند و
قوی گرداند صفت آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب
بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و همچندان روغن کنجد اضافه نمایند و
بجوشانند تا روغن بماند روغن شبه دو هفته بر هر موضع که بمالند موی
برویاند یک خربزه بگیرند و سوراخ کنند و دانه بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم
مرغ در اندرون آن خربزه ریزند با پنج سیر روغن زیت و برگ مورد کوفته و
براده آهن صلایه کرده از هر یک ده درم و سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل
حکمت گیرند و یک شب در تنور نهند و روز دیگر بیرون آرند و گل را از آن جدا
کنند و این خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند روغنی که
سهر با فراط آورد چون بر سر بمالند صفت نوشادر و نمک نبطی سپندان تخم
جرجیر فلفل سیاه زنجبیل کاکنج مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند
تا مهرا شود و پس صاف کنند و همچندان آب روغن بنفشه بجوشانند تا که
آب برود و روغن بماند روغن بهی معده را قوت دهد و حبس عرق کند
و اگر بر روی گلگونه کنند و باز خورند اسهال باز بندد صفت آب به

ده جزو آب برگ مورد بگیرد و در روغن گل یکجزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن بادرنبویه استسقا را نافع بود صفته برگ بادرنبویه یک چهاریک در سه من آب
بجوشانند تا به نیمه آید و سه وقیه روغن بادام دران افکنند و بجوشانند تا روغن
بماند شربت یک درم با شیر شتر اعرابی روغن مغز بادام سرد و تر بود و جرب را
بالبدن نافع بود و صلابت مفاصل را نرم کند و در ناخن بالیدن صحت آنرا
نگاه دارد و دفع بیخوابی کند صفته مغز بادام شیرین که تلخ در او نباشد
سفید کنند و نیمه کنند و خشک گردانند و هر ده من بادام یکمن بنفشه
بروی آن ریزند و در خریطه کرباس نو در روز در میان بید مشک رها کنند
و بعد از ان بید مشک ازو جدا کنند و بنفشه تازه بروی آن ریزند و هر
دیگر بار بنفشه بروی آن ریزند و چند روز در زیر جامه خواب کنند تا بنفشه بوی
بگیرد و بعد از ان معلق بیاویزند تا نیک خشک شود و بنفشه از ان جدا کنند
و روغن از ان بکشند چنانکه رسم است روغن بادام معتدل بود در حرارت
و برودت دماغ را نافع بود و فهم بیفزاید و اسهال مراری باز دارد و درد سر که از
گرمی باشد سود دارد و چون در آب سرکه بیزند صاحب حکه جرب بالدرن نافع باشد

چون

چون نفشه بادام است بجای بنفشه ورق گل کنند و هر ده من بادام دو من ورق
گل سرخ کنند روغن گل سرخ و سفید شقایق و یاسمین و نرگس و سداب
و شبت و هرچه تازه باشد و دستور آنست که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند
روغن آجر که آنرا دهن المبارک گویند خواص بسیار دارد و گرم تر از نفط سفید
و لطیفتر و امراض بارده را بغایت سود مند بود و جهت گزیدن عقرب و کسی که
افیون و بذر البنج خورده باشد نافع بود صفته آجر سرخ آب ندیده با دام
بادام کنند و در آتش اندازند تا سرخ شود و با نبر برگیرند و در روغن زیت
اندازند و بعد از ان بیرون آورند و خرد کنند و در شیشه که بگل حکمت
گرفته باشند کنند و سر شیشه بموی آب بگیرند و کلکانی که سوراخ در آن
باشد و بر قمقم کنند و آتش در ان اندازند و چیزی در زیر شیشه نهند و روغن
که چکد نگاه دارند روغن سورنجان مفاصل را نافع بود صفته سورنجان
قصب الذریره نیم کوفته بخیسانند یک شبانه روز و دیگر بجوشانند تا مهرا شود
و به پالایند و آب کرفس اضافه نمایند و یک چهاریک روغن زیت
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن کراث بواسیر را نافع بود

صفه آب کنند و روغن کنجد نیم من باده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن ناتوره جهت دفع سرعت انزال نظیر ندارد و چون کف پا را بدان
چرب کنند صفه ناتوره هندی از پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان
شیشه گردن دراز کنند و سر شیشه را بموی اسب محکم کنند و شیشه را گل حکمت
گیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد ترتیب نمایند و پنج کاسه را سوراخ
کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرون آورند و در زیر شیشه پیاله نهند و
کاسه را بر بالای سه پایه نهند و آتش را بر بالای شیشه کنند در اندرون کا
ر روغنی که از آن بچکید نگاه دارند روغن عقرب سنگ پشت را پاره پاره کرده
و بیرون آورد صفه ریوند چینی سعد هندی خطمیا با پوست بیخ کبر از هر یکی
یکی قیه روغن بادام تلخ یک رطل دارو ها کوفته در شیشه کنند و روغن بر سر
آن ریزند و یک هفته در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و ده عقرب
زنده در آن اندازند و سر شیشه ببندند و یک هفته دیگر در آفتاب بگذارند
و بپالایند و دو قطره از آن در احلیل چکانند روغن بارزد منقول از
قانون اوجاع بارده احشا و قولنج و بعض ریحی را نافع باشد بادهای

غلیظ

غلیظ را دفع کند و درد گوش ساکن گرداند و چون در بینی چکانند صداع
شقیقه بارده را سوده دارد و رنگ را خوب گرداند و رحم را گرم گرداند و چون در
احلیل چکانند امراض مثانه را نافع باشد و این روغن اشرف روغنهاست و منافع
این بسیار است صفه قصب الذریره سعد ورق الغار عود بلسان لک
ساذج هندی برگ مورد اذخر اهیل راسن قردمانا مرزنجوش هر یک بیست درم مساوی
نیم کوفته در شراب و آب چندانکه بپوشد صاف کنند و سنبل رومی و قرنفل و میعه نیم
کوفته کنند با آب و شراب این روغن صافی بجوشانند پس صاف کنند و در روغن
بلسان شصت درم با آن ضم کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن بادرنج نسخه دیگر اورام صلبه معده را نافع باشد صفه روغن بان یک رطل
سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر قصب الذریره از هر یک یک درم نیم کوفته
و در شیشه کنند و سرش محکم سازند و یک هفته در آفتاب بگذارند و بعد از آن
صاف کنند و ادویه را دیگر باره در آن ریزند همچنین تا سه نوبت بعد از آن
صاف کرده استعمال نمایند روغن دهن العقارب سنگ کرده و مثانه را ریزاند
صفه بگیرند عقرب را در شیشه محکم کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند تا نشش

ساعت پس بیرون آورند کوفته و بحریر بیخته بکار استعمال نمایند باب الزا
زرعونی پشت دکرده را محکم کند معده را قوت دهد و بلغم دفع کند و
بوی دهن خوش کند و آب از دهن رفتن باز دارد و باد بشکند و ریک
از مثانه پاک کند صفته تخم کرفس تخم کندر تخم شلغم شبت نانخواه رازیانه مغز
تخم خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا قرفه زعفران
مصطکی عود خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی فلفلمویه از هر یک سه
درم عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از
ده ماه استعمال کنند زرعونی دیگر منی بیفزاید و باه را قوت دهد و پشت را
محکم کند و در امر مجامعت عظیم نافع باشد صفته تخم کرفس تخم کندر تخم
شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه و بادرنگ بیخ کرفس مغز حب
القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل تازه مغز چلغوزه از هر یک پنج مثقال بسباسه
قرنفل فلفلمویه عاقرقرحا کبابه زنجبیل تخم اشبت تخم پیاز حب الرشاد تخم جرجیر
تخم کندنا خولنجان جوزبوا گل سرخ قرفه دارفلفل از هر یک سه درم گل قرفه
زعفران کندر از هر یک چهار درم بهیون بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید

شقاقل

شقاقل لسان العصافیر از هر یک پنج درم بصل العار بربیان کرده خصیة الثعلب
تضب سکا دو سوده مغز کله کنجشک نر خشک مرغابی کش خرما از هر یک ده مثقال
عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص نیم مثقال تنبد بوزن ادویه عسل بوزن
مجموع بطریق معهود معجون سازند گرم مزاج دو مثقال بخورند و از عقب آن
ده درم شیر تازه و ده درم شکر در آن حل کرده بیاشامند و سرد مزاج پنج درم
فرو برد و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامد و الله اعلم باب السین سفرجلی
مسهل معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قولنج بکشاید صفته
به صفاهانی را از پوست و دانه پاک کنند نیم من و در سرکه با شراب بجوشانند
تا مهرا شود و از غربال بیرون کنند و یکمن عسل صاف بر سر آن ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و این دارو را کوفته و بیخته با آن بسرشند زنجبیل و دارفلفل
قاقله کبار و صغار دارچینی زعفران از هر یک سه درم مصطکی پنج درم تربد سفید
سی درم سقمونیا ده درم شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهة قولنج
نافع باشد سفرجلی بستانی صاحب مزاج گرم را موافق باشد و در فصل گرما توان
داد و از این جهة محمد زکریا این سفرجلی را بستانی نام نهاد و صفته سقمونیا

دو درم و نیم ترنجبین سفید ده درم مغز خیار بیخ درم ورق گل سرخ و طباشیر از هر یک
دو درم و نیم ترنجبین و عصاره ... از هر یک پنجاه درم آب ... ترنجبین بجوشانند
چندانکه ترنجبین گداخته شود و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند
واین جمله شربت است سفرجلی ممسک شکم ببندد و معده را قوت دهد
و دفع قی کند و لون رنگ گرداند و اشتهای طعام آورد صفت به اصفهانی
از پوست و دانه پاک کرده نیم من در سرکه بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن
بکوبند و نیم من عسل بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید فرود گیرند و این
داروها را کوفته و بیخته بآن بسرشند زنجبیل فلفل و دارفلفل از هر یک چهار
درم تخم کرفس نانخواه زعفران از هر یک دو درم شربت چهار مثقال [illegible]
بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان و قولنج و عسر البول البلغمی را سود دارد
و سده جگر بگشاید و صلابت را به تحلیل برد و معده را گرم گرداند و تخمه را نافع
باشد و سرد مزاج را موافق باشد صفت جند بید ستر دار چینی افیون اسارون
قسط و ... از هر یک یک درم فلفل و دارفلفل قسط بارزد از هر یک شش درم
زعفران نیم درم بارزد را در عسل بگذارند داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند

و بعد

و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت دو مثقال تا دو درم با آب گرم سکنجبین
ساده صفرا را دفع کند و محرور مزاج را نافع باشد و تبهای حاره و جگر گرم را
نافع باشد و تشنگی بنشاند و سده بگشاید و بول براند صفت قند سفید یکمن در
دیگ کنند و یک چهاریک سرکه صاف بر روی آن ریزند و بجوشانند تا بقوام
آید و یک قنینه گلاب بر سر آن ریزند و فرود گیرند سکنجبین بزوری بارد سده
جگر بگشاید و بول براند و استسقا و تبهای حاره را نافع باشد و تشنگی بنشاند
صفت پوست بیخ کاسنی هشت درم سه تخمه از هر یک پنج درم نیم کوفته در آب
یک چهاریک سرکه خیسانند یک شبانه روز دیگر بجوشانند و بپالایند و یکمن قند
بقوام آورند و فرود گیرند سکنجبین بزوری حار سده معده و جگر بگشاید و
بول براند و فضول از معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد صفت تخم کاسنی
نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس از هر یک پنج درم پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب و سرکه خیسانند چنانکه ذکر کرده شد و یکمن
قند اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین بزوری یرقان و درد جگر که از گرمی باشد
سود دارد صفت تخم کاسنی نیم کوفته بیست درم شاهتره و تخم کشوث از

یکمن قند وزن تبریز
ده سیر است

هر یک ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را کوفته در کیسه بندند و با دو دیگر
در دو من آب بجوشانند و زمان زمان کیسهٔ ریوند را بدست بمالند تا شیرهٔ تمام
باز دهد و بعد از آن صاف کنند و با یک من قند و چهل مثقال سرکه بجوشانند
تا بقوام آید شربتی پانزده درم با پنج درم گلاب **سکنجبین بزوری نوع دیگر**
درد جگر را سود دارد و سده بگشاید و طبع را نرم کند **صفت** ریوند چینی سی
درم ترید سفید بسفایج فستقی تخم کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم
غاریقون پنج درم مجموع را در دو من آب بپزند و سه درم و دانگی زنجبیل
کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و با یک چهار یک سرکه و یک من نیم قند
چنانکه ذکر رفت بجوشانند تا بقوام آورند **سکنجبین بزوری معتدل** سده
و سبزرد جگر بگشاید و بول براند و تبهای مرکبه را نافع باشد **صفت** تخم
کاسنی رازیانه تخم کرفس از هر یک سه درم تخم نیلوفر و کشوث از هر
یک پنج درم پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت درم
مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم سرکه خیسانند یک شبانه روز
دیگر بجوشانند و با یک من قند بقوام آورند **سکنجبین رمانی** تبهای محرقه

را و جگر و معده گرم را سود دارد و تشنگی بنشاند **صفت** آب انار شیرین و آب
انار ترش از هر یک نیم من بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک و سرکه صاف
یک چهار یک با یک من قند اضافه کنند و بجوشانند و بقوام آورند و اگر بجای سرکه
آب لیمو کنند صواب باشد **سکنجبین لیموی** که همین خاصیت دارد
صفت آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و گلاب و آب لیمو از هر یک سی مثقال
قند سفید یک من بجوشانند و بقوام آورند **سکنجبین دیگر** که صلابت سپرز را
نافع باشد **صفت** ریوند چینی غاریقون پوست بیخ کبر پوست درخت بید
گز مازج افتیمون عافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم
چهار یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با یک من قند بقوام آورند **سکنجبین
دیگر** که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال صفراوی باز دارد و کسی که آکله
پدید آمده باشد نافع باشد **صفت** سرکهٔ کهنه و گلاب از هر یک یک چهار یک
برگ گل پنجاه درم گلنار بیست درم در سرکه و گلاب خیسانند سه شبانه روز
پس بجوشانند و بپالایند و با یک من قند بقوام آورند **سکنجبین افتیمونی**
مالیخولیا را و اصحاب وحشت و صرع را نافع باشد **صفت** افتیمون ده درم

بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاوزبان پرسیاوشان
تخم کاسنی ابرسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حاشا
ورق گل سرخ کمافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک بادر
نجبویه زرنباد درونج عقربی بهمن سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر
یک سه درم گل قند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب خیسانند یک شبانه
روز و بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین افتیمونی نوع دیگر
اسطوخودوس رازیانه شاهتره از هر یک پنج درم افتیمون بسفایج
فستقی سنا مکی پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم و نیم کوفته در پنجاه درم
سرکه خیسانند و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین قوه استسقا و
صلابت طحال و ورم صلب جگر را نافع بود و سده بگشاید صفته رازیانه
پوست بیخ کرفس پوست بیخ کبر تخم کاسنی انیسون و پوست بیخ کاسنی
خشک روفا فوه غافث افسنتین از هر یک ده درم تخم کشوث پوست بیخ
کرفس جعده سنبل اسارون از هر یک هفت درم در صد درم سرکه خیسانند
و یکمن قند بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس ربو و سرفه بلغمی را نافع

بود صفته سرکه عنصلی یک چهار یک عسل مصفی یکمن بجوشانند تا بقوام آید سکنجبین
عنصلی نوع دیگر استسقا را و درد پهلو که از سردی بود و سرفه کهنه بلغمی فالج و
لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را نافع باشد و سده بگشاید و تجربه کرده شد از و
صفته سرکه عنصلی یکمن زنجبیل رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا فودنه دشتی
از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی قردمانا از هر یک پنج درم ادویه نیم کوفته
کنند در سرکه عنصلی و یک چهار یک عسل صاف خیسانند و یک هفته در آفتاب
نهند و بعد از آن بپالایند و نگاه دارند و پیش از طعام سی درم استعمال
نمایند سرکه عنصلی بیخ دندان سخت کند و بوی دهن خوش کند صفته
بگیرند پیاز عنصل و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند چنانکه بیکدیگر
نچسبد چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک شود و بعد از آن در ظرفی
کنند و هر یکمن پیاز را نه من سرکه کهنه در خمل نمایند دو ماه در آفتاب نهند
و نگاه دارند که مفید است سفوف طباشیر دل گرمی اسود دارد صفته گل سرخ
طباشیر از هر یک سه درم گشنیز خشک دو درم رب حوز مروارید ناسفته کهربا
از هر یک نیم درم کافور دانگی دو درم با سکنجبین سفرجلی سفوف دیگر خفقان

سرد را سود دارد و درونج عقربی لسان الثور از هر یک شش درم زرنباد
دو درم کوفته و بیخته شربت یکمثقال با چهار یک با شراب کهنه یا ماء العسل
سفوف قاقله معده سرد و تر را سود دارد صفته قرنفل کبابه از هر یک پنجدرم
سنبل و مصطکی از هر یک سه درم عود خام هشت درم شکر طبرزد
بوزن همه شربتی یکمثقال با ده درم گلقند سفوف خاص شهوت طین
و شهوات ردیه زنان حامله را نافع باشد صفته قاقله خیربوا کبابه مساوی
شکر بوزن همه شربت ده درم با آب گرم سفوف کرنب تخم کاسنی
تخم کرنب زرشک منقی عدس مقشر سماق گل سرخ طباشیر مساوی
کوفته و بیخته شربت سه درم با یک طسوج کافور در آب انار حل کرده
بنوشند سفوف دیگر که دفع سرعت منی کند صفته تخم کرنب مغز بادام
شیرین مغز بادام تلخ پودینه از هر یک سه درم نانخواه نمک سداب زیره از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته در آب انار حل کنند و باز خورد شربت سه درم
سفوف انیسون بادهای معده را دفع کند و معده را از اخلاط غلیظ پاک کند
صفته نانخواه تخم کرفس از هر یک پنجدرم کندر نقاع اذخر قسط مصطکی از

هر یک

هر یک سه درم سپندان سفید درمی کوفته و بیخته با قند بسرشند شربت
پنجدرم سفوف جوز اسهال بلغمی باز دارد صفته جوز بریان کرده سه درم نانخواه
یکدرم کندر نیم درم کوفته با آب گرم بنوشند سفوف مقلیاثا بواسیر و مغص و
اسهال کهنه و زحیر و ضعف معده را نافع باشد صفته تخم تره تیزک هشت درم
زیره کرمانی در سرکه خیسانند و خشک کرده بریان پنجمثقال بذر الکتان و تخم
گندنا و هلیله سیاه در روغن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال مصطکی
یکمثقال مجموع کوفته سوده تخم تره تیزک شربتی دو درم با آب سرد سفوف دیگر
که سلس البول را نافع باشد صفته بلوط پنجاه درم کندر سی درم کشنیز خشک بریان
کرده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم گلنار گزمازج از هر یک پنجدرم شربتی
درم با آب خالص سفوف که همین خاصیت دارد صفته کندر سعد خولنجان
زیره کرمانی شاه بلوط حب الآس مساوی کوفته و بیخته بنوشند سفوف
نمک معده و جگر و اوجاع مفاصل و امراض که سبب آن امتلا باشد
نافع بود صفته نمک طعام سی درم فلفل سفید هشت درم زنجبیل یازده درم
انیسون هفت درم تخم جرجیر نانخواه نوشادر فلفل سیاه پودینه از هر یک ده

درم کوفته بیخته شربت سه درم باب گرم سفوف هلیله درد جگر را نافع بود
صفته هلیله سیاه و پوست هلیله کابلی از هر یک چهل درم تخم کرفس انیسون
رازیانه از هر یک پنج درم کوفته بیخته شربت سه درم با شیر شتر سفوف دیگر
درد جگر را سود دارد و بول براند صفته تخم خربزه تخم خیارین از هر یک پنج درم
تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب
السوس از هر یک دو درم عصاره زرشک چهار درم ریوند یک مثقال لک مغسول
چهار دانگ زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک یک درم کافور دو
دانگ شربت سه درم سفوف فربهی نخود سفید پنجاه درم در سرکه قدری
آب چینانند یک شبانه روز و خشک برنج خشک کرده نان سپیده
خشک کرده از هر یکی ده درم مغز بادام مقشر شصت درم کشک جو کشک گندم
از هر یک سی درم خشخاش سفید سی درم شکر طبرزد نیم من مجموع کوفته در
یکدیگر ممزوج سازند هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند سفوف
جوزی از جهت زحیر مجرب است صفته تخم تره تیزک بریان کرده بذر قطونا
بریان کرده ابهل بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم گندنا تخم

شبت

شبت خشخاش انیسون تخم کرفس بذر البنج از هر یکی دو درم و نیم افیون سه درم
دو دانگی کوفته بیخته از آن سفوف سازند سفوفی که نفث الدم را نافع
باشد صفته طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم شادنج عدسی مقشر تخم خرفه
از هر یک پنج درم بسد کهربا مروارید ناسفته خشخاش سفید رب السوس اقاقیا
عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم بذر قطونا بیست درم افیون دو درم
مجموع کوفته بیخته سوی بذر قطونا سفوف سازند شربت دو درم با آب
باران یا آب برگ خرفه و اگر حرارت قوی نباشد سه درم کندر اضافه این دارو
نمایند سفوف حب الرمان ضعف معده و امعا و اسهال مراری را نافع بود صفته انار
دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق زیره کرمانی مغز حب الاس سنجد
کشنیز خشک بریان کرده خرنوب نبطی آرد کنار از هر یک پنج درم عود خام
نیم درم یک مثقال کوفته و بیخته با رب انار استعمال نمایند شربت سه درم
سفوف الطین و آنرا سفوف الطین النساء نیز گویند اسهال مراری دموی را
نافع بود صفته بذر قطونا ریحان تخم مرو و نشاسته تخم حماض بریان
کرده صمغ عربی گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته بغیر از سه تخم او یکدیگر بیامیزند

شربت سه درم بروغن گل بادام چرب کنند و بگلاب تر کرده فرو برند سفوف
ابن ماسویه جهة زحیر و وجع و امعاء و سحج نافعست صفته تخم خطمی مقشر
تخم خیارین مقشر از هر یک پنج درم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی
گل ارمنی از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربت سه درم صباح و سه درم
مساء بآبی که طباشیر و گل ارمنی و صمغ عربی دران منقوع بوده باشد نافع بود
سفوفی که شکم ببندد و ضعف معده را نافع بود صفته سماق نانخواه
زنجبیل انار دانه بریان کرده زرشک منقی آرد کنار از هر یک دو درم نبات سفید
کوفته بیست درم شربت یکمثقال سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال
معدی را نافع باشد صفته سماق ده درم حب الآس انار دانه بریان کرده
از هر یک پنج درم صمغ عربی گلنار از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
شربت یکمثقال سفوف سورنجان نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع باشد
صفته سورنجان مصری ده درم سنا مکی هفت درم پوست هلیله
زرد مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران پنج درم سقمونیا یکدرم قند سفید
سی درم و اگر باده طبعی باشد تربد سفید پنجمثقال اضافه نمایند و سقمونیا یکدرم

زیاده

زیاده کنند سفوف سرطان که مسلول را بغایت نافع بود صفته سرطان
نهری محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش سیاه مغز تخم
خربزه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربت یکمثقال با شراب انار شیرین یا
شراب خشخاش دهند سفوفی که سنگ گرده و مثانه اطفال را پاک کند
صفته مغز تخم خربزه و صمغ عربی یا صمغ آلو قلت مساوی کوفته و بیخته شربت
نیمدرم تا یکدرم سفوفی که خفقان گرم را نافع باشد صفته گل ارمنی گشنیز
خشک از هر یک یکدرم طباشیر کهربا از هر یک نیمدرم کافور دانگی کوفته و بیخته
با دوغ گاو دهند سفوف اسطوخودوس که از برای اشخاص ساخته بود و
ذرب و تباهی معده و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع بود و
طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت دهد صفته قرفه
ساذج عود بلسان اسارون مصطکی هلیله کابلی قرنفل و دارسک زیره
کرمانی دارچینی اشنه فلفل دارفلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا اکا
قاقله از هر یک دو درم مشک عنبر از هر یک یکدرم شربت تا سه درم سفوف
جوارش معده سرد و تر را نافع بود و جگر را قوت دهد صفته لک مغسول

حب الآس بلوط مصطکی مازو عود بلسان پوست انار از هریک چهار
درم زنجبیل وکندر از هریک یکدرم نبات پنجاه درم شربت مثقال
یکهفته استعمال نمایند وگوشت نخورند سفوف کهربی ورق گل سرخ
زرشک منقی لک از هریک یکدرم ونیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته
صمغ عربی از هریک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یک
مثقال زعفران دو دانک کوفته وبیخته سفوف سازند سفوفی که
فواق بلغمی را دفع کند صفه تخم کرفس فطراسالیون سعد از هریک
دو درم ونیم ودو قوه پوست بیرون پسته انیسون فوه نه اسارون
قسط زیره کرمانی از هریک سه درم وج نیمدرم شربت دو درم
سفوفی که درد جگر وتهیج را ببرد صفه گل سرخ هشت درم زرشک
پنجدرم سنبل مصطکی وعصاره غافث افسنتین رومی
ریوند چینی از هریک دو درم فقاع اذخر اسارون رب السوس
از هریک دو درم ونیم زعفران یکدرم شربتی دو درم با سکنجبین
سفوفی که حرارت جگر را بنشاند وخمار دفع کند واسهال صفرای

بازدارد

بازدارد وغلبه خون را ساکن کند وکسی را که آبله برخواهد آمد سود دارد
صفه ورق گل سرخ ده درم طباشیر سه درم سماق تخم حماض عدس
مقشر زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هریک پنجدرم صندل سفید
دو درم ونیم کافور یکدرم شربت سه درم با شراب حماض یا شراب غوره
یا شراب انار سفوف کهربا خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفه کهربا
گل ارمنی گلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته وبیخته شربتی سه درم با
یکدانگ افیون در یک قیه نقیع سماق حل کرده بدهند سفوفی که از جهة
بول الدم نافع بود صفه شادنج مغسول دم الاخوین بسد کهربا شب یمانی
گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل فرسی مساوی کوفته وبیخته شربتی دو درم
با آب سماق سفوف سورنجان اوجاع مفاصل را نافع باشد صفه سورنجان
هفت درم زیره کرمانی بریان کرده فوه از هریک دو درم فلفل یکدرم
قند سفید دوازده درم کوفته وبیخته شربت سه درم سفوف حجر الیهود
سنگ گرده ومثانه را پاره کند وبیرون آورد صفه مغز تخم خیارین مغز
تخم کدو مغز تخم خربزه از هریک پنجدرم خسک مربی چهار درم حجر الیهود

[illegible]

قلت از هر یک سه درم تخم کرفس سیسالیوس فطراسالیون از هر یک یکدرم
صمغ عربی و کتیرا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب
خشک سفوف حجر الیهود نسخه دیگر تخم قلت یازده درم مغز تخم کدو
مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک چهار درم و نیم سیسالیوس دو درم
صمغ عربی نشاسته کتیرا از هر یک سه درم حجر الیهود شش درم قند
سفید هشتاد و هشت درم کوفته و بیخته شربت دو درم با آب نخود
سیاه سفوفی که در ساعت شکم به بندد صفته شاه بلوط سه درم مازو
و پوست انار از هر یک چهار درم کرد و سماق شش درم حب الاس
هفت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب سرد سفوف منوم
کندر عود خام از هر یک درمی خشخاش ده درم زعفران دانکی نبات
بیست درم کوفته و بیخته شربت یکدرم سفوف که شهوات ردیه
زنان حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد
صفته زرنباد و تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر سه درم
کنجد مقشر ده درم نبات نود مثقال کوفته و بیخته سفوف سازند

که دفع

که دفع سرعت انزال کند صفته طباشیر سفید خشخاش انیسون کندر از هر یک
یکدرم جوز السرو سه درم کوفته و بیخته شربت دو درم با شراب خشخاش
سفوفی که مدقوق و مسلول و قروح سینه و نفث المده را نافع باشد
صفته صمغ عربی نشاسته کتیرا مغز بهدانه خشخاش سیاه تخم کاهو
تخم خطمی از هر یک شش درم صندل سفید دو درم شکر العشر طباشیر
از هر یک سه درم ورق گل سرخ تخم خیارین تخم خبازی تخم خرفه از هر یک
یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و عصاره لسان الحمل گل مختوم
گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته
شربت دو مثقال با نبات انک کافور دو دانک با ماء السرطان یا شراب
خشخاش و شیره تخم خرفه نافع باشد سفوفی که باد و بادها دفع کند
و استسقای طبلی را نافع باشد صفته تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون
قسط ریوند چینی از هر یک دو درم زیره کرمانی سه درم سنبل سعد
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربت یکمثقال سفوفی که اسهال
معدی را نافع باشد صفته انار دانه بریان کرده آرد کشار آرد سپید

ازهر یک دو درم کشنیز خشک بریان کرده پنجدرم خرنوب شامی خرنوب
نبطی و بلوط در سرکه خیسانند یک شبانه روز و در سایه خشک کرده و بریان کرده
ازهر یک پنجدرم سماق سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم **سفوفی** که
قرحه مثانه را نافع باشد **صفته** دم الاخوین شادنج عدسی مقشر کشته
تخم کرفس ازهر یک نیمدرم صمغ عربی یکدرم مومیایی دو دانگ کاکنج دو درم
کوفته و بیخته شربت یکدرم و نیم با شراب خشخاش **سفوف لولوی**
دوسنطیا را که بدی را نافع باشد و معده و دل و جگر را قوت دهد
و حرارت تشنگی نشاند **صفته** مروارید ناسفته چهار درم بسد سوخته
گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم گل صندل سفید بارتنگ
بریان کرده تخم حماض بلوط بریان کرده تخم مورد بیخ کنار آرد سنجد
کشنیز خشک بریان کرده صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک کبست
جوز بریان کرده طراثیث تخم خرفه بریان کرده بزرقطونا بریان کرده
ازهر یک سه درم گل ارمنی گل مختوم مصطکی ازهر یک یکدرم ناردانه
پنجدرم کهربا اقاقیا مقشول ازهر یک دو درم مجموع کوفته و بیخته بغیر از

بااهک

بارتنگ و بزرقطونا سفوف سازند **سفوف ذرب** تخم حماض و زرشک پیدانه
تخم زنب کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ خرنوب شامی بلوط طباشیر
ازهر یک یکدرم سماق و حب الاس ازهر یک دو درم ناردانه چهار درم
مجموع کوفته و بیخته سفوف سازند **سفوف خرنوب** اسهال معدی
و استرخای معده را نافع باشد **صفته** خرنوب نبطی بی دانه زیره
کرمانی مر سماق کبست کنار حب الاس مصطکی بلوط کشنیز خشک
بریان کرده مساوی کوفته و بیخته شربت یک مثقال با آب سرد نافع
بود **سفوف المزور** باد را بشکند و معده را قوت دهد **صفته** کردیا
انیسون زیره کرمانی قاقله قرفه نانخواه تخم کرفس ازهر یک دو درم قرنفل
نیمدرم زنجبیل دارفلفل ازهر یک دانگی قند سپید مثقال کوفته و بیخته
شربتی دو درم **سفوف حب الغب** شکم ببندد و معده را قوت دهد
صفته دانه انگور و صمغ عربی ازهر یک چهار درم حب الاس و سماق از
هر یک دو درم مصطکی گلنار ازهر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف
سازند **سفوفی** که نافعست از جهة اسهال که بان سرفه باشد **صفته**

حب الآس شاه بلوط خشخاش خرنوب از هر یک دو درم صمغ عربی
یکدرم کوفته و بیخته شربت سه درم سفوف دیگر که همین خاصیت دارد
صفه صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب الآس از هر یک چهار درم بر
سیاوشان کندر از هر یک یکدرم خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک
سه درم کوفته و بیخته شربت سه درم بشراب خشخاش سفوفی که
حرقت بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند صفه مغز تخم
خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش سفید
از هر یک ده درم نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج
سفید دو درم قند برابر همه شربت سه درم شبانگاه بشراب خشخاش
سفوف دیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط از هر یک یکدرم نشاسته
کثیرا تخم کاهو تخم خرفه از هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و
بیخته شربت سه درم بآب انار ترش سفوفی که اوجاع مفاصل را
سود دارد صفه سورنجان ده درم سقمونیا یکدرم و چهار دانگ کبابه
یکدرم قند سفید سی درم کوفته و بیخته شربت سه درم سفوفی که

دیم

بواسیر و اسهال و زحیر و مغص را نافع بود صفه تخم تره تیزک بریان کرده
نود مثقال بزرک بریان کرده بزر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس بریان
کرده و گل ارمنی و تخم خرفه از هر یک دو درم و نیم صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته
سوی تره تیزک و بزر قطونا و تخم خرفه سفوف سازند سفوفی که
نافعست از جهت حرارت جگر و یرقان و نفث الدم و سده جگر
صفه بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیار از هر یک چهار درم ورق
گل سرخ گل ارمنی لک مغسول سنبل اصل السوس از هر یک یکدرم طباشیر
نیمدرم مصطکی دو دانگ شربت یکدرم بآب سرد سفوفی که نافعست
از جهت یرقان و درد جگر و قی صفراوی صفه لک مغسول یکمثقال
طباشیر دو درم زعفران یکدرم ریوند چینی دانگی شربت دو درم بشراب
تمر هندی یا شراب آلو سفوف مجرب جهت دفع اسهال مجرب آ
صفه هلیله سیاه ده عدد زنجبیل عدد و جوز عدد و همه را بآب لیمو بخیسانند
نباشتا بنوشند سفوف بلوط معده را قوت دهد و اسهال باز دارد
صفه بلوط شاه بلوط دانه مویز آرد کنار از هر یک دو درم خرنوب نبطی و

حب الآس از هر یک بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال سفوفی که
همین خاصیت دارد صفته دانه مورد تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هر یک
سه درم حب الآس و بلوط از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته
و بیخته شربتی سه مثقال سفوف از جهت اشتهای طعام صفته مصطکی [illegible]
از هر یک دو مثقال پوست ترنج عود خام قرنفل از هر کدام یک مثقال سفوف
سازد شربت نیم مثقال با گلاب سفوف جنین از جهت سرعت انزال
که سبب آن حرارت باشد نظیر ندارد صفته بزر قطونا دو درم تخم خرفه
سه درم شیر خشک یکدرم و نیم شربت یک مثقال ناشتا سفوف سازند
سفوفی که نافعست از جهت فواق مبتلایی صفته تخم کرفس سعد زیره کرمانی
مساوی کوفته و بیخته شربت یک مثقال سفوفی که نافعست از جهت ضعف معده
که سبب آن حرارت باشد صفته گل سرخ کهربا از هر یک پنجدرم عود دو درم
زرشک ده درم املج طباشیر از هر یک سه درم سنبل یکدرم زعفران کافور
از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته شربت یک مثقال شراب انار سفوفی
که رنگ را سرخ دارد صفته زوفا خشک ده درم زعفران سه درم قند

بگیرند

سفید سیر ده درم کوفته و بیخته هر روز دو درم سفوف سازند سفوفی که
سده و سپرز بگشاید و طحال را نافع باشد صفته تخم کاسنی کزمازج از هر یک پنجدرم
حب الغار یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین سفوفی
که نافعست از جهت وجع کلیه که سبب آن برودت باشد صفته قسط تلخ
فردمانا تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی که بدن را
لاغر گرداند صفته لک مغسول دو درم نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از
هر یک چهار درم مرزنجوش بوره ارمنی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی
هر روز یک مثقال با سکنجبین نوشند سفوفی که همین خاصیت دارد صفته
لک مغسول و سندروس از هر یک چهار دانگ مرزنجوش نیم درم زراج
زراوند مدحرج جنطیانا از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو درم
سفوفی که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع باشد صفته تخم
سداب سه درم فنجنکشت تخم سوسن از هر یک دو درم گلنار ورق
گل سرخ یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم از آن در دوغ یا آب غوره حل کرده
بنوشند سفوفی که نافعست از جهت قروح کلیه و مثانه صفته گل مختوم

دم الاخوین نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم
کدو رب السوس گل مغسول بود حسنی مغز حب الصنوبر خشخاش بزر البنج
مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم سکنجبین سفوفی که وجع کلیه و مثانه را
تسکین کند صفته بزر البنج دانگی افیون قراطی مغز تخم خیارین سه درم تخم
کاهو تخم خرفه از هریک درمی کوفته بشراب خشخاش بنوشند سفوفی که
از جهت استرخای زبان نافع است صفته دارچینی حماما سنبل از هریک سه
درم سادج نانخواه زراوند طویل کرفس شبت مصطکی سیسالیوس
دوقو انیسون از هریک یکدرم مروارید ناسفته کهربا از هریک دو درم کوفته
و بیخته شربتی یکدرم با آب گرم یا شراب کهنه سفوفی که در آبستنی معین
باشد صفته نشاره عاج و نبات از هریک یکمثقال زن سه شب سفوف سازد
و شب چهارم مرد با او مجامعت کند آبستن شود بشرط آنکه بعد از طهر
باشد و بعضی گفته اند نشاره عاج را زن هفت روز متوالی هر روز دو درم
بماء العسل بیاشامد و بعد از آن جماع دست دهد آبستن شود سفوفی
که بول براند و حرقة البول را نافع باشد صفته مغز تخم خیارین مغز تخم کدو

تخم خرفه خشخاش نشاسته کتیرا رب السوس از هریک سه درم بزر البنج
دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب خشخاش سفوفی
که قی الدم را نافع باشد صفته گل ارمنی صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر
از هریک یکدرم و نیم کوفته و بیخته با ده درم به بنوشند سفوفی که قی طعام
را دفع کند صفته کندر مصطکی از هریک پنجدرم عود خام هفت درم انار ترش
یازده درم قرنفل قاقله جوز بوا بسباسه سعد نعناع از هریک چهار درم پوست
ترنج و زرشک از هریک یکدرم گل سرخ شش درم سنبل الطیب از هریک پنجدرم
کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی سه درم سفوفی که شهوت طین و
شهوات ردیه را نافع باشد صفته انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از
هریک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل پنجدرم کوفته و بیخته شربتی هر
صبح و شام یکمثقال سفوفی که همین خاصیت دارد صفته مصطکی زیره
کرمانی نانخواه قاقله سادی نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند
سفوفی که صداع گرم و خشک را نافع باشد صفته آب کاهو و روغن نیلوفر
از هریک یک جزو شیر دختران دو جزو یکجا گرم ممزوج ساخته در بینی چکانند

سعوطی که فالج ولقوه را سود دارد صفت صبر شونیز بوره ارمنی مساوی در
آب چغندر حل کرده در بینی چکانند سعوطی که درد سر و درد چشم
اطفال را نافع است صفت کندش حضض کندر از هر یک یکدرم سعتر
زعفران مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته گلولها سازند و بوقت حاجت
بشیر دختران با روغن بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند سعوطی
که صداع بلغمی و ریحی و دوار را نافع باشد صفت صبر مر کندر حضض
جندبیدستر زعفران دار فلفل فلفل سفید از هر یک یکدرم کندش
دو درم مشک نیم درم کوفته بیخته با آب مرزنجوش بسایند و در بینی
چکانند سعوطی که سکته ولقوه را نافع باشد صفت زهره کلنگ یک سدس
بسایند با جندبیدستر و با ماء العسل در بینی چکانند سعوطی که صداع
حار را نافع باشد صفت روغن بنفشه بادام در روغن کدو آب کاهو
آب کاسنی شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی چکانند سعوطی
که شقیقه سرد را نافع باشد صفت روغن بادام آب مرزنجوش در بینی
چکانند سعوطی که سرسام و صداع حار را نافع بود صفت آب مورد

عرق

عرق بیدمشک صندل کافور بیکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطی
که صداع بارد و نسیان را سود دارد صفت جوزبوا درمنه ترکی قرنفل
مرزنجوش از هر یک یک مثقال بسباسه چهار مثقال کوفته و بیخته با آب
مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی که خنازیر را نافع بود صفت بسباسه
گاوزبان از هر یک یکدرم زهره خارپشت کافور از هر یک یکدانگ نیم
زعفران نیم درم کندش دو درم با سرکه در روغن گل در بینی چکانند
سعوطی که همین خاصیت دارد صفت دارفلفل مامیران شطرج هندی
از هر یک یکدرم مشک طرامشیع تخم فلنجمشک از هر یک سه درم با سرکه
روغن گل در بینی چکانند سعوطی که فالج ولقوه و شقیقه و جمیع امراض
بارده رطبه که در سر و چشم باشد سود دارد صفت حضض مر از هر یک
ده درم عدس و صعتر از هر یک پنج درم صمغ سداب زهره کلنگ با شیر
جندبیدستر شونیز از هر یک سه درم نبات زعفران از هر یک دو درم
صبر فرفیون از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب خالص قرصها سازند
هر یک مقدار عدسی در وقت حاجت یکی از آن با آب مرزنجوش

درد غن بنفشه بادام ساییده و در بینی چکانند سعوطی که رعاف را نافع
باشد صفه کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو در سرکه
انداخته و سوخته پوست انار ترش کندر مر صاف سوخته شادنج
مغسول کافور از هر یک قدری با آب بادروج در بینی چکانند سنونی
که ضعف اسنان را نافع باشد صفه سورنجان قرنفل سعد کزمازج
پوست هلیله زرد صندل سفید گل سرخ مساوی کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که همین خاصیت دارد صفه پوست هلیله زرد نمک هندی
از هر یک پنج درم قرفه پانزده درم دارچینی سعد از هر یک سه درم شب
یمانی سماق از هر یک دو درم عاقرقرحا هفت درم توتیا و دار فلفل
انزروت زعفران از هر یک یک درم گل کرسنه مثقال قاقله کلنار از هر یک چهار
درم زرنباد شاذنه ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که
حافظ صحت اسنان است صفه شاخ گوزن محرق کزمازج سعد
سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یک درم کوفته و بیخته سنون
سازند سنونی که دندان را از چرک پاک کند صفه نمک اندرانی

جو سوخته

جو سوخته زبد البحر سماق مسحوق بیا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که دندان متحرک را محکم سازد صفه کلنار شب یمانی
اقاقیا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که همین خاصیت دارد
صفه شب یمانی کلنار کزمازج مساوی کوفته و بیخته بسرکه سرشته کنند
و در سایه خشک کنند دیگر باره بکوبند و سنون سازند سنونی که
نافعست از جهت درد دندان که بسبب آن ورم لثه باشد صفه تخم خرفه کشنیز
خشک سماق عدس مقشر صندل سفید عاقرقرحا کافور مساوی کوفته و بیخته
بر لثه دندان بپاشند بعد از آن که گلاب و سرکه در دهن یک ساعت
نگاه داشته باشند سنونی که بیخ دندان را سخت کند و خون باز دارد
صفه شاخ گوزن محرق نمک اندرانی پوست هلیله زرد گل سرخ
از هر یک ده درم کلنار یک درم کوفته و بیخته بر لثه دندان بپاشند
سنونی که دندان را محکم کند و خون رفتن باز دارد و بوی دهن
خوش کند صفه بلیله بلیله آمله مقشر گل سرخ کلنار اقاقیا شب
یمانی فوفل طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته سنون سازند سنونی

که رفتن از بیخ دندان باز دارد صفة شب یمانی محرق یکدرم نمک بریان
کرده دو درم سماق سه درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که
درد دندان را نافع باشد و بوی دهن را خوش کند صفة مرا اهل جوز السرو عاقر
قرحا مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که ناسور بن دندان را
باصلاح آورد صفة بیخ سوسن عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی گلنار
مازو سماق از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که زردی و
سیاهی از دندان ببرد و بوی دهن خوش کند صفة کزمازج زنجبیل زبد
البحر دار فلفل قاقله از هر یک دو درم نمک بریان کرده درمی جو سوخته هشت
درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون یمانی خون رفتن از لثه
باز دارد و بوی دهن خوش کند صفة شب یمانی چند درم بودنه کوهی
ده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که نافع است از جهة درد دندان
که سبب آن رطوبت باشد صفة فلفل دو درم و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم
عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند
سنونی که لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفة سعد گل سرخ از هر

یک

هر یک چند درم گلنار کزمازج فوفل از هر یک سه درم دم الاخوین کندر قرنفل
نمک اندرانی مصطکی بودنه محرق از هر یک دو درم عود خام یکدرم کوفته
و بیخته استعمال نمایند سنونی که بیخ دندان را محکم کند و خون رفتن باز
دارد صفة پوست انار ترش ده درم شب یمانی هشت درم عاقرقرحا
گل سرخ کزمازج سماق از هر یک چهار درم نمک هندی پوست هلیله زرد
از هر یک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از بیخ
دندان باز دارد صفة کات هندی فوفل گلنار گل سرخ سماق دم
الاخوین مساوی کوفته و بیخته شب بپاشند و صباح بگلاب و آب
سماق مضمضه کنند سنونی که دندان سیاه شده را سفید کند
صفة پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماما سه درم ساذج هندی
دو درم مازوی سوخته هشت درم کوفته و بیخته بر دندان مالند
سنونی که لثه را محکم کند و نشف رطوبات کند صفة گلنار دو درم
نوشادر ده درم مویزج سه درم مازو یکدرم بودنه سوخته ده درم نمک
بصل برشته و سوخته ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی

که دندانرا جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفه کلنار ده درم
نوشادر ده درم میویزج سه درم مازو یکدرم بودنه سوخته ده درم نمک
بعسل سرشته و سوخته ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که دندانرا جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهن را خوش کند صفه شب یمانی
سوخته ده درم شیح سوخته ده درم نمک اندرانی زبد البحر چوب سوخته چوب
تاک سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا چهار درم کوفته و بیخته سنون سازند
سنونی که خون باز دارد و لثه را محکم کند صفه گل کرنا از هر یک سه درم
عصاره لحیة التیس گل مختوم اهل از هر یک یکدرم دارچینی نیمدرم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی که دندانرا سفید کند و بوی دهن را
خوش کند صفه زبد البحر ده درم نمک بریان کرده ده درم عود سوخته
ده جو سوخته سفال حسینی گزمازج کلنار عاقرقرحا قرنفل سادج هندی
گل سرخ سعد سماق از هر یک سه درم کوفته و بیخته در دندان کشند
سنونی که چون در محل داروی اشنک الیدان برد دهن و بیخ دندان
افشانند منع دهن بوش کند و اگر بر دهن جوشیده استعمال

نماید

نمایند بصلاح آورد صفه زراوند مدحرج دم الاخوین کندر برگ مورد سعد
کلنار بیخ سوسن مازو مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنونی
که قلاع را نافع بود و دهن خوش و بیخ دندان محکم سازد صفه
نسیان تباشیر طباشیر تخم گل سرخ لسان الحمل پوست هلیله زرد
کلنار برگ زیتون گزمازج شب یمانی مساوی کوفته و بیخته استعمال
نمایند سنونی که آکله و ناسور بیخ دندانرا نافع باشد و خون رفتن باز دارد
صفه مرتشا و بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته
استعمال نمایند سنونی که همین خاصیت دارد صفه بیخ سوسن
عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی کلنار مازو و سماق از هر یک
دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک را محکم
سازد صفه مرتوتیا شب یمانی نشاسته گل سرخ سماق پوست
انار ترش و شیرین از هر یک سی درم مازو کلنار شب یمانی کاغذ سوخته
عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق مازو ده درم نمک هندی نشادر از
هر یک پنج درم کوفته و بیخته بسرکه سرشته و گلوله‌ها سازند و در

[illegible]

سایه خشک کرده و در وقت احتیاج دیگرباره بکوبند و استعمال نمایند.
سنون دیگر که استرخاء درم لثه را نافع باشد و دندان را از چرک پاک کند
صفت پوست انار دو درم گلنار زرد و چوب سماق شب یمانی مازو از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند باب الثلثین شراب افسنتین
معده را قوت دهد و از اخلاط فاسده پاک گرداند صفت افسنتین
رومی پنجدرم ورق گل سرخ بیست درم تربد سفید ده درم در ده من
آب بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند.
شراب افسنتین نوع دیگر معده ضعیف و جگر و سپرز را سود دارد و طبع
را نرم کند و بادهای رد و دفع کند صفت افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست
درم تخم کرفس سی درم در ده من آب بپزند تا به نیمه آید و با یکمن قند
شربت بپزند شراب افسنتین نوعی دیگر افسنتین پنجاه درم اصل السوس
گل سرخ سلیخه اسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل از هر یک
هفت درم در ده من آب بجوشانند بغیر از مصطکی صاف کنند
و با یکمن نیم قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی را صلایه کرده با آن

ممزوج

ممزوج سازند شراب افسنتین دیگر معده ضعیف از صفرا پاک کند و سوء
المزاج گرم را زایل گرداند صفت ورق گل سرخ هفت درم شاه ترهٔ افسنتین
از هر یک پنجدرم آلوی سیاه بیست عدد تمر هندی بیست درم مویز
منقی سی دانه در ده من آب بپزند تا بنصفی آید صاف سازند و نیم من
شکر سفید دران حل کرده بقوام آورند شربتی دو درم با یکدرم سفوف طری
شراب سعال سرفهٔ کهنه را بغایت نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند
و ربو و ضیق النفس را مفید بود صفت انجیر سفید شش وقیه پیاز عنصل یک وقیه
مویز منقی دو وقیه افسیون نیم وقیه در قدری خل الخمر و آب خیسانند روز
دیگر بجوشانند و صاف کنند و دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند
شراب فواکه معده را قوت دهد و قی باز دارد و دل را قوی گرداند
صفت آب سیب آب به آب انار ترش و شیرین آب امرود از هر یک
یک جزو آب زرشک آب سماق آب غوره آب غوره از هر یک نیم
جزو بجوشانند تا به ثلثی آید و هفت دار قند که کفاف باشد اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید شراب انار ترش قی باز دارد و صفرا دفع

کند و معده قوت دهد **صفت** آب انار ترش دو من نعناع تازه دو شاخه
عود خام آمله مصطکی از هر یک ده درم پوست بیرون پسته پنج درم
کوفته در آب بجوشانند سوی مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با
یکمن قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی اضافه نمایند **شراب انار** منع
فواق بنشاند و قی باز دارد و معده را قوت دهد **صفت** انار ترش و شیرین
با شحم بکوبند و آب آن بگیرند دو من و یکمن قند و یک وقیه آب نعناع اضافه
کنند و بقوام آورند **شراب آلو** صفرا و بلغم دفع کند **صفت** آلوی سیاه
صد عدد و تمر هندی یک چهار یک ترید سفید بنفشه از هر یک بیست درم
در کیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند تا یکمن آید و نیک بمالند و
بپالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده اضافه نمایند و شربت بپزند و
فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا در آن حل کنند **شراب خشخاش** منع نزلات
کند و درشتی سینه و سرفه را نافع باشد و بیخوابی را زایل گرداند **صفت**
خشخاش بزرگ با پوست صد عدد و نیم کوفته با دو من و نیم آب باران
بپزند و بپالایند و یکمن و نیم قند شربت بپزند و اگر از خشخاش تخم بود

بپزند بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند و با یکمن قند بقوام آورند
لیکن آن اولی بود که با پوست بپزند **شراب سیب صفهانی** معده را
قوت دهد و دل را قوت بخشد مفرح بود و قی را ساکن گرداند و اسهال
صفراوی باز دارد **صفت** سیب صفهانی اندرون بیرون پاک کرده
بکوبند و آب آن بگیرند و بجوشانند تا به نیمه آید و یکمن قند اضافه کنند و
بجوشانند تا بقوام آید **شراب سفرجلی** دل را قوت دهد و معده را قوی
گرداند و شهوت طعام آورد و طبیعت ببندد و قی و غثیان باز دارد
صفت به ترش و شیرین اندرون آن پاک کنند و آب بگیرند و هر
پنج من آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند **شراب ریباس**
اسهال صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی بنشاند و معده را
قوت دهد **صفت** ریباس را سرو دنبال بگیرد و چوبین بیندازند و در هاون
سنگین یا چوبین بکوبند و آب آن بگیرند و صاف کرده بجوشانند
تا به ثلثی آید و زمانی بگذارد و دیگر بارش بپالایند و هر یکمن آب یکمن قند
اضافه کنند و بقوام آورند **شراب حماض** صفرا بشکند و قی باز

دارد و معده و دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد صفة آب حماض
پنجاه مثقال قند سفید یکمن شربت بپزند چنانکه رسم است شراب
لیمو معده را قوت دهد و اشتها آورد و صفرا بشکند و قی باز دارد
و هاضمه را اقوی گرداند و دفع خمار کند صفة مانند حماض است شراب نارنج
تشنگی بنشاند دماغ را قوت دهد و درد سر که از گرمی باشد ساکن گرداند
صفة آب نارنج یکمن بجوشانند تا بنصفی آید و کف آن بگیرند و با دو من قند
شربت بپزند شراب غوره تشنگی بنشاند و تب گرم را سود دارد و خمار
را دفع کند صفة آب غوره بگیرند و بجوشانند تا بنصفی آید کف آن بگیرند
و زمانی بگذارند و کرباس نو بپالایند و بر یکمن آب یکمن قند سفید اضافه
نمایند و شربت بپزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهن را
خوش کند و هاضمه را اقوی گرداند صفة عود هندی امله مقشر از هر یک
ده درم سنبل قرنفل مصطکی جوزبوا از هر یک دو درم مجموع نیم کوفته
در کیسه کتان ریزند و در سه چهار یک گلاب بجوشانند و کیسه را نیک
بمالند تا قوت آن بگلاب دهد و یکمن قند بقوام آورند و در آن گلاب

بر سر آن ریزند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید فرو گیرند و نیم درم مشک
خالص سوده در آن حل کنند شراب حب الآس معده را قوت دهد
و اسهال باز دارد صفة حب الآس و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرظ
و طراثیث از هر یک ده درم آب به آب سیب آب انار از هر یک یکمن
داروها کوفته در آن آبها بجوشانند تا بثلثی آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند
تا بقوام آید شراب حب الآس نسخهٔ دیگر اسهال و سرفه را نافع باشد صفة
حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک مهرا شود و بپالایند و بهر جزو آن
دو جزو قند سفید اضافه کنند بهتر باشد شراب دینار طبع را نرم
کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بگشاید و سوء القنیه را و استسقاء
ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفة تخم کاسنی نیم کوفته
ورق گل سرخ از هر یک بیست درم تخم کشوث چهل درم نیلوفر گاوزبان
از هر یک دو درم افتیمون در کتان بسته سه درم بجوشانند تا مهرا
شود و صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند و فرو گیرند و ده مثقال
ریوند چینی در آن حل کنند شراب زوفا سرفهٔ بلغمی را نافع باشد

وسینه و شش را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق النفس را سود دارد
صفته عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه انجیر سفید سی دانه بنفشه
چهار درم پرسیاوشان هفت درم تخم خطمی تخم خباری از هر
یک پنج درم اصل السوس وفا از هر یک هفت درم بجوشانند و بپالایند
و یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنج درم فراسیون داخل میکنند شراب
تمرهندی طبع را نرم کند و صفرا بشکند و معده را قوت دهد
دقی باز دارد صفته تمرهندی نیم من بجوشانند و شیره اش بگیرند
و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب صندل
دل را قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد و تشنگی نشاند صفته
صندل سفید سائیده بیست مثقال در گلاب خیسانند یک شبانه
روز و روز دیگر اندک جوشی بدهند و شیره آن بگیرند با یکمن قند شربت
بزنند شراب انجیر گرده و مثانه را نافع باشد و منی بیفزاید و باه را قوت
دهد و درد پشت را زایل کند صفته انجیر خوب ده من در پنج من آب بجوشانند
تا یکمن و نیم بماند باز یکمن نخود سفید در نیم من آب بزنند تا یکمن و

نیم آید و هر دو را بدست بمالند و صاف کنند و یکمن و نیم عسل صاف
بر سر آن ریزند و دارچینی و خولنجان قرنفل و سنبل الطیب از هر یک درمی
زعفران نیم درم در کیسه بسته در آن اندازند و بجوشانند تا بقوام آید
شربتی پنج مثقال شراب بنفشه نسخه دیگر ذات الجنب ذات الریه
و تب و سرفه و صداع و درد چشم درد گرده را نافع باشد و بول
براند و سینه را نرم کند صفته بنفشه تازه یک چهار یک بجوشانند
و بپالایند و با یکمن قند بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد یک وقیه بنفشه
خشک را بسیار بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار و تبهای صفرا
و سرفه و ذات الریه را نافع باشد صفته گل نیلوفر یک وقیه و اگر تازه بود
یک چهار یک بجوشانند و با یکمن قند شربت بپزند شراب عناب ماشرا
و آبله و حصبه و درد سر و سینه و سرفه و غلبه خون را نافع بود صفته
عناب جرجانی یک چهار یک در ده من آب بپزند و بدست بمالند
و بپالایند بی مبالغه و با یکمن قند شربت بپزند شراب گاوزبان
دل را قوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت نافع بود و خفقان را

زایل کند صفت آب گاوزبان تازه یکمن با یکمن قند سفید بجوشانند و کف
بردارند و بقوام آورند و بیست مثقال گلاب دران ریزند و فرو
گیرند و اگر گاوزبان تازه نباشد یک چهاریک خشک بکنند شراب
بادرنجبویه دل را قوت دهد و خفقان سرد را نافع بود و توحش سوداوی
را زایل کند صفت بادرنجبویه تازه بستانند و آب بگیرند نیم من
و با یکمن قند شربت بپزند و اگر تازه نباشد پنجاه مثقال خشک کنند
شراب هلیله اوجاع مفاصل و تبهای گرم را نافع بود و طبع را نرم
کند صفت هلیله زرد صد عدد و نیمکوفته کند و در ظرفی کنند و آب
بر سر آن ریزند و نگاه دارند و سه روز رها کنند بعد از آن آب
از و جدا کرده نگاه دارند و دیگر آب بر سر آن هلیله ریزند و سه روز
دیگر در آفتاب نهند و آب اول و دویم با هم بیامیزند و صد و پنجاه
مثقال ترنجبین دران حل کنند و صاف سازند و بر سر آتش نهند
و بقوام آورند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا سوده دران حل کنند
شرابی که فواق را بنشاند خاصه آنچه از پس طعام آید صفت

زیره

زیره کرمانی افسنتین نوده کند را از هر یک ده درم در دو من آب بجوشانند
تا بنصف آید بپالایند و جرعه جرعه بنوشند شرابی که ریگ از گرده و
مثانه پاک کند صفت بلیون سی مثقال در دو من آب بجوشانند
و بپالایند و با یکمن قند شربت بپزند شراب بزوری معده و جگر را
نافع بود و بادها دفع کند و مفاصل را سود دارد صفت پوست بیخ کاسنی
سی درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم از تخم
تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته
پنج درم بجوشانند و بپالایند و با یکمن نیم قند شربت بپزند شراب
ورد مکرر مسهل صفرا بود و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت ورق گل سرخ
تازه نیم من در نه من آب بجوشانند تا بهفت من آید بپالایند و نیم
من دیگر برگ گل دران بجوشانند و دیگر بپالایند چند نوبت همچنین کنند
تا یکمن آید صاف کنند و با یکمن قند شربت بپزند شربتی
سی درم با ده درم سکنجبین و آب یخ یا برف شراب توت
درد گلو و خناق را نافع باشد صفت آب توت سیاه بگیرند و صاف

کنند و بجوشانند تا به نیمه آید و بهر پنج رطل از آن سه رطل قند صاف
اضافه کنند و بقوام آورند **شراب انار عذب** جگر را قوت دهد و تشنگی
بنشاند آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند تا به نیمه آید و بهر یکمن از آن یکمن
قند اضافه کرده بقوام آورند **شراب عنبر** درد معده و اعصاب را
سود دارد و خفقان بارد را زایل کند **صفة** عسل ده من در ده من آب
بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و عنبر و زعفران از هر یک مثقالی
اضافه کنند شربتی پنج درم **شراب مشک** معده را قوت دهد و امراض
بلغمی را نافع بود و پیران را موافق باشد **صفة** عسل یکمن قند سفید یکمن
در ده من آب بجوشانند و بقوام آورند و یکمثقال مشک و یکدرم زعفران
سوده اضافه کنند شربتی سه درم **شراب** که نافعست از جهة اسهال
دموی و ضعف معده **صفة** رب به شیرین سی مثقال گلنار عذبه
آمله صندل سفید حب الآس از هر یک یکمثقال گلاب و قند سفید از
هر یک بیست مثقال بطریق معهود شربت سازند **شراب [illegible]**
جگر و دل را و احشا را قوت دهد و سده بگشاید و استسقا و جمیع امراض

بارده را

بارده را نافع باشد و باه را زیاده کند و نشاط آورد **صفة** ابریشم خام
ده درم در آب چندان خیسانند سه شبانه روز و در دو من سکنجبین
بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و خولنجان درونج و مصطکی از
هر یک سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده اضافه نمایند و با یکمن قند
شربت پزند شربتی چهار درم **شراب اسطوخودوس** صرع و مالیخولیا
و صداع بارد و جمیع امراض دماغی را که سبب آن برودت باشد
سود دارد **صفة** اسطوخودوس پرسیاوشان عود صلیب از
هر یک پنج درم اصل السوس گاوزبان رازیانه پوست بیخ کرفس
خطمی گل سرخ از هر یک سه درم مویز منقی سپستان از هر یک یازده دانه
جوشانیده و صاف کرده با یکمن قند شربت پزند **شراب [illegible]**
پوست بیخ رازیانه بیست مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون نانخواه
ماهی زهره سورنجان از هر یک ده درم بیخ کرفس بیست درم قند
سفید یکمن بطریق معهود شربت سازند **شراب اصول** مواد غلیظ
را نضج دهد و سده بگشاید و باد را بشکند و سوء القنیه و استسقا

و جمیع امراض بارده جگر و معده را نافع بود صفت پوست بیخ کبر پوست
بیخ رازیانه پوست بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی از هر یک سی
درم رازیانه پانزده درم تخم کرفس تخم کاسنی از هر یک بیست درم
انجیر زرد بیست دانه مویز منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل اسارون
سلیخه از هر یک ده درم قند سفید یکمن شربت پزند چنانکه رسم است
شراب گزر درد پشت را نافع بود و باه را قوت دهد صفت گزر
شسته پاکیزه سر و بن چیده ده من در دیگ کنند و در دیگ سنگین
اندازند و آب بر بالای آن ریزند و سر دیگ بگل یا خمیر محکم کنند چنانکه
بخار از وی بیرون نیاید و بآتش آهسته بپزند و بگذارند تا سرد شود
پس سر دیگ بگشایند و نیک بمالند و آب آن بستانند و صاف کنند
و با همان آب عسل در دیگ ریزند و سنبل و خولنجان و قرنفل و
دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند
و در آن دیگ اندازند و هر لحظه بدست بمالند و بجوشانند تا بقوام آید
شراب انجبار اسهال دموی و نفث الدم را و سیلان طمث را

نافع باشد و معده و جگر را قوت دهد صفت صندل سرخ و سفید ساییده از هر یک
پنج مثقال انجبار هفت مثقال اقاقیا دو مثقال قند سفید نیم من بطریق معهود
شربت سازند شراب الاس به نسخه دیگر صفت آمله مقشر یک مثقال حب الاس
دو مثقال پوست بیخ انجبار گلنار گل سرخ تخم حماض ربی از هر یک دو درم
رب به شیرین و گلاب از هر یک بیست مثقال شراب صندل سی مثقال
بدستور معهود شربت پزند [illegible] که از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی
را نافع باشد صفت تخم کاسنی فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هر یک دو درم گاو
زبان سه درم بادرنجبویه هفت درم نیم ابریشم دو درم و نیم اصل السوس
پنج درم رازیانه بسفایج فستقی از هر یک سه درم و نیم در شش رطل
ادویه گلاب و دو مقابل ادویه آب سیب شیرین بجوشانند تا ثلثی
باقی ماند و یکمن قند شربت پزند شراب [illegible] بلغم دفع کند و بلغمی مزاج را
نافع باشد صفت زنجبیل دارچینی از هر یک پنج درم هیل کبار و قاقله از هر
یک دو درم قرنفل یک درم مجموع نیم کوفته در هفت رطل آب بجوشانند
تا به پنج رطل آید و بمالایند و با یکمن قند سفید بقوام آورند نیم درم

زعفران سابیده اضافه نمایند **شراب عسل** معده و جگر را گرم کند
صفه مصطکی سنبل دارچینی قاقله عود هندی جل جوزبوا از هر یک
یکدرم قرنفل نیم درم مجموع نیم کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بدو
رطل آید بپالایند و با پنج رطل عسل بجوشانند تا بقوام آید **شراب خمار**
در دفع خماری نظیر است **صفه** آلوی سیاه تمر هندی از هر یک یک رطل
عناب پنجاه دانه در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید و بپالایند
و آب انار ترش و شیرین و آب سیب و آب لیمو از هر یک نیم رطل
اضافه نمایند و با یک رطل قند بقوام آورند **شراب قنجبوس** سرعت انزال را
نافع باشد **صفه** آب انگور شش رطل سماق تازه گلنار گل سرخ
کشنیز خشک کندر صعتر سعد از هر یک ده درم زعفران مرشب یمانی
از هر یک یکدرم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تا ثلثی باقی ماند صاف
کنند و استعمال نمایند **شراب داربخت** مقوی اعضای رئیسه است
دشتبان و امراض بلغمی و سودایی را سود دارد و باه را قوت دهد
و پیرانرا موافق باشد **صفه** آب انگور صد من به شیرین سه من

اصفهانی

اصفهانی ده من گلاب نیم من آب خالص ده من دارچینی قرنفل مصطکی
سنبل الطیب کبابه چینی خیربوا خولنجان از هر یک پنجدرم عود خام
بسباسه دواله از هر یک سه درم زعفران دو مثقال مشک نیم مثقال
عنبر یکمثقال سیب به را در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن
برکشند و صاف کنند و مشک و زعفران را در گلاب حل کنند و اضافه
نمایند و ادویه نیم کوفته در کیسه کنند و در محل جوشانیدن کیسه را در
دیگ اندازند و زمان زمان کیسه را در دیگ بمالند تا شیره باز دهد و چون
شیره انگور را در خم ریزند کیسه را در خم اندازند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند **شراب خبث الحدید** معده را قوت دهد و ضعف اقوی گرداند
و لون را سرخ گون کند و باد بواسیر را نافع بود **صفه** تخم کرفس انیسون زیره
کرمانی انیسون نانخواه صعتر انجدان کاشم کرویا کشنیز خشک
فلفل دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرفه جوزبوا تخم جرجیر تخم سپاه
سفید زنجبیل از هر یک مثقال خبث الحدید ده مثقال در شش مثقال
ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند شربتی هر روز

سی درم کافیست **شراب ریحانی** نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد
و معده را قوت دهد و پیر را موافق باشد **صفت** شیره انگور صاف من
در خم ریزند و شش من عسل مصفی اضافه کنند و دارچینی و قرنفل
و بسباسه و جوزبوا از هر یک ده درم و نیم کوفته در کیسه کنند و در خم
اندازند و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند باید که خم را
از اول پاک بشویند و اندرون آن موم گداخته کرده باشند و مشک
و عنبر بو باکرده باشند **شرابی** که معده را قوت دهد و امراض بلغمی
و سوداوی را سود دارد **صفت** آب سیب سه رطل آب به شیرین
دو رطل در دیگ سنگین کنند و قرنفل یک درم و نیم عود هندی دو
درم گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هر یک سه درم کوفته و بیخته بسته
در دیگ اندازند و با آب سیب با آب به بجوشانند تا به نیمه آید و در خم ریزند
و شراب ریحانی دو من بر بالای آن ریزند و قند سفید یک من و طرح
نیم اضافه نمایند و سر خم را بگیرند و بیست روز در آفتاب بگذارند بعد
از آن صاف نموده استعمال کنند **شیاف احمر لین** سلاق و غلظ

اجفان و آخر رمد را نافع باشد **صفت** شادنج مغسول ده درم مس سوخته
هشت درم صمغ عربی کتیرا مر صاف از هر یک دو درم سنبل مردار سنگ
ناسفته ساذج هندی از هر یک چهار درم دم الاخوین یک درم صلایه کرده
شیاف سازند **شیاف حار** سبل و ظفره و سلاق و ساق را نافع باشد
صفت شادنج مغسول و رمی صمغ عربی پنج درم مس محرق زاج سوخته
از هر یک دو درم افیون صبر سقوطری از هر یک یک درم زنگار دو درم و نیم
زعفران و مر از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته بحجر رسته شیاف سازند **شیاف**
اخضر جرب و سبل و بیاض را نافع باشد **صفت** زنگار سه درم قلیمیا النقره
اشق صمغ عربی اسفیداب از هر یک دو درم صمغ و اشق را در آب سداب
حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بحجر بیدان بسرشند و
شیاف سازند **شیاف دینارج** کمنه و جرب و سبل و سلاق و شعیره را
را نافع است **صفت** زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هر یک چهار
درم قلیمیا طلا و افیون از هر یک دو درم ارزیز یک درم کوفته و بیخته
به آب سداب بسرشند و شیاف سازند **شیاف قلیمیا بلیون** کمنه

وجرب وسلاق و بستر خای ضیق جفن و ریح سبل را نافع بود صفه شادنج
مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار و قلقطار سوخته از هر یک پنج درم
مس سوخته چهار درم افیون زعفران از هر یک یکدرم بآب رازیانه بسرشند
و شیاف سازند شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع بود و درد و ضربان را
بنشاند و تخدیر کند صفه سفیداب ارزیز هشت درم انزروت مربی
بشیر خر کثیرا از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند
شیاف ابیض انزروتی به نسخه محمد زکریا رمد را نافعست وحدة آن کمتر از حدة
ابیض است و بهترین و سبکترین شیاف درد است صفه گل سرخ
چهار مثقال افیون و صمغ عربی از هر یک مثقال بدستور شیاف سازند
شیاف ربوبا مجربست رمد را و در روز بصلاح آورد صفه شادنج
ماميثا انزروت مربی از هر یک هشت درم زعفران دو درم افیون
نیم درم کثیرا یکدرم کوفته و بیخته بآب باران بسرشند و شیاف سازند
و بسفیده تخم مرغ در چشم کشند شیاف ربوبا هم نسخه دیگر رمد را
نافع بود و سرخی ببرد و اماس بنشاند و درد را تسکین کند صفه

اقلیما

اقلیمیا النقره و روی سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا اقاقیا صمغ عربی از هر
یک دو مثقال افیون زعفران از هر یک مثقال کوفته و بیخته بسفیده
تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر ظفره و ناخنه زاید را
نافع بود صفه شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی و مس سوخته از
هر یک شش درم قلقطار سوخته زنگار از هر یک دو درم بآب رازیانه بسرشند
و شیاف سازند شیاف خلوقی باد را پراکنده کند و اماس ملتحمه بنشاند
صفه مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا و صمغ عربی و سنبل زعفران
از هر یک یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف اسود نافعست بادها
را که در چشم و جفن باشد گشادن و طلا کردن مس سوخته
افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران شیاف ماميثا از هر یک نیم درم مروارید
ناسفته و بسد از هر یک یکدرم اقاقیا نیم درم کوفته و بیخته بآب باران
شیاف سازند شیاف کندر قرحه و مده غلیظ را نافع باشد صفه سفیداب
ارزیز هشت درم افیون انزروت مربی و کثیرا از هر یک یکدرم صمغ
عربی چهار درم کندر نیم درم بآب باران شیاف سازند شیاف ابار

قرحه موسرج را نافع باشد و حرارت بنشاند و جفن را بر سازد صفت قلیمیا
طلا اسفیداب ارزیز مس سوخته سرمه صفاهانی صمغ عربی کثیرا سرب
سوخته از هر یک هشت درم افیون یکدرم باب باران شیاف سازند
شیاف باری بنحوی دیگر منفعت آن قریب بمنفعت اول است
صفت آبار سوخته سرمه اصفهانی توتیا مس سوخته کثیرا صمغ عربی از هر یک
شش درم افیون نیم درم کوفته و بیخته شیاف سازند و بعضی اقلیمیا طلا و
سفیداب ارزیز از هر یک شش درم کندر چهار درم اضافه کرده اند
شیاف کندر سرحه و قرحه را نافع باشد و گوشت برویاند صفت اشق
انزروت از هر یک پنجدرم کندر ده درم زعفران ده درم اشق را در لعاب
حلبه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان سرشته کنند و شیاف سازند
شیاف کحل که ابتدا را نافع باشد صفت خرق سفید یک اوقیه طلقل نیم
وقیه اشق یکدرم باب ترب شیاف سازند شیاف روشنائی جرب
و ظفره و انتشار ابتدای نزله را نافع باشد صفت اقلیمیا نقره اقلیمیا
طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم کافور و مشک از هر یک دانگی حلال

کرده

کرده باب باران شیاف سازند شیاف اصغر از جهت ابتدای نزول و
تاریکی چشم را نافع است صفت انزروت عربی شیاف مامیثا از
هر یک هشت درم بوره ارمنی فلفل ابیض از هر یک چهار درم زرنیخ
زرد دو درم زعفران یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف
اصغر بنوعی دیگر صفت هلیله زرد و توتیای هندی از هر یک پنجدرم فلفل
سفید صمغ عربی از هر یک درمی زعفران یکدرم باب رازیانه شیاف
سازند شیاف سماق جرب و خارشی و سوزشی و حکوط را نافع باشد
صفت سماق سی مثقال با آب باران بپزند و بپالایند و باز بجوشانند
تا غلیظ شود و یکبار دیگر تا سرد شود و ده درم اسفیداب ارزیز با آن
سرشته کنند و شیاف سازند و بعضی آب سماق را بجوشانند تا غلیظ
باشود و دیگر و سماق با آن سرشته شیاف میسازند شیاف [illegible]
سبل و قیق برو ارد صفت زرد چوبه شادنج مغسول صبر سقوطری شیاف
مامیثا مساوی کوفته و بیخته باب باران شیاف سازند شیاف [illegible]
که صعوبت درد چشم را در حال بنشاند صفت ورق گل سرخ

پانزده درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل الطیب
دو درم صمغ عربی یکدرم بآب باران شیاف سازند شیاف ابیض
بنسخهٔ دیگر رمد و حرقت عین و دمعه و سبل را که با حرارت
باشد نافع بود صفته اقلیمیا سفیداب ارزیز صمغ عربی افیون از
هر یک چهار درم مس سوخته سنبل الطیب نشاسته از هر یک
یکدرم و نیم اقاقیا زعفران مغسول بیست و چهار درم کوفته و بیخته و بعضی را
آب سود کرده بآب عنب الثعلب شیاف سازند شیاف بطلیقا
استرخاء جفن و تاریکی و ابتدای آب را نافع باشد صفته اقلیمیا
طلا فلفل سیاه افیون از هر یک چهار درم صمغ عربی شیاف
مامیثا از هر یک هشت درم انزروت نمک هندی زرنیخ زرد
از هر یک یکدرم بوره ارمنی دوازده درم بآب ارسانه شیاف
سازند چنانکه رسم است شیافی که نافعست جرب و غلظ جفن
و سبل کهنه را که با آن حرارت و حمره نباشد و بیاض و تاریکی چشم
زایل کند صفته انیسون اقلیمیا نشره از هر یک یکدرم ارزیز صمغ

عربی زنگار اشق از هر یک دو درم بآبی که اشق دران حل کرده باشند
شیاف سازند شیافی که نافعست ابتدای رمد را و درد ساکن کند
و خواب آورد صفته شیاف مامیثا هفت درم زعفران افیون
حضض صمغ عربی از هر یک دو درم کتیرا انزروت از هر یک چهار
درم جندبیدستر یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند شیافی که نافع
بود قرحه تازه جدید را چشم را خشک کند و گوشت برویاند صفته
سفیداب ارزیز ده درم کندر انزروت از هر یک یکدرم افیون
نیم درم کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف زنگاری
جرب و باد و سبل را نافع بود صفته صمغ عربی سفیداب ارزیز
زنگار مساوی بآب سداب شیاف سازند شیاف خضره
جرب و حکه و کهنه را نافع باشد صفته زنجبیل پنج درم هلیله زرد و توتیای
مغسول از هر یک ده درم حضض مکی چهار درم زردچوبه زعفران از
هر یک دو درم بآب غوره شیاف سازند شیاف غرب صبر کندر
کلنار انزروت دم الاخوین سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار

وانکی و نیم بگلاب شیاف سازند و سوراخ را از چرک پاک کنند و در انجا چکانند
شیاف ورد قرحه و سنجه و بثره و موسرج و نتو قرنیه و غبیه و مکنه و
رمد کهنه را نافع باشد صفته برگ گل تازه عنا دو دو مثقال اقلیمیا
نقره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست درم و چهار مثقال
زعفران شش مثقال انیسون و سرمه از هر یک سه مثقال نگار
زنجار نحاس و سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرصاف چهار
مثقال کوفته و بیخته باب باران شیاف سازند شیاف [illegible]
چون نسخه دیگر رامد سوداوی را نافع باشد صفته سفیداب ارزیز
اقلیمیا از هر یک دو درم انیسون نشاسته از هر یک یکدرم کتیرا
یکدرم و نیم بطریق معهود شیاف سازند شیاف ابار به نسخه
دیگر صفته اقلیمیا طلا و توتیا و سرمه سفیداب ارزیز زردی سوخته
کندر از هر یک دو درم دم الاخوین و افیون از هر یک یکدرم انزروت
یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه
[illegible] را نافع است صفته اشق انزروت از هر یک پنجدرم کندر

ده درم زعفران دو درم لعاب [illegible] شیاف سازند شیاف قلقند
از برای ظفره نافع است صفته روی سوخته پنجدرم زنگار دو درم انشادر
قلقند بوره ارمنی از هر یک درمی زرنیخ نیم درم لیبرک نیم کوفته
بگذارند پس شیاف سازند شیاف ورد ظفره را نافع بود صفته کندر
مر زعفران از هر یک یکدرم زرنیخ سرخ درمی شیاف سازند باب
کشنیز تازه و در چشم کشند شیاف مرارات انتشار و ابتدای
نزول را نافع باشد صفته زهره کلنگ زهره شوط زهره بز کوهی
زهره باز زهره عقاب زهره کبک مجموع خشک کرده ده درم تخم
حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یکدرم باب رازیانه شیاف سازند
شیاف مرارات ضعف بصر و ابتدای اب را نافع باشد صفته
زهره باشه زهره عقاب زهره خروس زهره روباه زهره شوط
مجموع خشک کرده مساوی باب رازیانه شیاف سازند شیاف
مرارات نوعی دیگر صفته زهره کلنگ زهره کبک زهره بز کوهی زهره
باشه زهره خرگوش زهره کبوتر زهره شیر زهره لعاق زهره خوک زهره خرگوش

زهره روباه زهره آهو زهره ماهی از هر یک خشک کرده یکدرم سکبینج
فرفیون شحم حنظل از هر یک یکدرم با آب بادیان حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته بآن سرشند و شیاف سازند شیافی که تمام مقام
مرارات است صفه زهره بز کوهی در ظرف مسین کنند تا خشک شود
ده درم شحم حنظل نیمدرم سکبینج دو درم فرفیون و نوشادر از هر یک
یکدرم با آب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف علایی که
جرب و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و خشونه اجفان را نافع بود توتیای
مغسول شش درم مامیران صینی و شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم دار
فلفل زنجبیل زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد ساذج هندی
از هر یک سه درم زعفران دو درم کتیرا صمغ عربی از هر یک دو
مثقال با آب غوره پرورده شیاف سازند شیاف حلتیث
خیالات دیدن را نافع بود صفه حلتیث خربق سفید
از هر یک ده درم سکبینج سه درم بعسل سرشته شیاف سازند شیاف
دینار بنوعی دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع است و چشم را جلا دهد

اقلیمیا

صفه اقلیمیا رطلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده درم کتیرا و مر از هر یک
پنجدرم مروارید نا سفته سپید دم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ
سرخ اقاقیا نبات از هر یک نیمدرم افیون هفت درم زعفران
نشاسته روی سوخته از هر یک ده درم کوفته و بیخته شیاف سازند
شیافی که جرب و سبل و شحم زاید را نافع باشد صفه ساذج هندی
شش درم صمغ عربی پنجدرم زنگار سه درم مس سوخته قلقطار سوخته
از هر یکی دو درم افیون و مر از هر یک یکدرم زعفران نیمدرم در آب
سداب شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد زنگار
سه درم سفیداب ارزیز اقلیمیا اثمد صمغ عربی اشق از هر یک دو
درم اشق را با آب حل کرده و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بآن سرشند
و شیاف سازند شیافی که بثره و قرحه را سود دارد و نشان قرحه را
برد صفه شاخ گوزن سوخته مغسول چهار درم توبال مس مغسول
محرق دو درم صمغ عربی سه درم افیون یکدرم شیاف سازند چنانکه
رسم است در چشم کشند شیاف مسهل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع

کنند و درد پشت را نافع بود صفه سکبینج مقل جاوشیر اشق نمک هندی
شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا زربد حب النیل صمغها را باب سداب
حل کنند و دیگر داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند و شیاف سازند
هر یکی دو درم شیاف دیگر که درد پشت و جمیع انواع مفاصل که
سبب آن سردی باشد نافع بود صفه سکبینج جاوشیر مقل با رزد شحم
حنظل بید انجیر ماهی زهره بوزیدان از هر یک یکدرم و نیم سورنجان زربد
از هر یک سه درم جند بید ستر نیمدرم باب کنند تا شیاف سازند
شیاف زحیر زعفران حضض مرافیون کندر مساوی کوفته و بیخته
شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج بگشاید و طبع را نرم کند صفه
بنفشه دو درم خطمی سه درم سنای مکی نیمدرم نمک هندی یکدرم عسل
و خیارشنبر و شکر سرخ از هر یک دو درم شیاف سازند شیاف دیگر که
همین خاصیت دارد صفه بنفشه نیمدرم سقمونیا نمک هندی از هر یک
دو درم بوره ارمنی تربد از هر یک سه درم قراقروت فانید از هر یک
یکمثقال شیاف سازند شیاف قولنج بوره ارمنی ده درم شحم

حنظل

حنظل مقل سکبینج از هر یک سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ
ده درم شیاف سازند شیاف فرفیون ضعف مثانه و سلسل البول
و رقیق را نافع بود و باه را قوت دهد صفه نارجیل حب الصنوبر حب
المحلب مقشر مغز بادام تلخ کرمدانه حب الزلم از هر یک دو درم فرفیون جند
بید ستر سداب از هر یک سه درم مقل ده درم باب کنند تا شیاف سازند
شیاف که مقوی باه است صفه حلتیت فرفیون از هر یک یکدرم مشک
نیمدرم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف که همین منفعت دارد صفه
کنه سوسمار زهر ورک حب القطن عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته بروغن
سنبل شیاف سازند شیاف که استسقای طبلی را نافع بود و باد
دفع کند صفه سداب حرمل رازیانه تخم کرفس زربد سفید بوره ارمنی
از هر یک یکدرم شکر سرخ نیمدرم باب سداب شیاف سازند
شیاف ثقل سمع دوی و طنینی که سبب آن ریح غلیظ باشد
و وجع بلغمی گوش و طرشی که سبب آن اخلاط غلیظ زایل گرداند صفه
شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی سه درم جند بید ستر زراوند مدحرج عصاره

انسنتین از هر یک نیم درم قسط دانگی افیون دانگی کوفته و بیخته زهره
گاو سرشته و شیاف سازند و وقت حاجت یکی از آن در روغن
بادام تلخ حل کرده در گوش چکانند شیافی که خون رفتن از بواسیر
باز دارد صفت کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرمه زاج از هر یک
یکدرم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل سرشته شیاف سازند شیاف
دیگر که همین خاصیت دارد صفت قنطوریون مارک بیخ سوسن
انزروت از هر یک مثقال مازو مثقالی زنگار دانگی بعسل سرشته شیاف
سازند شیافی که همین خاصیت دارد صفت اقاقیا لحیة التیس
گلنار گل ارمنی از هر یک یکدرم ودع سوخته و سفیداب از هر یک نیم درم
باب لسان الحمل یا آب خرفه سرشته شیاف سازند شیافی که همین عمل
کند صفت عصاره لحیة التیس اقاقیا حضض بلوط دم الاخوین از
هر یک یکدرم سفیداب صدف سوخته از هر یک نیم درم باب لسان
الحمل سرشته شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند
اگر در اسهال تقصیری باشد و گرم مزاجان را موافق باشد صفت ترنجبین

پنجدرم

پنجدرم صابون رقی و خطمی و نمک طعام از هر یک دو درم شکر سرخ
پنجدرم شیاف سازند شیافی که اسهال دموی را نافع باشد صفت
مر اقاقیا بزر البنج صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته
باب مورد سرشته شیاف سازند شیافی که نافعست از جهت
زحیر و اسهال و اعراض صفت صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بزر البنج
بریان کرده مساوی کوفته و بیخته باب مورد شیاف کنند شیافی
که شکم ببندد صفت اقاقیا صمغ عربی گلنار کزمازج بلوط برنج بریان
کرده کوفته و بیخته باب مورد سرشته و شیاف سازند شیاف بعد
اقاقیا املج گلنار صمغ عربی کوفته و بیخته باب مورد سرشته و شیاف سازند
و پیش از مجامعت استعمال نمایند شیافی که از جهت کرم کوچک که در امعا
سفلی اطفال باشد سود دارد صفت شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز
استخوان زردالو تلخ مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند باب
الضماد صفتی که بهق ابیض را برنگ بدن آورد صفت تخم ترب شیطرج
آب رسانس فره کنندش خردل کوفته و بیخته بسرکه کهنه ترکنند

دور آفتاب بمالند **صبغی** که برص را از ان یکین کند **صفه** شونیز مرشب یمانی فوه کوفته و بیخته مدتی با شراب ترکرده شوند و چند نوبت بمالند **صبغی** که همین خاصیت دارد **صفه** شطرج هندی عاقر قرحا حضض کلی خردل شونیز گل شقایق مرزنجوش زرد فوه مساوی کوفته و بیخته بخون زرشک بمالند **صبغی** که همین عمل کند **صفه** شطرج هندی فوه نیل شب یمانی گل سرخ کوفته و بیخته یکشبانه روز در سرکه خیسانند روز دیگر بمالند **صبغی** که بهق اسود را ببرد و برنگ بدن آورد **صفه** تخم ترب ده درم کندش قسط از هر یک دو درم سرکه کهنه بمالند **صبغی** که رنگ را سرخ گرداند **صفه** زعفران فوه مصطکی مساوی کوفته با آب سبوس تر ساخته شب بمالند و صباح بآب گرم بشویند **صبغی** که نشان آبله و جراحات را ببرد و برنگ بدن آورد **صفه** مرداسنگ شستر بیخ نی کهنه آرد نخود استخوان سوخته مغز تخم خربزه حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه و بزر الکتان یکشب بمالند و صباح بسبوس و آب گرم

بشویند

بشوینید **صبغی** که همین خاصیت دارد **صفه** اسارون قسط مرداسنگ مغسول شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق کوفته بماء الشعیر بمالند

باب الضاد ضماد التین صلابت طحال را نافعست **صفه** مقل دو درم اشق درمی آرد باقلا کرسنه نخود اکلیل الملک تخم کرفس حلبه بابونه ترمس سنبل از هر یک نیم درم انجیر زرد بیست عدد چهار درم کوفته بیخته بروغن سداب یا روغن بابونه ضماد کنند **ضمادی** که ورم صلب رحم را نافعست **صفه** مقل ازرق دو درم اشق قند تخم مرد حلبه تخم کتان آب کنند تا مغز قلم کاو بسته و مغسول ساخته در کرباس خام گیرند و بر ورم گذارند **ضمادی** که نافعست از جهت اورام صلبه معده و جگر **صفه** زعفران صبر از هر یک یکدرم فستقین سنبل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب کرم ضماد کنند **ضمادی حی العالم** نافعست از جهت حرارت و برودت جگر **صفه** بنفشه چهار مثقال کافور یکدرم کوفته با آب کشنیز تازه ضماد کنند **ضمادی** که ورم جگر را نافع باشد **صفه** جو در سرکه خیسانند تا مهرا شود پنجدرم طباشیر سفید فوفل از هر یک نیم درم

افسنتین ورق گل سرخ قصب الذریره صندل سفید شیاف
مامیثا از هر یک درمی کافور دانگی کوفته و بیخته در لته کتان بالند در
موضع حکه اندازند ضمادی که جهت باد خارش خصیه ابرد صفه بگیرند
شیاف مامیثا اقاقیا از هر یک درمی صبر زعفران از هر یک دانگی اشنان
پنج درم بروغن یاسمین ضماد کنند ضمادی که جهت باد فتق کودکان
نافعست صفه مقل درمی بسرکه حل کرده ضماد کنند ضمادی
سوخته بنفشه سبوس گندم آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک
مساوی بروغن بنفشه یا دام ضماد کنند ضماد دیاسیل بزرگ
حلبه از هر یک ده درم سعد سائله چهار درم اقاقیا املة کندر سعد اذخر
سنبل مصطکی از هر یک پنج درم کعک ده درم کوفته و بیخته با آب به ضماد
کنند ضمادی که معده بارده را گرم کند و قوت دهد صفه سعد مصطکی
سنبل قسط افسنتین از هر یک پنج درم اذخر املة قرنفل دارچینی قصب
الذریره از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب به ضماد کنند ضمادی که ورم
کهنه معده را تحلیل دهد صفه مقل حب البان تخم کرنب از هر یک

دو درم

دو درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک پنج درم موم سه درم روغن
ناردین پانزده درم صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته و
بیخته اضافه نمایند و با موم روغن ضماد کنند ضمادی که همین
خاصیت دارد صفه حلبه سعد قصب الذریره اذخر از هر یک دو درم
موم سه درم روغن بابونه پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد
صندلین که همین خاصیت دارد از جهت معده و جگر گرم نافعست
صفه صندل سرخ و سفید گل سرخ شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته
با آب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی که استسقاء
زقی را که با آن حرارت باشد نافعست صفه آرد جو سعد نشاسته سفید
بوره ارمنی گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته ضماد کنند ضمادی که ورم طحال را
سود دهد و صلابت را نرم کند صفه اشق مقل در سرکه دو درم
بوره ارمنی فودنه از هر یک سه درم کوفته و بیخته ضماد کنند بسرکه ضماد
الاشق صلابت طحال را سود دهد صفه اشق مقل بوره ارمنی نمک هندی
از هر یک چهار درم اشنه کزمازج از هر یک شش درم سداب سه درم

گزرد دو درم انگور و عدد انگور را در سرکه بپزند و اشق و مقل را
در آن حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند
ضمادی که وجع رحم و بواسیر را تسکین دهد صفته زعفران افیون بزر البنج
میویزج از هر یک دو درم حلبه و بنفشه از هر یک یکدرم
زرده تخم مرغ نیم برشت یک عدد بر روغن ... زرده را ضماد
کنند ضمادی که از جهت فتق نافع بود صفته جوز السرو دو درم سعد
مرضع عرطنثا بزر کرفس بارزد و اقاقیا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
بشراب کهنه سرشته ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد
صفته جوز السرو صبر سقوطری ورق ... بارزد بالسویه مساوی
کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضمادی که همین منفعت دارد
صفته مصطکی کندر انزروت جوز السرو و برگ سرو ...
بلوط مساوی کوفته و بیخته برگ ضماد کنند ضمادی که نقرس بارد را
سود دارد و بقایای اورام را ... صفته مقل کندر
حلبه برگ اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضمادی که ...

بیرون آورد صفته اشق پیاز نرگس ... کوفته بعسل ضماد کنند ضماد
افسنتین برودت معده و کبد و طحال را نافع بود صفته افسنتین
سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان زعفران
از هر یک دو درم موم سفید هشت درم موم در روغن ناردین یا روغن
قسط یا روغن زنبق بگدازند باقی ادویه کوفته و بیخته با آن برسانند و ضماد
کنند ضمادی که ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد نافع بود صفته
حب الاس آمله عود گلنار برگ مورد پوست بیخ پوست گل سرخ قصب
الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته بگلاب و آب سیب ضماد
کنند ضمادی که نقرس و اورام حاره را نافع باشد صفته صندل سرخ
عدس مقشر فوفل شیاف مامیثا گل ارمنی کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی
ضماد کنند ضماد فضاد بوتر لقوه و فالج و صداع و درد چشم را و
شقیقه و صداع ضماد کنند و چون بر شانه ضماد کنند بول
راند و چون بر گزندگی عقرب ضماد کنند درد ساکن کند و چون
بر شکم ضماد کنند اورام باطنه را نافع بود صفته ... دو

ضماد ...
صفت ...
لاقیا ...
... گل ارمنی ...
...
...
گل ...
...
...
...
...
... کنند

درم موم سفید ده درم راسنج سه درم روغن زیت چهل درم موم و راسنج را
در روغن زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته و بیخته اضافه نمایند
ضمادی که اگر بر معده بنهند قی آرد و اگر بر ناف ضماد کنند شکم براند
و اگر بر عانه ضماد کنند حیض براند صفه برنگ کابلی عصاره قثاء
الحمار از هر یک سه مثقال خربق سفید مرداسنگ از هر یک چهار درم روغن
زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن ضم کنند و بر روی
کاغذ پاره کشند و ضماد کنند ضمادی که چون بر لثه کشند و بر فم
معده اندازند اسهال سودا کند و چون بر زیر بغل ضماد کنند اسهال
صفرا و چون بر ما بین الورکین ضماد کنند بلغم براند و این ضماد اسرار
اطباست و پیران کسانی را که طاقت اسهال بدوا نباشد بدین
معالجه کنند صفه ترمس مقشر یک کف بکوبند و در دیگ کنند
و بعد از آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام
آید و استعمال کنند و چون خواهند که قطع اسهال شود لته بر دارند و موضع
را بگلاب بشویند ضمادی که جبر و کثر و دثی را نافع باشد صفه مقاشه

ماشی

ماش گل ارمنی از هر یک چهار درم خطمی مر از هر یک دو درم اقاقیا و صبر از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بآب مورد و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که
عرق النسا و وجع الورک را نافع است صفه پوست بیخ کبر [illegible] عاقر
قرحا از هر یک دو درم عصاره قثاء الحمار حب الغار از هر یک یکدرم کوفته و
بیخته بشراب العسل ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد ضمادی
نطرون عاقرقرحا از هر یکی دو درم قسط تخم تره تیزک از هر یک یکدرم
زفت پنجدرم زفت را در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته
و بیخته اضافه نمایند و ضماد سازند ضمادی که پوست بر گرد ناخن برگردد
و با صلاح آورد صفه مصطکی سه درم و در بار زده درم روغن گل بگدازند
و دو درم نمک با آن بیامیزند و بر آن موضع ضماد کنند ضمادی که درد پشت
دیگر را ساکن گرداند صفه جند بید ستر زعفران افیون سفیداب ارزیز
سفیده تخم مرغ بر لب شیب ضماد کنند و با آتش داشته دست نمایند
ضمادی که از برای برص اطفال نافع باشد صفه زرنیخ سرخ شب یمانی
کوکرد از هر یک یکدرم زفت رومی ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند

دوا ردهای دیگر بآن سرشته ضماد کنند ضمادی که استسقای طبلی را
سود دارد صفت بابونه اکلیل الملک حماما شبت مصطکی از هر یک ده درم
افسنتین سنبل صبر از هر یک هفت درم کندر شش درم بیخ خطمی
پانزده درم پیه بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی درم
ضماد سازند ضماد دیگر تخم کتان بزرک مقل ازرق از هر یک پنجدرم
بروغن گاو سرشته ضماد کنند ضمادی که قروح معده را نافع باشد
صفت افیون زعفران از هر یک نیم دانگ مرداسنگ یک مثقال سفیداب
ارزیز نیم درم روغن گل پنجدرم ضماد سازند چنانکه رسمست ضمادی که
اخراج مشیمه کند و جنین مرده بیرون آورد صفت شحم حنظل قسط سداب
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته بر عانه و ناف
ضماد کنند ضمادی که صداع بارد را نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک
درمنه ترکی هشت درم ورق الغار مرزنگوش مساوی بروغن خیری ضماد
کنند ضمادی که اسهال صفراوی را نافع باشد صفت برگ مورد گل سرخ گلنار
صندل [illegible] لادن سماق اقاقیا حضض مساوی کوفته و بیخته

باب مورد

باب مورد سرشته بر ضماد شکم کنند ضمادی که زلق و امعاء بلغمی را نافع باشد
صفت لادن سعد مصطکی قصب الذریره اذخر مرزنجوش تمام از هر یک
پنجدرم عود جوزبوا قرنفل از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته باب مورد ضماد
کنند ضمادی که اورام شری را سود دارد صفت نان گندم آرد جو باقلا
خطمی حلبه از هر یک ده درم زعفران نیم درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ
ضماد کنند ضمادی که نگذارد که پستان بزرگ شود صفت دردی
سوخته آرد جو مساوی بسرکه سرشته ضماد کنند و در هر ماهی سه روز متوالی ضماد
کنند ضمادی که اماس چشم بنشاند و درد ساکن گرداند صفت آرد
جو ده درم باقلا پنجدرم اقاقیا یکدرم سفیده تخم مرغ یک عدد و آب گشنیز
و آب کاسنی ممزوج ساخته ضماد کنند ضمادی که از جهت اختلاط
عقل و امراض حاره نافع است صفت آرد جو ده درم سبوس گندم بنفشه
از هر یک پنجدرم خطمی سه درم با آب برگ بید و روغن قدری بسرکه ضماد
کنند ضمادی که اماس بن گوش را بنشاند صفت پیه بط پیه مرغ از هر یک
پنجدرم کشک کرسنه کهنه کوفته و بیخته بآن سرشته ضماد کنند

ضمادی که اسهال را که سبب آن ضعف قوت ماسکه و برودت جگر باشد
نافعست صفة سنبل قصب الذریره افسنتین رومی قشور کندر مصطکی
لادن برگ مورد ورق گل سرخ صندل از هریک ده درم پوست انار
ترش آمله از هریک یازده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند
ضمادی که جهة سینه و حلق نافعست صفة روغن بادام موم سفید
مغز تخم خیار تخم خرفه ورق گل سرخ مغز کدو اجزا را باهم ممزوج
ساخته پاره از آن مخلوط کنند و بر روی سینه و جگر نهند ضمادی که
درد بواسیر بنشاند صفة مقل ازرق کوهان شتر مغز ساق گاو
استخوان زرد الوسیه زرده تخم مرغ مساوی در روغن گاو که پیاز
در آن جوشانیده باشند حل کنند و ضماد کنند و پیاز در روغن گاو بریان
کرده نیز ضمادی نافعست ضمادی که قیلة الماء را سود دارد جو پشک گوسفند
گل ارمنی سرگین گاو خشک از هریک ده درم سعد بوره ارمنی زیره
کرمانی مس سوخته شحم حنظل صبر سقوطری قنطار الحمار از هریک یکدرم
کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضمادی که اورام طمث را نافع بود

صفة عدس مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد مساوی کوفته و
بیخته بسرکه بسرشند و بر پشت شکم و عانه ضماد کنند ضمادی که شیر
زنان زیاد کند صفة آرد باقلا ده درم تخم بادروج پنج درم کوفته
و بیخته با آب بادروج ضماد کنند ضمادی که نگذارد که ناف بیرون آید
صفة شب یمانی سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته بسرشند در سرکه
ضماد کنند و بر فاده محکم به بندند ضمادی که نقرس گرم را سود دارد
صفة آرد جو بیست درم افیون سه درم آب عنب الثعلب ضماد
کنند ضمادی که نقرس مرکب را نافع بود صفة لعاب خطمی تخم مورد
آرد جو سورنجان مساوی بروغن گل و زرده تخم مرغ ضماد کنند
ضمادی که جمیع امراض مفاصل را نافع باشد صفة بابونه خطمی اکلیل
الملک از هریک بیست درم اشق جاوشیر مقل از هریک ده درم موم
و سرکه از هریک پنج درم روغن شبت بیست درم ضماد کنند چنانکه
رسمست ضمادی که جمیع اورام حاره را نافع بود و ماده را دفع کند
صفة شیاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ با آب عنب الثعلب

ضماد کنند ضمادی که بواسیر و درد مقعد و زحیر را نافع باشد صفته مغز
ساق گاو ده درم موم سفید سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر مر از هر یک
نیم درم مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یک درم و نیم مقل یک درم
افیون دانگی روغن گل بیست درم بطریق معهود ضماد کنند ضمادی
که مخصوص بواسیر است صفته روغن مغز استخوان زرد الو تخم کتان
سپستان پنج درم میعه سایله سه درم مقل ازرق دو درم زفت یک مثقال
نیم ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد صفته پیاز و کندنا
پخته در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنج درم مقل یک درم زعفران
نیم درم افیون دانگی و نیم ضماد کنند ضمادی که همین عمل کند صفته
روغن مغز استخوان زرد الو ده درم کوهان شتر نه مثقال کرک
شفتالوی خشک موم سفید از هر یک سه درم مقل یک مثقال مرداسنگ
دو درم ضماد سازند ضمادی که ورم بارد خصیه را نافع باشد صفته
ارد باقلا حلبه بابونه زیره مویز منقی بروغن کنجد ضماد کنند
ضمادی که خنازیر را تحلیل کند صفته کتیرا پنج درم نانخواه دو درم صبر یک درم

باب شنبز

باب شنبز تازه ضماد کنند باب الطلاءات که از جهت صداع
حار نافع باشد صفته صندل سرخ و سفید تخم کاهو از هر یک سه درم گل نیلوفر
گل سرخ از هر یک چهار درم زعفران یک درم افیون شیاف مامیثا از هر
یک دو درم بیخ لفاح یک مثقال با آب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین
طلا کنند طلایی که درد سر گوش را نافع است صفته صندل سرخ فوفل
شیاف مامیثا صبر زعفران هر مساوی بگلاب طلا کنند طلایی که حمره
از وجوه کلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل سفید از هر یک
سه درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی طلا کنند طلایی که همین
خاصیت دارد صفته اقاقیا نشاسته گل ارمنی کلنار مساوی کوفته
و بیخته با آب مورد یا آب برگ کاهو لسان الحمل سرشته بر پیشانی
طلا کنند طلایی که موی را از ریختن نگاه دارد صفته پر سیاوشان
لادن افسنتین حب الغار مساوی کوبند و در روغن مورد بپزند
و طلا کنند طلایی که شکستن و شکافتن موی را نگاه دارد صفته
برگ چغندر لعاب بزرقطونا در حمام بر سر و ریش طلا کنند طلایی

کر سبوس اسود دارد صفت آب برگ چغندر چهل درم بوره دو درم زهره
گاو یکدرم بعسل بسرشند و بر سر طلا کنند طلایی که منع انبات موی کند
صفت وزغ را در سایه خشک کنند و بسایند و خون لاک پشت بحری خشک
کرده و ایک بوره ارمنی مرداسنگ صدف سوخته از هر یک قدری باب
بسرشند و چون موی بغل و عانه برکنده باشد طلا کنند و بمالند دیگر
بر آنجا موی نروید و جمیع مخدرات و مبردات همین خاصیت دارند
مثل آنکه اگر موی از موضع برکنند و آن موضع را به بنگ شوکران و افیون
بخته طلا کنند چند بار منع انبات موی کند طلایی که درین باب مجربست
صفت شیره انجیر و خایه مورچه و زبد البحر و ترشی ترنج از هر یک قدری بیکدیگر
ممزوج سازند و موی را برکنند و سه بار بران طلا کنند منع انبات
کند و اگر پیش از بلوغ در انبات عانه را بدینها طلا کنند موی از آنجا نروید
طلایی که موی برویاند و داء الثعلب نافع باشد صفت لادن سوخته
چوب کتان شقایق با روغن مورد طلا کنند یا برگ مورد کوفته با لادن
و مر و روغن مصطکی بمالند یا فقاح اذخر و قرنفل و سعد و مازو کوفته

وبقم

با شراب طلا کنند یا سم استر محرق با روغن دنبه طلا کنند بعد از آنکه چندان
بیاز غسل مالیده باشند که آبله کرده باشد نافع باشد و اگر زبد البحر و ریحان
سوخته بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند طلایی که حکه و جرب یابس را
نافع بود صفت مغز استخوان زرد آلوی تلخ تخم ریواس از هر یک بیست درم
نمک طعام زیبق از هر یک ده درم مجموع را با بیست درم ماست ممزوج ساخته
در حمام طلا کنند و یکساعت بگذارند پس بشویند طلایی که همین خاصیت دارد
صفت زیبق مقتول حنا تخم حنظل اقلیمیا نقره عدس مقشر مساوی بسرکه
و روغن گل طلا کنند طلایی که همین منفعت دارد صفت مغز بادام تلخ سنا
مکی مرداسنگ از هر یک سه درم گوگرد ده درم بسرکه و روغن گل طلا کنند
طلایی که از جهت جرب رطب نافع باشد صفت کندش دو درم مرداسنگ
از هر یک درمی نمک پنج درم بسرکه و روغن گل ترساخته در حمام طلا کنند
طلایی که جرب را نافع باشد صفت زرد چوبه مرقشیشا کندش از هر یک یکدرم
میعه سایله پنج درم بروغن گل ترساخته در حمام طلا کنند و سه ساعت
بگذارند پس باب گرم بشویند طریق استعمال جرب یابس است که هر روز

هر روز یک مثقال صبر با عرق کاسنی خمیر کرده با سه قاشق عرق گل بخورد
و بعد از آن بحمام رود و چون بیرون آید از آن مرداسنج و زاج زرد و سرکه
که یک هفته در آفتاب گذاشته باشند طلا کنند که نافعست طلایی که همین
خاصیت دارد صفت گوگرد زرد یک مثقال سه برود مثقال روغن گل ده مثقال
سه را در روغن بگدازند و گوگرد و صلایه کرده بدان ممزوج سازند و شب
بمالند و صباح در حمام بشویند طلایی که همین منفعت دارد صفت زیبق
مغسول یک درم کندش دو درم زراوند طویل دو درم بروغن گل سه روز طلا
کنند طلایی که همین خاصیت دارد صفت عاقرقرحا مویزج خردل حنا
زیبق مغسول گوگرد موم مساوی بروغن بنفشه ممزوج ساخته طلا کنند
طلایی که از جهت جرب نظیر ندارد و مکرر بتجربه رسیده صفت گوگرد
حنا از هر یک یک مثقال پوست هلیله زرد و زیبق مغسول شطرج هندی از
هر یک نیم مثقال فلفل دانگی روغن بنفشه بیست مثقال بطریق معهود بیکدیگر
ممزوج سازند شب بمالند و صباح در حمام بسبوس و سرکه و آب گرم
بشویند طلایی که از جهت حکه نافعست صفت تخم خشخاش اسفناج کوفته

درسرکه

در سرکه جنبانند و در حمام بمالند طلایی که حکه خصیه را نافع باشد صفت سیاب
مامیثا و اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو درم نوشادر دانگی زعفران
یک طسوج کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه زر کرده طلا کنند طلایی
که قوبا را نافع باشد صفت گوگرد دو درم سفیداب ارزیز بیست درم مویزج
یک درم بسرکه طلا کنند چنانکه رسم است طلایی که همین خاصیت دارد
صفت خربق سفید چهار درم ترمس صدف سوخته نطرون از هر یک سه درم کوفته
و بیخته بسرکه ترساخته طلا کنند طلایی که همین منفعت دارد صفت ترمس
اشق از هر یک یک درم بوره ارمنی دو درم بسرکه کهنه سرشته طلا کنند و بعد
از ساعتی باب گرم بشویند طلایی که نافعست از جهت قلع ثالیل صفت
مازو سبز یمانی تخم حرجیر کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته چند نوبت
طلا کنند طلایی که سوختگی آتش را نافع بود صفت عدس مقشر گل سرخ
بپزند تا مهرا شود و پس سفیداب ارزیز در روغن گل با آن بیامیزند و طلا کنند
طلایی که نزول الماس کرم که بعد از بیماریهای دراز در پشت چشم
و پشت پای و روی پیدا شود زایل کند صفت صبر اقاقیا مر سعد شیاف

مامیثا زعفران حضض گل ارمنی کوفته و بیخته بسرکه و آب عنب الثعلب
طلا کنند طلایی که صداع را نافع بود صفت مر زعفران افیون زرنیخ کندر
مساوی بگلاب ترکرده بر صدغین طلا کنند طلایی نیلوفر بنفشه تخم
کاهو از هر یک سه درم پوست خشخاش شیاف مامیثا از هر یک دو درم
صندل سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با آب برگ کاهو
ترساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند طلایی که اسهال رقیق را باز دارد
صفت گل سرخ پنج درم اقاقیا گلنار رمان دشتی بیانی جوز السرو صندل
سرخ و سفید عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم با آب به
بر شکم و معده و پشت معده طلا کنند طلایی که ورم حار جگر را نافع بود
صفت بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هفت درم گل سرخ چهار درم صندل
سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم کشوث نیلوفر از هر یک
دو درم شیاف مامیثا دو درم و نیم ریوند چینی یکدرم سنبل نیم درم
کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند طلایی که افراط حیض را
باز دارد صفت گل سرخ عدس مقشر از هر یک پنج درم اقاقیا گلنار صندلین

از هر یک

از هر یک سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط و طباشیر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
و با آب رعانه و پشت طلا کنند طلایی که از جهت بنات اللبن نافع
باشد صفت خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم ترمس پوست
در سندی از هر یک دو درم و نیم آرد باقلا سه درم کوفته و بیخته
با آب کرفس طلا کنند طلایی که جهت سعفه که بر روی اطفال آمده
نافع باشد صفت سفیداب ارزیز سه درم گل سرخ دو درم
گلنار و زرد چوبه از هر یک یکدرم کافور قیصوری موم سفید دو درم
و نیم کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند طلایی که همین
خاصیت دارد صفت اشنان سبز مرداسنگ از هر یک
پنج درم گل ارمنی حضض پوست انار از هر یک سه درم حنا و فتیل
از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک دو درم
بگلاب ترساخته طلا کنند طلایی که همین خاصیت دارد صفت
برگ سهک چهار درم حنا و مازو از هر یک دو درم بروغن دهن طلا کنند
طلایی که همین خاصیت دارد صفت آب برگ چغندر روغن دنبه

از هر یک صد درم بجوشانند چندانکه آب برود و روغن بماند بعد از آن برگ
مهک و حنا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بآن ممزوج سازند و طلا کنند
طلایی که از جهة سعفه که در بدن اطفال پیدا شود نافع است **صفته** زرد
چوبه حنا زراوند مدحرج مردار سنگ پوست انار بروغن گل و سرکه طلا کنند
طلایی که از جهة سعفه کهنه نافع بود **صفته** نمک محرق زاج محرق کوکرد و خاک
زیبق نانخواه زرد چوبه زراوند مدحرج مردار سنگ کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه طلا کنند
طلایی که سعفه تر را نافع باشد **صفته** نمک اشنان اسرب زر کرده چند
نوبت بمالند و اگر صابون رقی بگلاب بزنند تا کف برآرد و بعد از آن پنج
بنفشه و موم سفید و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه
نمایند و طلا کنند و یکساعت بگذارند پس بآب گرم بشویند سعفه
را مستاصل نماید **طلایی** که شبش را دفع کند **صفته** مویزج شوره از
هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مقتول یکدرم سرکه در روغن
طلا کنند و اگر بدن را بروغن کافته چرب کنند در تابی که در آن
گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشند بشویند بغایت نافع بود **و لله**

که همین

که همین خاصیت دارد **صفته** مویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی
بروغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از آن که عرق کرده
باشد **طلایی** که کلف را ببرد **صفته** پوست تخم مرغ اشنان آب ترب تازه
پرورده آرد جو پنج نی پوست عدس آرد باقلا فوفل کف دریا مساوی
جنبی مساوی بآب ترب طلا کنند **طلایی** که برش ببرد **صفته**
سفیداب زرنیخ سرخ مساوی بشیر تازه طلا کنند **طلایی** که
اثرهای زردی از روی ببرد **صفته** زراوند مدحرج سطوخ هندی از هر یک
دو درم آرد باقلا آرد نخود عدس سرخ از هر یک پنجدرم بسفیده تخم
مرغ تر سازند و شب طلا کنند و صباح بآب خرفه نیم کوفته جوشانیده
باشند بشویند **طلایی** که ضعف را نافع بود **صفته** حنا و نمک کوفته و بیخته
بسرکه تر سازند و در حمام بمالند و یکساعت بگذارند پس بآب سرد و سبوس
بشویند **طلایی** که جذام را نافع باشد **صفته** نطرون اشق فرفیون کوکرد
زرد انجره مساوی کوفته و بیخته بسرکه طلا کنند **طلایی** که بهق را زایل کند
صفته نوره کندش سطوخ هندی خردل تخم ترب مازریون تخم حنظل

خربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک جزو و شقایق دو جزو کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یک شبانه روز دیگر طلا کنند **طلایی** که بهق را سود دارد **صفته** شقایق سقمونیا شطرج تخم ترب خردل صمغ آلو از هر یک مثقال کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یک شبانه روز بعد از آن که در حمام نشسته بر آن مالیده باشند طلا کنند و مروارید صلایه کرده بر سر که مالیدن همین عمل کند **طلایی** که حب القرع و کرم دراز از اطفال اخراج کند **صفته** افسنتین سه درم برگ شفتالو درمی زهره گاو یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند **طلایی** که چون بر سر اقرع مالند موی براند **صفته** فلفل کوفته و بیخته بزهره خوک طلا کنند **طلایی** ارتیا سوس شعره و درد را نافع است **صفته** کندر مر از هر یک یکدرم لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگی و نیم موم نیمدرم روغن زیت طلا کنند **طلایی** که چون بر پیشانی و پشت چشم طلا کنند ابتدای رمد را سود دارد و ماده را دفع کند **صفته** شیاف مامیثا صبر حضض گل سرخ صندل سرخ قرنفل زعفران مساوی با آب گشنیز تازه یا آب کاسنی تازه طلا کنند **طلایی** که

شیرناق را نافع باشد **صفته** صبر یکدرم شیاف مامیثا اقاقیا مر سپید از هر یک دو درم زعفران نیمدرم کوفته و بیخته با آب مورد یا آب کاسنی طلا کنند **طلایی** که درد چشم را ساکن گرداند **صفته** عدس مقشر صندل سرخ از هر یکی دو درم کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی و جفن طلا کنند **طلایی** که همین خاصیت دارد **صفته** صبر شیاف مامیثا حضض زعفران افیون اقاقیا گل ارمنی صندل سرخ مساوی با آب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند **طلایی** که صداع بارد را نافع بود **صفته** مشک و صبر فرفیون جندبیدستر صمغ عربی مور و زعفران از هر یک دو دانگ افیون دانگی و نیم با آب کرفس یا آب مرزنجوش ترسازند و بر کاغذ کشند و بر پیشانی و صدغین اندازند **طلایی** که حمره را نافع باشد **صفته** صبر زعفران اقاقیا قرنفل گل ارمنی صندل سرخ شیاف مامیثا با آب کاسنی یا آب عنب الثعلب طلا کنند **طلایی** که سکته را نافع است **صفته** خردل جندبیدستر سرکه کهنه طلا کنند بعد از آنکه تر شده باشد **طلایی** که لقوه را سود دارد **صفته** صبر حضض مر از هر یکی و روغن زعفران

دو دانگ بگلاب طلا کنند طلایی که حجوظ عین را سود دارد صفه صبر
حضض [illegible] عصاره لحیة التیس بآب عنب الثعلب طلا کنند
طلایی نقرس و اورام حاره را نافع باشد صفه صندل سرخ شیاف
مامیثا از هر یک سه درم گل ارمنی ده درم اقاقیا حضض از هر یکی دو درم
سفیداب ارزیز مرداسنگ از هر یک درمی قیمولیا پنج درم کوفته
و بیخته بآب کاسنی سرشته گلولها سازند بر شکل کعبتین و در
وقت حاجت یکی از ان بآب گشنیز تازه بسایند و طلا کنند
طلایی که شکم را ببندد و اسهال باز دارد صفه اقاقیا سعد مر کندر کعک
جوز السرو مازو گل سرخ امله گل ارمنی کاورس برنج عدس بلوط
گلنار بزر البنج صندل بآب مورد یا آب بر شکم طلا کنند
طلایی که چون بر خصیه اطفال بمالند نگذارد که بزرگ شود صفه قیمولیا
سفیداب ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی مازو از هر یک درمی
نمک یک درم و نیم کوفته و بیخته بعسل و روغن مورد چند نوبت طلا
کنند طلایی که استسقای لحمی را نافعست صفه درمنه ترکی [illegible]

سوخته

سوخته بوره ارمنی سرگین کبوتر مساوی طلا کنند طلایی
که منع آبستن کند و اگر آبستن بود بچه بیندازد صفه سداب خشک
زعفران مساوی کوفته و بیخته بآب سداب تر سرشته و بر
قضیب بمالند و بگذارند تا خشک شود و بعد از ان مباشرت نمایند طلایی
که آبستنی را معین باشد صفه حب بلسان جاوشیر مقل با و ادر مساوی
کوفته و بیخته با زهره گاو بر قضیب بمالند و بگذارند تا خشک شود و بعد از ان
مجامعت کنند زن آبستن شود طلایی که همین خاصیت دارد صفه
برگ سنجد خشک کوبند و با زهره گاو بر قضیب طلا کنند و مباشرت
نمایند طلایی که کراهت عرق زایل کند صفه سک گل سرخ سنبل
سعد شب یمانی از هر یک قدری کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته
بر بدن طلا کنند طلایی که نسیان زایل کند صفه راسن زراوند
طویل برگ چنار کاغذ الکینه مجموع سوخته زعفران مساوی کوفته
و بیخته بآب مورد سرشته و گلولها سازند و خشک کنند و بعد
از ان بقل الاحمر آشته تا خون آلود شود و بعد از ان آن گلوله از ان

سوده در آن مالند و یک شبانه روز بگذارند دیگر آن تن بشویند
طلایی که حبس عرق کند صفته برگ مورد و مازو و گلنار مساوی کوفته
و بیخته به آب غوره یا آب مورد تر سازند و بر بدن طلا کنند طلایی
که صبیان را نافع باشد صفته شب یمانی گل سرخ مورد و مرداسنگ
[illegible] به آب اشنان بشویند و داروها را کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته
بر آن طلا کنند طلایی که منع نزلات کند صفته اقاقیا شیاف
مامیثا حضض گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته بسفیده تخم
مرغ سرشته و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخی که حیض
براند صفته اسارون یکدرم سداب نیم درم رازیانه دو درم لوبیا
سرخ پنج درم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند و سه روز
متوالی باز خورند طبیخی که همین خاصیت دارد و مردان را نیز نافعست
چون ایشان را نیز محتبس شده باشند صفته افسنتین درمنه
ترکی ترمس سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر پنج
عدد گلقند ده مثقال بجوشانند چنانکه [illegible] و صاف نمایند

وسه روز

وسه روز متوالی باز خورند و سه روز دیگر استراحت نمایند و باز سه روز
دیگر بنوشند همچنین عمل میکنند تا ادرار تمام واقع شود طبیخی که حیض را
بازدارد و معده را قوت دهد صفته انار دانه ده درم مصطکی و [illegible]
خشک از هر یک یکدرم کوفته در یک رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید
صاف کنند و عود و سک از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اضافه نمایند و
بنوشند طبیخی که حیض براند صفته لوبیا سرخ حلبه انیسون
نانخواه از هر یک چهار درم سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند
تا برطلی آید صاف کنند و قدری شکر اضافه کنند و هر صباح چهار درم
بنوشند طبیخی که همین منفعت دارد صفته لوبیای سرخ
سه درم فراسیون [illegible] از هر یک چهار درم فودنه دو درم در پنج
رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند و قدری شکر
اضافه کنند و هر صباح سه درم بنوشند باب [illegible] عطوسی
که فالج و سکته و لقوه و امراض بارده را نافع بود و شقیقه
دماغ را از اخلاط پاک کند و خلط [illegible] را سود دارد و اخراج کند

بلغ تصحیح

صفت کندش شونیز فرفیون فلفل جند بیدستر زراوند حب بلبان
مشک عاقرقرحا بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند
عطوسی که همین خاصیت دارد صفت شحم حنظل فلفل اسطوخودوس
جند بیدستر از هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته و بیخته قدری
در بینی دمند عقد سیماب از جهت سرعت انزال نظیر ندارد صفت
زیبق پنج مثقال با قدری سرکه بدسته آبگینه یا سنگ صلایه نمایند
تا کشته شود و سه مثقال با قدری نمک هندی و خل نمایند مغرفه
آهنین را از سرکه سازند و اینها را در ان مغرفه ریزند و بر سر آتش
نهند و سه مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخورد آن
میدهند و بدسته آبگینه یا آهن بهم میزنند تا لقمه شود و بعد از آن
آنرا بوصله مثقالی پاک بپالایند آنچه در کرباس بماند بستانند و
چندان آب بشویند که تمام پاک شود و چرک از ان برود پس آنرا
گلوله سازند و میان آنرا سوراخ کنند و ریسمان در ان بگذرانند
و در آب لیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود و مانند حجری لعبه

ازان

ازان آنرا در روغن تازه بجوشانند و در محل حاجت در دهن نگاه دارند
و چون خواهند که انزال شود از دهن بیرون آرند باب الغین
غرغره از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت نوشادر
درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا مویزج صعتر ایارج فیقرا ایرسا
از هر یک هفت درم بوره ارمنی وج از هر یک پنج درم زوفا دار فلفل
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و با سکنجبین غرغره
کنند غرغره که قروح حلق را نافع باشد صفت زاج سفید کاغذ سوخته
مازوی سبز کندش زعفران از هر یک یک مثقال نمک سوخته نوشادر از هر یک
نیم مثقال کوفته بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره که همین خاصیت
دارد صفت مازوی سبز کاغذ سوخته زنگار زاج سفید کوفته
و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره که همین عمل کند صفت کندر
یکدرم مازوی سوخته یکدرم زنگار نیم درم کاغذ فرنگی سوخته
یک ورق زعفران دانگی کوفته و بیخته در سرکه و عسل نیم گرم غرغره
کنند غرغره که فالج و لقوه و صرع را نافع بود و دماغ را از اخلاط

غلیظ پاک کرداند صفه ایارهٔ فیقرا ارج خردل مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنه
صعتر اصل السوس پوست بیخ کبر کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند
غرغره که ثقل لسان را و سکته و فالج را سود دارد صفه مویزج خردل
زنجبیل عاقرقرحا فلفل دارفلفل بوره ارمنی ارسامرزنجوش سادج کوفته
و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق و ذبحه صفراوی و دموی
را نافع باشد و حرارت حمیات بنشاند صفه گل سرخ طباشیر نشاسته
تخم گل زعفران از هر یک دو درم تخم کرفس سه درم بارزد و سماق از هر یک
پنج درم قند چهارده درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره
که دماغ را از فضول پاک کند صفه مویزج دانگی و نیم عاقرقرحا خردل
از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند غرغره که
قلاع و استرخاء لثه و دلحجه را نافع بود صفه سماق برگ مورد گل
سرخ زریق جوشانیده و صاف کرده رب توت ده درم اضافه
نموده غرغره کنند غرغره که سقوط لهات را که سبب آن رطوبت
باشد نافعست صفه گلنار شش درم شبیانی دو مثقال نمک

اندرانی

اندرانی دو مثقال و نیم اقماع الرمان تخم گل از هر یک یک درم و نیم کوفته
و بیخته برب توت غرغره کنند غرغره که قلاع سوداوی را سود
دارد صفه سماق گل سرخ گشته گلنار برگ مورد خرنوب جوشانیده
غرغره کنند غرغره که نافعست از جهت سرفه که سبب آن نزله باشد
صفه گل سرخ گلنار خرنوب بجوشانند و صاف کنند و پیش از خواب
غرغره کنند غرغره که روی را سفید و براق گرداند صفه آرد جو
باقلا نشاسته کثیرا تخم ترب کوفته و بیخته بشیر ترسا زند و شب بر روی
مالند و صباح بآب گرم و سبوس بشویند غرغره که همین خاصیت
دارد صفه آرد جو آرد باقلا آرد نخود از هر یک تخم ورد عدس مقشر کثیرا النشاسته
زعفران از هر یک نیم جزو و مغز تخم خربزه و سفیده تخم مرغ سرشته
بمالند و صباح آبی که در آن پوست خربزه و بنفشه جوشانیده باشند
بشویند غرغره که همین منفعت دارد صفه باقلا مقشر کرسنه ترمس
تخم ترب مغز تخم خربزه نخود و نشاسته کوفته و بیخته روی اندام بشوید
باب الفنجنوس معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود

وباه را زیاده کند و زنگ رحم کوکرداند و دفع سرعت انزال کند
صفة هلیله سیاه پوست هلیله زرد و آمله مقشر شطرج هندی سنبل
الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل سعد از هر یک ده درم تخم شبت تخم کندنا
از هر یک چهار درم خبث الحدید صد درم عسل سه وزن ادویه خبث
الحدید را چهار شبانه روز در سرکه خیسانند و بعد از آن خشک کنند
و صلایه کنند چندانکه بر روی آب باشند تنه آب فرو برد و
باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و بعسل معجون سازند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم و بعضی دو درم مسک اضافه کنند
فیروزنوش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض زنان حامله را که سبب
آن برودت باشد سود دارد و بادهای غلیظ دفع کند صفة قرنفل
عاقرقرحا سنبل زعفران از هر یک هفت درم افیون بزرالبنج از هر
یک بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشته و بعد از شش ماه استعمال
نمایند فیروزنوش دیگر معده را قوت دهد و باه را زیاده کند و
سرعت انزال را دفع کند صفة پوست هلیله زرد و پوست هلیله

کابلی شطرج هندی تخم کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه قرنفل بسباسه
خولنجان نانخواه از هر یک درمی پوست هلیله آمله مقشر نانخواه دار فلفل
از هر یک چهار درم تودری قرفه سنبل جوز بوا زنجبیل فلفلمویه از هر یک
هشت درم سعد ده درم مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید
برابر وزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل مصفی دو وزن نیم ادویه
بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربت دو درم به نبیذ زبیب یا بشیر گوسفند بیاشامند قندادیقون
در معده اسهال سودا را دو معده را گرم کند و باد بشکند صفة
زعفران انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل جاوشیر مغز حلقوزه از
هر یک شش درم فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه شربت
یک مثقال تا دو مثقال قندادیقون به نسخه دیگر منافع هر دو قریب یکدیگر است
صفة زنجبیل فلفل سنبل از هر یک شش درم مصطکی نانخواه از هر
یک چهار درم تخم کرفس تخم ... از هر یک دو درم کوفته بیخته بعسل معجون
سازند فلونیای رومی این معجون مبارکست نزلها باز دارد و درد ها

ساکن گرداند فی الدم و اسهال دموی و قولنج و سحج و مغص و سیلان طمث را
نافع باشد **صفته** فلفل سفید دارفلفل بزر البنج از هر یک بیست مثقال
ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فرفیون از هر یک یک مثقال
تخم کرفس کوهی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس
نبطی سه مثقال و در بعضی نسخه ها بعوض تخم کرفس نبطی دوقوست
مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربت دانگی تا نیم مثقال از جهت قولنج در طبیخ شبت و از جهت
درد گرده در طبیخ جعده و از جهت درد معده در طبیخ انیسون و از
جهت سپرز با سکنجبین و از جهت گرده و مثانه در طبیخ رازیانه و از
جهت باز داشتن خون در طبیخ سماق **فلونیای فارسی** استفراغ
خون از هر موضع که باشد باز دارد و رحم را قوت دهد و بادهای رحم
دفع کند و محافظت جنین نماید و اسهال و قی باز دارد و درد دندان
و دماغ را قوت دهد و حافظ زیاده کند **صفته** فلفل سفید بزر البنج
از هر یک بیست درم افیون و گل مختوم از هر یک ده درم زعفران
پنج درم فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جندبیدستر یک درم
زرنباد و درونج مرداسنج بسفایج مشک از هر یک نیم درم کافور دانگی و نیم
کوفته و بیخته بعسل سرشته و بعد از شش ماه استعمال کنند
شربتی یک درم **فودنجی** درد معده و جگر که سبب آن برودت
باشد و حمیات بلغمی و تب ربع و تبهای کهنه را سود دارد **صفته** فودنج
نهری فطراسالیون بسباسه البوس از هر یک دوازده درم تخم کرفس نانخواه
حاشا از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار
درم کوفته و بیخته با سه وزن ادویه عسل مصفی سرشته شربت یک درم
با آب گرم **فلافلی** درد معده و شهوت کلی را نافع باشد و باد بشکند
و طعام هضم کند **صفته** فلفل و دارفلفل از هر یک سی درم حماما سنبل
از هر یک دو درم زنجبیل تخم کرفس بسباسه البوس سلیخه اسارون انیسون
از هر یک یک درم کوفته و بیخته با سه مقابل ادویه عسل سرشته شربتی یک درم
با آب گرم بنوشند **فلنفلیون** اکله و عفونت لثه را نافع باشد
و گوشت مرده را ببرد **صفته** اقاقیا دوازده درم آهک نم ناشت

درم شب یمانی شش درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و قرص سازند
و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت استعمال نمایند فتیله
که رعاف باز دارد صفته گلنار گرد و سماق از هر یک نیم درم افیون
دانگی کوفته و بیخته و بحر بر بیخته بعصاره سرگین خر بسرشند و بجای عنکبوت
بگردانند و در بینی نهند بعد از آن که بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند
فتیله دیگر که همین خاصیت دارد صفته مازوی سوخته در سرکه
انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم شب یمانی شش درم کافور
دانگی کوفته و بیخته فتیله را از کتان بتابند و بدان تر کرده باشند
و در بینی نهند فتیله که همین منفعت دارد صفته کاغذ سوخته
پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا پوست انار از هر یک دو درم
کوفته و بیخته باب بادروج یا اب لسان الحمل بسرشته فتیله را
بدان تر سازند و در بینی نهند فتیله که کند بینی ببرد صفته مر
پوست انار ترش از هر یک دو درم قصب الذریره بزر البنج از
هر یک یک درم و نیم زاج قرنفل از هر یک یک درم فتیله را در شراب تر
کنند

دو دارو ها کوفته و بیخته بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که ریش
بینی را نافع باشد صفته زاج سیاه و شب یمانی مازوی محرق از هر یک
یک درم زراوند طویل شش درم کندر دوازده درم مجموع کوفته در دو من
آب بپزند و بپالایند و بجوشانند تا بقوام آید و فتیله بدان آلوده
کنند و در بینی نهند فتیله که جذام را نافع بود صفته سعد سنبل
گل سرخ قرنفل کوفته و بیخته باب فودنه بسرشند و در بینی نهند بعد از آنکه
بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند اگر شونیز را بریان
کنند و یک شبانه روز در سرکه کهنه خیسانند و با قدری دهن زیت در
بینی چکانند همین عمل کند فتیله که نافعست از جهت وجع گوش و ریم که از
گوش آید صفته انزروت و شحم و مر بعسل بسرشته فتیله را بدان چرب کنند
و در گوش نهند فتیله که گرانی گوش ببرد صفته انجیر سفید فربه انتخاب
و شحم و عسل از هر واحد [illegible] کنند و بوره و [illegible] خردل کوفته و بیخته بدان
بسرشند و فتیله سازند و در گوش نهند خردل انجیر کوفته در گوش
نهادن همین عمل کند فتیله که اخراج مشیمه کند و جنین مرده را بدر

آرد صفة زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف از هر یک جزوی کوفته و بیخته
با قطران سرشته و فرزجه بردارند فرزجه که همین عمل کند صفة تخم خبازی
خردل سفید مقل ازرق از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران سرشته
و فرزجه سازند فرزجه که مانع آبستنی گردد صفة تخم حنظل قوقی سرگین فیل
خردل حب تنقل استخوان زعرور مساوی کوفته و بیخته سیعه سایله
سرشته و به پشم پاره بردارند هرگز آبستن نشود و بچه بینداز و کیفراند
که هر زنی حبه از حب الغرقوع بلع کند تا یکسال آبستن نشود و اگر دو دانه
دو سال فرزجه که بچه مرده در زهدان بیندازد صفة اشنان فارسی
عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون از هر یک قدری کوفته و بیخته
بروغن زیت سرشته و استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی
معین باشد صفة سرگین بز کوهی مایه خرگوش از هر یک قدری کوفته
و بیخته بعسل گرم کرده سرشته و به پشم پاره فرزجه سازند فرزجه
که همین خاصیت دارد صفة مشک زعفران سوده بزهره گاو سرشته
و به پشم پاره استعمال نمایند فرزجه که همین منفعت دارد صفة

بابونه ارنی

مایه خرگوش دارچینی عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بیخته بگلاب سرشته
استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند صفة مامیران چینی سورنجان صبر
رازیانه زبد البحر از هر یک دانگی بشکر سرخ فرزجه سازند فرزجه که همین
نفع دارد صفة سیعه سایله جند بیدستر قسط بارزد جاوشیر مقل
مشک کوفته فرزجه سازند و بعد از چند روز و بعد از چهار ساعت مباشرت
نمایند فرزجه که همین عمل کند صفة مایه خرگوش سرگین [illegible] بعسل سرشته
به پشم پاره بردارند سه شب در شب چهارم مجامعت نمایند فرزجه
که بچه مرده را فرود آورد صفة مر جاوشیر خربق سفید مساوی کوفته
بزهره گاو سرشته و استعمال نمایند فرزجه که حیض را اندر آرد صفة اشنان
عاقرقرحا جاوشیر از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و بیخته بقطران
سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع حمل کند صفة بارزد حب الآس
کوفته و بیخته باب کرم سرشته فرزجه سازند و پیش از مجامعت استعمال
نمایند فرزجه که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود و ورم و صلابت رحم
را نرم کند صفة بابونه [illegible] مساوی [illegible] پاره

بردارند فرزجه که اورام را نافع بود صفت کندر انزروت دم الاخوین حب الآس
گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته باب لسان الحمل سرشته به پشم پاره
استعمال کنند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ کند و خوشبو گرداند
صفت بسباسه سنبل مرزنجوش قسط کندر صعتر اذخر گل خیری گل سرخ کوت
بیخ کبر ترمس مساوی کوفته و بیخته بآن سرشته و به پشم پاره بردارند
فرزجه که همین خاصیت دارد صفت نعناع اذخر سعد عود قرنفل از هر یک
یکدرم عنبر نیم درم مشک اکلیل الملک نیم دانگ کوفته و بیخته بگلاب سرشته و
به پشم پاره بردارند فرزجه که حکه رحم را بنشاند و آنرا منتنه الفا
کو بند نافع بود صفت سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب
قدری سرکه به پشم بپزند و به پشم پاره نخود برگیرد فرزجه که همین
منفعت دارد صفت زعفران کافور از هر یک دانگی مردارسنگ حب الغار
نیم درم کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ در روغن گل سرشته و فرزجه
سازند فرزجه که حیض ببندد صفت گلنار کندر مازو سرمه اقاقیا شب
یمانی کوفته و بیخته باب لسان الحمل سرشته و فرزجه سازند و بردارند

در پشت

در پشت عانه طلا کنند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت کاغذ
سوخته اقاقیا گلنار عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو و صندل کتان سوخته
مساوی کوفته و بیخته بسرکه سرشته استعمال نمایند فرزجه که
حیض براند صفت مر فودنه از هر یک چهار درم ابهل هشت درم سداب
ده درم مویز منقی بیست درم کوفته بزهره گاو سرشته فرزجه بردارند
فرزجه که ورم صلب رحم را نافع باشد صفت کندر بارزد از هر یک دو درم
زعفران جاوشیر اشق از هر یک یکدرم مصطکی جند بیدستر میعه سایله دهن
سوسن سه بطر روغن بابونه از هر یک سه درم صمغها را مجموع حل سازند
و سه را در روغن بگذارند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته و فرزجها
نمایند باب القاف قرص عنصل پیاز عنصل گوی که پسته بانند و در خمیر
گیرند و در تنور نهند تا پخته شود و بعد از آن مغز آنرا که نرم شده باشد
بگیرند و در هاون بکوبند و بوزن آن کرسنه اضافه نمایند و با قدری
شراب سرشته و دست را بروغن گل چرب کنند و قرص سازند
و بعد از دو ماه استعمال کنند قرص افعی بدانکه انواع افعی بسیارست

و آنکه در تریاق فاروق مستعمل است اشقر باید زیرا که سیاه سخت زهرناک
باشد و زهران بد بود و سفید ضعیف بود و اشقر معتدل بود و جوان بود و درست
باید و نشان جوانی آنست که حرکتهای او قوی باشد و سریع الحرکت بود
و نشان تندرستی و قوت آنست که سر او افراشته دارد و چشمهای
او سرخ بود و دلیر باشد و ماده باید زیرا که ماده ضعیف تر باشد و نشان
مادگی آنست که در دهان او چهار دندان باشد که از امتش دندان کوچک
از هر جانبی دو درازکی باشد و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال نزدیک بود و
دنبال او دراز نباشد و این امارگیران کلته ضم گویند و نیز باید که شکم او
صلب بود زیرا که صلابت علامت آن باشد که در تن او رطوبات
فضله کمتر است و سر بهن باید زیرا که سر بهن علامت قوت است و ماه
و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد و اگر بهار طبع
زمستان داشته باشد در آخر بهار باید یا در اول تابستان گرفت
تا قوی باشد و ماوای او در میان درختان نباید خاصه درخت بلوط
و آب نزدیک نباید و در زمین شوره نباید بلکه در صحرای پاکیزه باید

و بهتر آن باشد که در محلی که او را بگیرند بکشند تا اضطراب بسیار نکند
و خشم آلود نگردد و تشنه و بیمار نشود و کشتن او چنان باید که مقدار
چهار انگشت از سر و دنبال بریک ضرب ببرند از نیم به تیشه تیز چنانکه قطعا
هیچ پوست بروی نماند و بیک ضرب جدا شود زیرا که زهر در دهان
و جانب سر او باشد و فضلهای بد در دنبال و چون کشته باشند
نظر کنند که اگر خون بسیار رود و او دیرگاه حرکت کند نیک باشد و اگر زود
از حرکت فرو ایستد ضعیف باشد و بدین کار نیاید و آنکه شایسته
این کار باشد شکم او بشکافند و پوست او باز کنند و آن را با صافی
چند نوبت بشویند پس در آب صاف و اندکی نمک با چند شاخه چوب
شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت از استخوان جدا کنند
و بیندازند تا سرد شود و آب از وی پالایند و آن گوشت را با چهار
یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کرده بکوبند با آب که از آن
پالوده باشند سرشته شود و دست به روغن بلسان چرب
کرده اقراص سازند هر یکی مثقالی و در سایه خشک کنند چنانکه

مطلقا اثر نمی باشد و در ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که در محل تختن افعی
و کوفتن افعی و قرص ساختن بینی بگیرند تا بوی آن بدماغ نرسد
قرص اندروخورون مستعمل در تریاق فاروق و این نسخه حنین
ابن اسحق است صفته دار شیشعان قصب الذریره اسارون عود بلسان
خوه سلیخه مصطکی از هر یک شش مثقال نعناع اذخر زعفران از
هر یک دوازده مثقال دارچینی حماما از هر یک بیست و چهار مثقال
اقحوان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته و دست
را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند و در سایه خشک کنند
قرص قوفیون مستعمل در مثرودیطوس صفته مویز منقی چهار درم ذخر و
مر از هر یک دوازده درم دارچینی مقل اطفال اذخر و سنبل الطیب
رومی سلیخه اکلیل الملک سعد از هر یک سه درم قصب الذریره نه درم
زعفران یک درم قفر الیهود دو درم کوفته و بیخته بشراب انبر سرشته
و اقراص سازند قرص اندروخما که در مخلصه اکبر مستعمل است صفته
حماما دار شیشعان قسط قصب الذریره قرنفل فلفل ابیض نانخواه از

هر یک

هر یک سه مثقال نیم مثقال سنبل الطیب وج هندی از هر یک هفت
مثقال مر صاف دارچینی مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال
کوفته و بیخته بشراب صاف سرشته و اقراص سازند قرص یک مثقال در
سایه خشک کنند قرص کوکب معده ضعیف را قوت دهد و نگذارد
که فضول بان منصب شود و چون بر پیشانی طلا کنند صداع را نافع بود
و منع نزلات کند و چون با بارزد و بیامیزند و بر دندان کرم خورده نهند
درد ساکن کند و چون با آب مرزنجوش در گوش چکانند درد بنشاند
و نفث الدم و سیلان خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه
کهنه را سود دارد و تنهایی در ریشه ها نافع باشد و چون با آب سداب
بیاشامند جمیع زهرها و گزیدن جانوران را نافع باشد صفته مر جند
بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح از هر یک چهار درم
افیون زعفران قسط کوکب الارض زراوند طویل کندر از هر یک پنج درم
انیسون دوقو بسباسه بزر البنج میعه سائله تخم کرفس از هر یک
هشت درم صمغها را در شراب ریحانی حل کنند و داروها کوفته و بیخته

بآب سرشته کنند و اقراص سازند و قرص یکدرم در سایه خشک کنند قرص
طباشیر طین سرخ نفث و سینه و تبهای محرقه را نافع بود و طبع نرم
کند و تشنگی بنشاند صفته طباشیر سفید چهار درم ترنجبین سه درم
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو نشاسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از هر
یک یکدرم بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص طباشیر ممسک
تبهای صفراوی را نافع باشد و شکم ببندد و خون باز دارد و تشنگی
بنشاند صفته گل سرخ یازده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض
گل ارمنی از هر یک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقی از هر یک
هفت درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته و اقراص سازند
قرص طباشیر لؤلؤی مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال بسد
کهربا بیخ حرمن طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم خشخاش بریان
کرده نیمدرم کوفته بگلاب اقراص سازند قرص طباشیر کافوری
بنسخه معمول تب دق و سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفته
طباشیر گل سرخ صندل سفید مغز تخم خیارین و کاسنی کاهو خرفه

از هر یک یکمثقال کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص
سازند قرص کهربا خون رفتن از شکم باز دارد صفته کهربا بسد دو درم
ناسفته تخم خرفه از هر یک نیمدرم شاخ بزکوهی سوخته پوست بیضه محرق
صمغ عربی از هر یک سه درم گشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه
از هر یک شش درم ودع سوخته بزرالبنج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص گلنار خون باز دارد صفته
سائیده گل ارمنی صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ گلنار اقاقیا از
هر یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب آب گلنار اقراص سازند قرص
زرشک کبیر ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع بود
صفته عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک سه درم
گل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم تخم کشوث رب السوس
طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب عصاره غافث لک مغسول ریوند
چینی از هر یک دو درم زعفران نیمدرم کوفته و بیخته بآب ترنجبین سرشته
اقراص سازند قرص زرشک زرشک منقی یازده درم تخم خرفه

تخم کاسنی تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ پنجدرم ریوند چینی سنبل
از هر یک یکدرم بلعاب بذر قطونا اقراص سازند قرص زرشک عار
زرشک پنجدرم رب السوس یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه
تخم کاسنی از هر یکی دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربت دو
مثقال به سکنجبین و آب کاسنی و آب عنب الثعلب اقراص سازند
قرص ریوند درد معده و صلابت جگر و سپرز و تبهای کهنه را نافع باشد
صفة ریوند چینی شش درم فوه و لک مغسول منقی از هر یک سه درم تخم
کرفس انیسون عصاره غافث از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص
اقراص سازند قرص خشخاش ریش سینه و شش را نافع باشد
صفة گل سرخ صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته کثیرا انیسون
از هر یک دو درم زعفران نیم درم خشخاش سفید و سیاه از هر یک
سه درم طباشیر پنجدرم بآب اقراص سازند شربت یک مثقال با دو مثقال
شراب خشخاش قرص گل درد معده و تبهای بلغمی را سود دارد صفة
ورق گل سرخ شش درم رب السوس چهار درم سنبل الطیب

یکدرم

یکدرم طباشیر دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته و بیخته بمیفختج
سرشته قرص سازند قرص ورد بنسخه دیگر اقوی از اول صفة گل سرخ
ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین از هر یک چهار درم
مصطکی سنبل اسارون عود خام اذخر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب
اقراص سازند قرص ورد بنسخه دیگر بشطر الغب و تبهای مرکبه را نافع باشد
و معده را قوت دهد صفة گل سرخ اصل السوس از هر یک چهار درم
طباشیر سنبل افسنتین از هر یک دو درم زرشک سه درم بگلاب قرص سازند
قرص غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهن را
نافع باشد و سده بگشاید صفة عصاره غافث بیست درم سنبل دو درم
طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته بآب صاف بسرشته و اقراص سازند
قرص کاکنج قروح کلیه و مثانه و بول الدم را نافع باشد صفة مغز تخم
خیارین کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم
الاخوین کثیرا کندر از هر یک دو درم تخم کرفس دو درم افیون یکدرم
بآب صاف اقراص سازند شربتی یکدرم تا یکمثقال قرص مقل درم

معده را نافع باشد صفته گل سرخ ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران
مر از هر یک یکدرم قسط مغز بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم مصطکی دو درم
نیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته
بسرشند و اقراص سازند قرص کافوری یرقان و تب گرم سود
دارد صفته زرشک سنبل طباشیر گل سرخ از هر یک هفت درم تخم کاهو
تخم خرفه تخم کاسنی کثیرا از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو
از هر یک پنج درم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور یکدرم
بلعاب بذر قطونا اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین بزوری
قرص کافوری بنسخه دیگر تب دق و تب محرق را نافع باشد و
تشنگی بنشاند صفته طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنج درم
تخم کاسنی رب السوس صندل سفید از هر یک سه درم مغز تخم خربزه
مغز تخم کدو از هر یک هفت درم ترنجبین ده درم کافور نیم
مثقال بلعاب بذر قطونا اقراص سازند قرص شبرم استسقای
زقی را نافع باشد صفته شبرم هلیله بازو مساوی کوفته و بیخته قرص سازند

شربت دانگی با سکنجبین تدریجی افزایند قرص لک استسقای لحمی را
سود دارد و سده بگشاید صفته لک مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم
اسارون زراوند مدحرج خبطیا ناسنبل مصطکی تخم کرفس انیسون
انخواه اذخر اصل قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافث از هر یک
دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یکدرم شربتی یک مثقال قرص افسنتین درد معده
که از پس طعام پیدا شود سود دارد صفته افسنتین رومی تخم کرفس
انیسون از هر یک پنج درم سنبل هفت درم فلفل جند بیدستر افیون از هر
یک دو درم کوفته و بیخته بآب صاف اقراص سازند قرص افسنتین نسخه
دیگر حمیات بلغمی و عسر البول برودت معده و جگر را نافع باشد و سده طحال
و کبد بگشاید صفته افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی کوفته
بآب خالص بسرشند و اقراص سازند شربت یک مثقال قرص کبر اوجاع
طحال را نافع و سده بگشاید صفته پوست بیخ کبر اشق از هر یک چهار
درم زراوند طویل تخم خنکشت فلفل از هر یک شش درم اشق را در سرکه
کهنه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته در آن بسرشند و اقراص سازند

قرص انیسون تب بلغمی و جگر ضعیف را نافع بود صفته انیسون افسنتین
مغز بادام تلخ سنبل مصر از هر یک چهار درم عصاره غافث سادج
هندی اسارون از هر یک سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته بگلاب سرشته و اقراص سازند قرص ابرسا شربت
یکدرم با طبیخ افسنتین سپرز صلب را نرم سازد صفته ابرسا چهار
درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل کنند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بآن سرشته و اقراص سازند شربت دو درم
با سکنجبین قرص خنکشت سده و سپرز و جگر بگشاید صفته تخم خنکشت
تخم کاسنی تخم خرفه تخم مغز کدو مساوی کوفته بسکنجبین سرشته
و اقراص سازند شربت دو درم با سکنجبین قرص فوه طحال را نافع باشد
صفته فوه دوازده درم پوست بیخ کبر ابرسا زراوند طویل از هر یک
دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین سرشته و اقراص سازند و در طبیخ
انیسون استعمال نمایند قرص عود قی و هیضه باز دارد صفته عود
چهار درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربت دو درم قرص عود

بنوعی دیگر معده را قوت دهد و طعام را هضم کند و اشتها آورد صفته
قرنفل مصطکی از هر یک سه درم قاقله سنبل بسباسه از هر یک دو درم
عود خام قرفه پوست ترنج از هر یک نیم درم زعفران جوز بوا زنجبیل
دار فلفل از هر یک یکدرم قند سفید بوزن ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند
قرص کندر قی و هیضه باز دارد صفته کندر سه درم قرفه نیم درم کبابه
چینی قاقله سک از هر یک دو درم مشک کافور از هر یک دانگی قرنفل یکدرم
کوفته و بیخته قرص سازند شربتی یک مثقال با ده درم شراب نار منعنع قرص
سک قی و هیضه باز دارد و خواب آرد صفته قرنفل ده درم سک
قرفه راسن از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص
حب الآس اسهال و قی باز دارد صفته سماق حب الآس گلنار گل ارمنی
نشاسته بریان کرده بلوط از هر یک ده درم مقل یکدرم پوست انار
مازو از هر یک نیم درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با آب
سیب قرص که قی بلغمی سوداوی باز دارد و معده را قوت دهد
صفته پوست بیرون پسته گل سرخ از هر یک چهار درم عود خام

مصطکی از هریک سه درم سک یکدرم کوفته و بیخته با آب سیب قرص سازند
شربت یکمثقال **قرص سبه** فی الدم را نافع باشد **صفته** نشا مغسول
ده درم کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی از هریک چهار درم کثیرا گل مختوم
از هریک سه درم دار چینی یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربتی یکمثقال لشراب انجبار **قرص سبه** قریب المنفعت است
بقرص سبه **صفته** سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول دم الاخوین
از هریک سه درم گلنار و مازو از هریک دو درم شاخ بز کوهی محرق اقاقیا
از هریک دو درم لادن زعفران از هریک نیمدرم بسیاد شان
یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو درم
قرص الطین قرحه مثانه و بول الدم را نافع باشد **صفته** گل مختوم
طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ فارسی تخم خرفه مغز تخم خربزه مغز تخم
خیارین مساوی کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته اقراص سازند
قرص سنبل درم صلابت جگر و معده را نافع باشد **صفته** سنبل
فقاع اذخر سلیخه ریوند چینی قصب الذریره از هریک سه درم زعفران

افیون

افیون مر قسط تخم فلفل از هریک یکدرم مقل مصطکی از هریک دو درم
اشق نیمدرم اشق و مقل را در شراب حل کنند و داروهای دیگر کوفته
و بیخته با آن سرشته قرص سازند شربت دو درم در درم معده با
شلث از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند **قرص کزمازج** ترکیب
جالینوس است ورم صلابت جگر را نافع **صفته** کزمازج چهار مثقال فلفل
سفید اسارون اشق از هریک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کرده
داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن سرشته و اقراص سازند شربت
یکمثقال با سکنجبین **قرص کهربا** به نسخه دیگر بول الدم را نافع باشد **صفته**
کهربا صمغ عربی نشاسته کثیرا مغز تخم کدو از هریک سه درم گلنار
اقاقیا از هریک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا سرشته
اقراص سازند شربتی دو درم بشیره تخم خرفه **قرص شب یمانی** همان خاصیت
دارد **صفته** شب یمانی شاخ گوزن محرق کثیرا گل ارمنی گلنار تخم
خرفه مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه اقراص سازند **قرص شب
یمانی نوع دیگر** شب یمانی دم الاخوین گلنار از هریک سه درم صمغ

عربی دو درم کوفته وبیخته با آب خرفه اقراص سازند و با شراب حب الآس
بدهند قرص زوری جرب مثانه را نافع باشد مغز تخم خربزه سه
درم مغز تخم خیار پنج درم مغز تخم کدو و تخم خطمی مغز بادام شیرین
کتیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از
هر یک دو درم بذر البنج یک درم کوفته وبیخته اقراص سازند و با شراب
بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع باشد صفته بنفشه مغز
بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار کشنیز گل سرخ از هر یک
پنج درم رب السوس گل ارمنی نشاسته از هر یک سه درم مصطکی
یک مثقال سنبل یک درم کوفته وبیخته اقراص سازند شربت یک مثقال
قرص بنفشه بنسخه دیگر چون با تب سرفه قبض طبیعت باشد نافع بود
صفته بنفشه ده درم ترید سفید پنج درم رب السوس سه درم گل سرخ
پنج درم نیم سقمونیا سه درم مصطکی یک درم و نیم شربت یک مثقال بجلاب
دهند قرص غاریقون سدد غلیظ را بگدازد صفته غاریقون گل سرخ
از هر یک پنج درم طباشیر یک مثقال و نیم کوفته وبیخته قرص سازند شربت

سه درم

سه درم با گلقند قرص [illegible] که دشواری وضع حمل را آسان کند و
بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون آورد صفته مرجان شیر از
هر یک یک درم حلتیت چهار درم مجموع یک شربت است با آب سداب
یا طبیخ حلبه دهند و بخور آنها همین عمل کند قرص [illegible] که قی الدم
را نافع بود صفته اقاقیا تخم گل افیون بذر البنج گل ارمنی گلنار صمغ عربی
مساوی کوفته وبیخته با آب خرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال با رب به
یا رب سیب قرص کهربا بنسخه دیگر اسهال دموی و افراط خون کو آید
و حیض را نافع بود صفته خشخاش کهربا مصطکی از هر یکی دو درم زعفران
دو درم کوفته با لعاب بذر قطونا اقراص سازند قرص حابس معده را قوت
دهد و قی و اسهال باز دارد صفته گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز خشک
بریان کرده از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی بذر یک مثقال
کوفته وبیخته بگلاب اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص کک بنسخه
دیگر صفته لک مغسول فوه تخم کرفس عنب الثعلب از هر یک یک درم رازیانه
افیون دو قوا از هر یک یک مثقال تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم

کوفته و بیخته اقراص سازند قرص مبارک تب دق محرقه و تبهای حاره و
یرقان را نافع باشد و تشنگی نشاند صفته گل سرخ ترنجبین از هر یک
پنجدرم طباشیر مغز تخم خیارین از هر یک دو درم و نیم کاهو سه درم و نیم
مغز تخم کدو دو درم رب السوس یک مثقال کافور دانگی و نیم کوفته اقراص
سازند قرص انجبار اسهال معوی سادا و افراط طمث و قی الدم را نافع باشد
صفته بیخ انجبار چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک
سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی اسبد طباشیر رب السوس از هر یک
دو درم اقاقیا یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب مورد قرص سازند
قرصی که استسقا را نافع است صفته گل سرخ سه درم عود سنبل
مصطکی سلیخه نقاع اذخر دارچینی افسنتین از هر یک یکدرم کوفته و
بیخته اقراص سازند قرصی که همین خاصیت دارد صفته مغز بادام
تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون مساوی کوفته و بیخته
قرص سازند قرص باذاورد تخم کرفس انیسون دارچینی از هر یک شش
درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم فلفل مر افیون جندبیدستر

از هر یک

از هر یک دو درم آب خالص اقراص سازند شربت یک مثقال قرصی که فواق
استلامی را نافع است صفته قسط ملح صبر سقوطری اذخر تمام فودنه کوهی
نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هر یک یکدرم افیون
دانگی و نیم گل سرخ چهار درم کوفته و بیخته بشراب سرشته قرص سازند خون
شکم و زخم و نفث الدم را نافع باشد قرص جبر گل مختوم گل ارمنی
طباشیر طراثیث بلوط ازوکنار رب الاس از هر یک دو درم تخم حماض
بری صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر یک
سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک درمی زرد زیره کرمانی در سرکه
خیسانند و بریان کرده از هر یک مثقالی کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا
قرص سازند قرص سرطان سل و دق و نفث الدم را نافع باشد صفته
گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هر یک شش درم سرطان نهری
ده درم کثیرا اشادخ مغسول از هر یک پنجدرم رب السوس سه درم
تخم کرفس سماق از هر یک یکدرم بازو زیره کرمانی در سرکه خیسانیده
کوفته و بیخته با آب لسان الحمل اقراص سازند قرص سل تخم خیارین ده

درم تخم خرفه اصل السوس از هریک چهار درم طباشیر سرطان محرق از هریک
دو درم نشاسته کثیرا از هریک یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بذر قطونا
سرشته قرص سازند شربتی یکمثقال قرصی که اسهال و سعال و نفث الدم
را نافع باشد صفته تخم حماض بریان کرده زرشک منقی نشاسته طباشیر
حب الآس شاه بلوط از هریک پنجدرم زعفران یکدرم گل مختوم صمغ عربی
از هریک ده درم کهربا سب از هریک سه درم کوفته و بیخته باب خالص
حب سازند شربت دو درم قرصی که فلج قدیم را نافع باشد صفته رب
السوس صمغ عربی نشاسته مغز تخم کدو از هریک دو مثقال الزرنب
مربی ریوند چینی از هریک یکمثقال مغز بادام سه مثقال بلعاب بذر قطونا
ولعاب بذر سرشته قرص سازند شربت دو مثقال قرص مشک نسخه
محمد ذکریاست معده و دل و جگر را نافعست صفته مصطکی قرنفل عود
دارچینی سنبل مشک جوز بوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله از هریک
یکمثقال مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب یکانی سرشته اقراص
سازند شربت یکمثقال قرص دیانیطیس نسخه ثابت قره طب الاس

تخم

تخم حماض مقشر از هریک دو درم صمغ عربی نشاسته از هریک یکدرم کوفته
و بیخته بلعاب بذر قطونا اقراص سازند شربت دو درم قرص
دیانیطس به نسخه دیگر صفته طباشیر رب السوس از هریک دو درم
تخم کاهو هفت درم تخم خرفه پانزده درم گل سرخ کشنیز خشک
از هریک پنجدرم اقاقیا صندل سفید گل ارمنی گلنار دو درم کافور نیمدرم
کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربت سه درم باب انار ترش
قرص نفث الدم کندر دم الاخوین گلنار از هریک دو درم شب یمانی دو
درم نیم افیون دارچینی از هریک دو درم تخم بنج را ده قرص سازند
شربتی یکعدد باب خرفه قرص مروارید دل و دماغ را قوت دهد و یرقان
و خفقان حار را نافع باشد صفته گل سرخ دو درم طباشیر مروارید
ناسفته سبد صندل سفید از هریک یکدرم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
از هریک پنجدرم تخم خرفه سه درم زعفران نیمدرم کوفته بلعاب بذر قطونا
قرص سازند شربت یکمثقال با سکنجبین قرصی که تب صداع و
سرسام را نافع است و تشنگی بنشاند و خواب آرد و هذیان

دفع کند صفته مغز تخم خیارین مغز تخم کدو تخم کاهو از هریک دو درم
رب السوس نشاسته کتیرا افیون از هریک سه درم کوفته بآب کاهو
یا لعاب بذر قطونا قرص سازند شربت یکعدد یا دو عدد قرص قوّات
الصدر رب السوس ده درم بنفشه ده درم نشاسته کتیرا تخم خطمی
رازیانه از هریک سه درم کوفته و بیخته بلعاب برگ و بذر قطونا و بهدانه
سرشته قرص سازند شربت سه درم بشراب بنفشه قرص فواق
مغص و فواق امتلائی را نافع است صفته کندر پنجدرم راسن
فودنه سداب نمام از هریک درم صعتر نانخواه سعد از هریک
درمی و نیم بگلاب قرص سازند شربت یکمثقال بطبیخ زیره قرص فربیون
استسقای زقی حار را نافع باشد صفته تخم کاسنی ده درم مازریون
غاریقون عصاره غافث از هریک دو درم و نیم کوفته و بیخته
مجموع را ده قرص سازند و هر روز یک قرص بدهند قرص استسقای
حار و فساد جگر و سپرز را که با اسهال بود نافع باشد صفته طباشیر گل سرخ
گلنار زرشک سماق گزمازج تخم حماض تخم کاسنی کشنیز خشک

تخم خرفه از هریک یکدرم سعد فقاع اذخر افیون سنبل ریوند ایک پوست بیخ
کبر افیون از هریک پنجدرم کافور دانگی کوفته و بیخته قرص سازند شربت
سه درم قرص افیون قولنج ریحی را تاصل نماید صفته تربد افتیمون
از هریک ده درم سکبینج پنجدرم کوفته و بیخته قرص سازند و هر روز یکقرص
بکار الاصول بدهند قرص کمافیت زحیر را که با آن ریاح و قراقر باشد
و حرارت نباشد صفته بذر البنج شبت رازیانه از هریک پنجدرم نانخواه
دو درم و نیم افیون سه درم تخم کرفس دو درم کوفته و بیخته اقراص سازند
شربت یکمثقال قرص خرنوب اسهال دموی و غیر دموی را نافع است
صفته مازو خرنوب گزمازج گلنار از هریک یکجزو افیون صمغ عربی از
هریک نیم جزو کوفته و بیخته اقراص سازند شربت دو درم رب به قرص
افیون اسهال با فراط حرارت را نافع باشد صفته طباشیر گل سرخ
تخم کاهو تخم خرفه تخم سماق از هریک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم
کافور دانگی بآب خالص قرص سازند شربت یکدرم قرص آس
اسهال مفرط را نافع باشد صفته حب الاس ده درم برگ مورد

مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم رب السوس صمغ عربی از هر یک یک درم و نیم
کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی سه درم **قرصی** که بول الدم را نافع
باشد **صفته** مغز تخم کرفس دو درم کوفته اقراص سازند شربتی دو درم با
خشخاش **قرص مر** که حیض براند و تسهیل ولادت کند **صفته** مر سه درم
ترمس پنج درم سداب فودنه قردمانا شکاع اشنه فوه جلتیت
جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی دو درم
بطبیخ ابهل **قرص عشر الادویه** تب ربع و وجع کبد و ترهل را نافع
باشد **صفته** انیسون عصاره غافث از هر یک چهار درم اسارون
ساذج هندی افسنتین تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی
از هر یک یک درم صبر دو درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قرص
سازند شربتی یک درم بآب گرم **قرص منوم حار** تخم شبت دو درم زعفران
بذر البنج سعه از هر یک یک دانگ افیون یک طسوج کوفته و بیخته بلعاب حلبه
قرص سازند شربتی یک مثقال **قرص منوم بارد** تخم کاهو خشخاش باقلا
مقشر تخم خرفه کاکنج از هر یک یک درم افیون یک طسوج کوفته و بیخته

بلعاب

بلعاب بذر قطونا قرص سازند **قرصی** که نافعست از جهة افراط خون که از سر
صفته مرجان کهربا ودع سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله سیاه
بلیلا آمله از هر یک پنج درم نخسه کنند تا سه درم مقل و دو درم در آب کنند تا
نشسته حل کنند دواها کوفته و بیخته با آن بسرشند و قرص سازند
شربتی سه درم با دو درم آب آهنگری **قرصی** که قی و سعفه باز دارد و طبع
ببندد و خواب آرد **صفته** سک قرنفل از هر یک دو درم کزمازج کوبت
انار مازو از هر یک پنج درم افیون داکی کوفته و بیخته برب به سرشته
و قرص سازند شربتی یک درم و نیم **قرص سعفه** زرد چوبه مغز بادام تلخ
از هر یک یک جزو مقل بادر سرکه کهنه خیسانند سه روز متوالی زرد چوبه و مغز
بادام تلخ را کوفته در اخل نمایند و با یکدیگر نیک صلایه کنند و اقراص
سازند و در وقت حاجت بآب کاسنی بسایند و طلا کنند
قرص افیون مثلث صداع شقیقه و سر را نافع بود چون بر پیشانی
طلا کنند **صفته** افیون مصری مرمکی لادن کافور زعفران بذر
البنج پوست بیخ لفاح از هر یک پنج درم کندر انزروت آمله گل ارمنی

از هر یک ده درم کوفته وبیخته بگلاب آب کاهو سرشته اقراص سازند
سه پهلو تا از اقراص دیگر ممتاز باشد و در وقت حاجت استعمال نمایند
قرص زرنیخ آنکه دهن و لثه را نافع باشد و عفونت دفع کند صفته زرنیخ
زرد و سرخ و آهک نزده مازو از هر یک ده درم شب یمانی اقاقیا کندر
از هر یک یکدرم زنگار قلقطار از هر یک پنجدرم کوفته در سرکه خیسانند و یک
هفته در آفتاب بگذارند و بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک
کنند و در وقت احتیاج و اندکی از آن بلثه و دهن پاشند و یکساعت
بگذارند و بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه دارند قرادرج
بعد از آن که سبل جیده باشد استعمال نماید صفته نوشادر
مس سوخته از هر یک دو درم توتیا دوازده درم کوفته وبیخته بزرده
مرغ بسرشند و در پوست تخم مرغ کنند و در گل حکمت گیرند
و در کوزه فخاری بگذارند تا پخته شود و بعد از آن صلایه کرده استعمال
نمایند قطوری که نافعست از جهت قرحه گوش و چرک گوش پاک کند
صفته انزروت صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر مر

زنگار

زنگار خبث الحدید کوفته وبیخته بسرکه در گوش چکانند بعد از آنکه چند نوبت
بماء العسل چکانیده باشند و فتیله را بدان تر سازند و بادویه مذکوره گردانند
و در گوش نهند قطوری درد گوش که از گرمی باشد ساکن کند صفته روغن
گل و سرکه از هر یک شش درم با آتش نرم بپزند چندانکه سرکه برود و روغن
بماند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که طنین و گرانی گوش ببرد
صفته کندر زعفران افیون جند بیدستر خربق سفید مر از هر یک یکدرم
نطرون بوره از هر یک دو درم و نیم کوفته وبیخته در شراب حل کرده
بچکانند قطوری که کرم گوش را بکشد صفته آب برگ شفتالو برگ ترب
از هر یک پنجدرم خربق سفید بوره ارمنی از هر یک یکدرم و نیم سقمونیا افسنتین
زراوند از هر یک یکدرم و نیم کوفته وبیخته با آب مذکور بیامیزند و در
آفتاب نهند تا خشک شود و بعد از آن بسایند و در گوش چکانند
قطوری درد گوش که از سردی باشد ساکن گرداند صفته افیون جند
بیدستر از هر یک دو درم در دهن مستفتح بپزند تا بقوام آید در روغن
سوسن حل کنند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که طرش را نافع باشد

صفت خربق سفید یکمثقال جند بیدستر یکمثقال نطرون دانکی کوفته و
بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند باب سرکین خر تازه در گوش چکانند
یا آب ترب با عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد گوش
را نافع باشد صفت افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم روغن گل
چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر مخلوط ساخته نیمدرم در گوش چکانند
قطوری که همین خاصیت دارد صفت زهره گاو تازه و دو مثقال روغن
خیری و دو مثقال بجوشانند تا تری زهره برود و روغن بماند و قطره
در گوش چکانند قطوری که درد گوش بار دبرد صفت سیر کوفته
با زهره گوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که
نافعست از جهة آب که در گوش رفته باشد صفت آب ترب
با زیت بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که گرانی گوش را ببرد
صفت شحم حنظل سه درم بوره ارمنی یکدرم جندبیدستر زراوند قسط
فرفیون افسنتین از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته
و گلولها کنند و در وقت حاجت یکی از آن بروغن بادام تلخ بسایند

و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که شب کوری ببرد صفت آب سداب
و آب گشنیز مساوی بجوشانند تا به نیمه آید دو سه نوبت در گوش چکانند
قطوری که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را نافع باشد صفت
سفیداب کندر انزروت صمغ عربی نشاسته دم الاخوین مساوی
کوفته گلولها سازند و در وقت حاجت یکی از آن بشیر دختران بسایند
و بچکانند قطوری که دوی وطنین گرانی گوش را نافع باشد صفت شحم حنظل
یکدرم بوره ارمنی نیمدرم جندبیدستر زراوند مدحرج از هر یک یکدرم
عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته
بزهره گاو سرشته و گلولها سازند و در وقت حاجت بروغن بادام
دو قطره در گوش چکانند باب الکاف کلکلانج بزوری استسقای
برودت معده و تبهای کهن سرفه بلغمی و ضیق النفس و قولنج و صرع
طحال و سلعه [illegible] و بهق و جهت خناق رحم را سود دارد و بول بگشاید
صفت [illegible] پوست بلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم قلقل
دار فلفل زنجبیل تلغلوبه نمک هندی سرخ نمک هندی سیاه

نمک اندرانی نمک طبرزد نمک خمیر لسان العصافیر شطرج هندی سعد خیر
بواقرفه قرنفل صعتر زنک کابل مقشر شونیز حب البلبل زیره کرمانی ساج
هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هریک پنجدرم زبد سفید صد و پنجاه درم
فلوس خیارشنبر ده درم مویز منقی نیم من شیره اطلیمن مویزد
آطه را در شش من آب بخیزند تا بده من آید و بپالایند و خیارشنبر
دران حل کنند و سه من فانید هم دران آب بگذارند و نیم من روغن
کنجد بان بیامیزند و بجوشانند تا بقوام آید و داروهای دیگر را کوفته و بیخته
بان لسرشنند شربتی پنجدرم با شیرخشت یا آب عنب الثعلب
ککلانج بارد استسقای حار را نافع باشد صفه مازریون مدبر غاریقون
مغز پوست هلیله زرد از هریک پنجدرم عصاره افسنتین سه درم
پنج سوسن گل سرخ تخم کاسنی مغز تخم خربزه رب السوس
از هریک دو درم ترنجبین فلوس خیارشنبر و فانید سجزی از هریک یازده
درم صاف کرده بقوام آرند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بان سرشنند
شربت دو درم تا چهار درم ککلانج حار نافعست استسقای

را که

را که باد حرارت نباشد صفه مازریون مدبر غاریقون پوست هلیله
زرد و بلیله پنج از هریک پنجدرم ایرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافث
سنبل الطیب از هریک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربت سه درم تا چهار درم کمونی که برودت معده و شهوت کلبی
و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق بلغمی و استسقای و فتق و قولنج ریحی را
نافع باشد و باه باشد کند صفه زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه
یازده درم زنجبیل سداب از هریک بیست درم بوره ارمنی پنجدرم
دارفلفل بیست مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه
رسمست شربتی یکمثقال کحل عراقی حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه
و سبل را نافعست صفه زعفران سنبل از هریک دو درم دار
فلفل یکدرم فانیذ سفید کافور از هریک دانگی و نیم نوشادر نیمدرم تا رو
سه درم کوفته و بیخته در چشم کشند کحل دیگر که همین خاصیت دارد
صفه شادنج مغسول دو درم دم الاخوین ساذج هندی سنبل دار
فلفل از هریک یکدرم بارزد یکدرم قاقله مشک از هریک یکدانگ کافور

نیمدانگ کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند **کحل الجواهر دیگر** توتیای
اسعدی توتیای کرمانی طباشیر فیروزه یاقوت هر لون که باشد مرجان سرخ
و سفید سرطان بحری [illegible] ساذج هندی مامیران چینی دار فلفل
سنبل هلیله زرد آمله اشنه نمک هندی قرنفل سرمه صفاهانی از هر یک
یکدرم شیاف مامیثا مارقشیشا نقره از هر یک نیمدرم تصعید نموده
بطریق معهود پس بمیل با زر سرخ در چشم کشند گردو گفته اند
باید که سرمه نیم من و تمام اجزا نیم من که اصل سرمه است **کحل دمعه**
توتیای مغسول ده درم هلیله زرد و صبر از هر یک چهار درم دار فلفل
نیمدرم دار فلفل یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند **کحل الجواهر**
بصر را قوت دهد و تیز گرداند **صفته** سرمه اصفهانی هفت درم
مارقشیشا پنجدرم اقلیمیا طلا دوازده درم مروارید ناسفته
سه درم زعفران نیمدرم ساذج هندی دو درم صلایه کرده استعمال
کنند و در چشم کشند **کحل الجواهر** بنسخه دیگر **صفته** سرمه شش درم
توتیا چهار درم [illegible] مارقشیشا از هر یک دو درم مروارید ناسفته

هفت

هفت درم ساذج هندی یکدرم مشک یک طسوج صلایه کرده چنانکه
رسم است استعمال نمایند **کحل الجواهر نوع دیگر** سرمه اصفهانی
توتیای هندی از هر یک ده درم مارقشیشا مرجان سرخ دهانه فرنگ
عقیق سرخ طلا و نقره مامیران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیا
طلا و نقره روی سوخته از هر یک چهار درم مرجان بحری مروارید ناسفته
ساذج هندی از هر یک شش درم یاقوت سرخ لاجورد شسته
زعفران توبال مس سوخته از هر یک ده درم صلایه کرده استعمال
نمایند **کحل روشنایی** نافعست از جهت ضعف بصر و شبکوری **صفته**
مس سوخته شادنج مغسول از هر یک پنجدرم زنگار نوره ارمنی صبر
سقوطری از هر یک یکدرم اقلیمیا دو درم صلایه کرده استعمال نمایند
کحل عزیزی بصر را تیز کند و تاریکی چشم ببرد و دمعه و سبل را
نافع باشد **صفته** سرمه اصفهانی توتیای هندی مس سوخته از
هر یک دو درم پوست هلیله زرد ساذج هندی قرنفل نوشادر صبر
سقوطری حضض مکی زعفران سرطان بحری از هر یک یکدرم زنجبیل

نیم درم کافور نیم دانک مشک سه حبه قرنفل دو دانک صلایه کرده در چشم
کشند **کحل ازو** بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را
سود دارد **صفته** شادنج مغسول ساذج هندی از هر یک یکدرم دار
فلفل دم الاخوین از هر یک نیم درم روی سوخته زر و از هر یک یکدرم
قاقله مشک از هر یک دانکی کافور یکطسوج کوفته و بیخته بدان اکتحال نماید
کحلی که بیاض و آثار قروح از چشم ببرد و شعیره را نافع بود **صفته** زبد
البحر اقلیمیا نقره سفیداب ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم
سنبل مرواریدنا سفته از هر یک دو درم صمغ عربی کثیرا انزروت الذهب
نشاسته بسنجفونیا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند
کحلی که بیاض و آثار قروح و نزول آب را نافع باشد **صفته** زهره بز کوهی
ده درم تخم حنظل کمشقال فرفیون نوشادر از هر یک نیم مثقال سکبینج
نیم درم کوفته و بیخته باب رازیانه یا آب سداب بسرشند **کحلی**
که مژه برویاند **صفته** استخوان خرما سوخته پنج درم دخان کندر چهار
درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم لاجورد شسته ده درم

کوفته

کوفته و بیخته بر جفن کشند **کحل نفشجی** تاریکی چشم و دمعه
جرب و حکه را نافع باشد **صفته** شادنج مغسول دو درم دم الاخوین
دانکی روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک نیم درم ساذج
هندی زرد دانک قاقله مشک از هر یک دانکی کافور نیم دانک کوفته و بیخته
استعمال نمایند **کحلی** که صحت چشم آنگاه دارد **صفته** توتیا ده درم
شیاف مامیثا سه درم صبر سقوطری حضض یکی از هر یک یکدرم کافور
نیم دانک کوفته و بیخته با آب غوره یا آب سماق بسرشند و در سایه
خشک کنند و صبح و شام در چشم کشند **کحل مکت** کحل زرد
پاک چهار درم کوبند و بیزند و کیسه کاغذ و نیم من بکابوی آب کنند
و مدت میمالند تا حل شود و بعد از آن کحل را بر آن کنند و یک
چهار یک موی سر آدمی بمقراض چیده و چهار یک سرگین اسب بیخته
داخل کنند و نیک بمالند و هفت روز بآب تر میکنند و میسرشند
آنگاه و صلایه کنند و خشک گردانند و در وقت حاجت
آنمقدار که خواهند کوبند و باب بسرشند و استعمال نمایند

باب اللام لعوق سپستان سرفه و خشونت حلق را نافع باشد و سینه
را نرم کند و نفث را آسان گرداند و طبع را نرم کند صفه سپستان
دویست عدد مویز منقی چهل درم تلوس خیارشنبر یازده درم
در شش رطل آب بجوشانند تا به دو رطل آید و بدست بمالند و صاف
کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند لعوق زوفا
رطبه سرفه کهنه را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک
کند صفه زوفا خشک بیخ سوسن از هر یک بیست درم در سه
رطل آب بجوشانند تا رطلی آید صاف کنند و با رطلی قند
سفید بقوام آورند لعوق حب الرشاد سرفه بلغمی را نافع بود و سینه را
از اخلاط پاک کند صفه تخم تره تیزک ده درم اصل السوس چهار
درم انیسون رازیانه از هر یک سه درم مجموع نیم کوفته در دو
رطل آب بجوشانند تا رطلی آید صاف [illegible] با یک رطل عسل
صاف بقوام آورند لعوق بزر الکتان ر[illegible]ال مزمن را نافع بود
سینه را از اخلاط پاک کند و بر نفس اعانت دهد صفه بزرگ

بریان

بریان کرده سی درم قره مانا ده درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند
لعوق طباشیر سل و قرحه شش و سرفه حار را نافع باشد صفه نشاسته
کثیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز تخم جلغوزه
صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید شصت مثقال
کوفته و بیخته به روغن بادام و عسل سفید بسرشند و استعمال نمایند
لعوق حلبه لحوحه و غلظ صوت را نافع باشد و سینه را نرم کند
و نفس را ساکن کند صفه بزرگ ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هر یک
چهار درم کثیرا اصل السوس مغز جلغوزه نشاسته صمغ عربی
از هر یک دو درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق بادام
سرفه و خشونت حلق و صفرا را سود دارد صفه صمغ عربی کثیرا نشاسته
رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو و مغز بادام از هر یک
پنجدرم قند سفید [illegible] درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و
بروغن بادام [illegible]زند و لعوق نمایند لعوق رب السوس
سعال مزمن را نافع بود و صندل نخبه را از سینه دفع کند

و نفس را سودی دهد صفته رب السوس کتیرا بارزد مغز بادام از هر یک
مساوی کوفته بعسل صاف و روغن بادام سرشته شوند و بلیسند
لعوق اسقیل ربو و سعال مزمن را که با رطوبت باشد نافع بود صفته
پیاز عنصل مشوی پنج درم ایرسا دو درم فراسیون زوفا از
هر یک درمی کوفته بعسل مصفا سرشته شوند و لعوق سازند لعوقی که
سرفه خشک را نافع باشد و سینه را نرم کند صفته رب السوس
بهدانه مقشر از هر یک ده درم باقلا نشاسته کتیرا صمغ عربی
شحم حنظل تخم خطمی مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه
از هر یک پنج درم خشخاش دو درم مغز بادام مویز منقی از هر یک پنج
درم مویز را در روغن بادام سرخ کنند و ادویه دیگر کوفته و بیخته با آن
بیامیزند و با سکنجبین سرشته شوند و لعوق سازند لعوق خیارشنبر
به نسخه یحیی ابن ماسویه ورم حلق و تب و تشنگی و خشونت را
نافع بود صفته عناب پنجاه دانه سپستان صد دانه تخم خطمی ده
درم مویز منقی بیست و پنج درم بنفشه اصل السوس نیم کوفته از هر یک

پانزده

پانزده درم کتیرا نشاسته ده درم بزر قطونا بیست درم مجموع را در هفت
رطل آب بجوشانند تا ثلثی آید صاف کنند و پنج درم مغز خیارشنبر
در آن حل کنند دیگر باره صاف کنند و یک رطل سکنجبین و سی درم فانید
داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با روغن بنفشه یا بادام بلیسند
لعوق خشخاش سل و قرحه امعا و نزف دم و سرفه نفث الدم را نافع باشد
صفته پوست خشخاش سفید پنجاه درم در ده رطل آب بجوشانند تا
بیک رطل آید و یک رطل قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام عسل آید
بعد از آن رب السوس و مغز بادام و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم
کوفته با آن ممزوج سازند شربتی ده درم بلیسند لعوق خشخاش
به نسخه دیگر نزله گرم و فتق را نافع باشد صفته تخم خشخاش سفید ده درم
نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز بهدانه
شیرین از هر یک پنج درم کوفته بگلاب سرشته لعوق سازند
لعوق حب القرطم سینه را از اخلاط پاک کند صفته مغز بادام شیرین
ده درم مغز پسته ده دانه ده درم آرد باقلا پنج درم کرسنه فراسیون

از هر یک سه درم فانید شصت درم در آب بگذارند و بقوام آورند و
دار وهای دیگر را کوفته با آن بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه
لعوق کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفتش آب کرنب
پخته یکمن و نیم با نیم من عسل بپزند و بقوام آورند و بعد از آن مغز
جلغوزه و مغز پنبه دانه و آرد باقلا از هر یک ده درم بوزرک بریان
کرده و حلبه از هر یک پنجدرم مغز پسته پانزده درم کوفته با آن
بسرشند شربتی پنجدرم شیرخشت لعوق سیر سرفهٔ بلغمی را سود
دارد و دمه و رالشیخ و سینه را پاک کند صفتش سیر پاک کرده نیم من
در نیم من روغن گاو بپزند تا مهرا شود پس بکوبند و نیک بمالند
و با یکمن عسل صاف بقوام آورند لعوق جلغوزه درد سعال
مزمن و ضیق النفس را نافع باشد و سینه از اخلاط پاک سازد
صفتش مغز جلغوزه بیخ سوسن صمغ عربی کتیرا بزرک بریان کرده
و تخمهای بهدانه از هر یک سی و پنجدرم کوفته و بیخته با ده رطل عسل
و دو رطل روغن گاو بسرشند شربتی ملعقه لعوق صبیان چون

با شیرها در گلوی اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع باشد
صفتش صمغ عربی فانید از هر یک چهار درم مغز بهدانه یکدرم کوفته
با عسل بسرشند لعوق که ربو و ضیق النفس و سرفهٔ بلغمی را نافع باشد
صفتش بزرک بریان کرده کوفته ده درم با کشک جو روغن بادام
و پنجدرم عسل بسرشند و لعوق سازند لعوق که همین خاصیت دارد
صفتش مغز جلغوزه چهل درم مغز بادام چهل درم رب السوس پنج
درم بعسل بسرشند و بلیسند لعوق که شقیقه را نافع باشد صفتش
تخم کاهو از هر یک یکدرم بزرالبنج کتیرا از هر یک سه دانگ افیون نیم
دانگ کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و بر کاغذ کشند و بر شقیقه
چسبانند و در روز بسکین کند لطوخ که همین عمل کند صفتش زعفران
افیون دم الاخوین صمغ عربی سفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین
چسبانند لطوخ که همین خاصیت دارد صفتش تخم کاسنی تخم کاهو
از هر یک دو درم مرکیدرم حضض سه درم افیون نیمدرم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا سرشته برده و وصله کاغذ کشند و بر صدغین

لعوق کرنب همین خاصیت دارد صفتش مغز ... درم ... عسل ... لعوق سازند

حب سازند **فلونیا** که خواب آورد **صفت** تخم گل بنج لعاج از هر یک یک درم
افیون دانگی کافور دو دانگ کوفته و بیخته در ظرفی کنند و ببویند
لخلخه که منع عفونت کند و صداع را نافع باشد **صفت** صندل سفید
سائیده گشنیز خشک گلاب سرکه در ظرفی کنند و ببویند **لبوب**
کبیر گرده را گرم کند و قوی گرداند و منی بیفزاید و نشاط آورد
و باه را زیاده کند و دل و دماغ را قوت دهد و بدن فربه کرداند و رنگ را
نیکو گرداند و اعصاب را محکم کند و در امر مجامعت نظیر ندارد و گفته‌اند
هر که ده روز بدین مداومت کند هرگز نقوذ او ساقط نشود **صفت**
مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حبة الخضرا مغز گردکان مغز
جلغوزه مغز حب الصنوبر العظیم ماهی روبیان خولنجان شقاقل بهمن
سرخ بهمن سفید تودری سرخ و زرد زنجبیل کنجد مقشر دارچینی از
هر یک یک درم سنبل الطیب سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب
الفلفل تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم شبت تخم
بلسون لسان العصافیر دروج عقربی نرنجباد از هر یک سه درم

جوز بوا بسباسه دار فلفل از هر یک دو درم خصیة الثعلب چهل
تازه مغز گنجشک خشخاش از هر یک ده درم قضیب گاو دستوده سورنجان
بوزیدان نعناع خشک از هر یک چهار درم مایه شتر اعرابی زعفران
مصطکی از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال ورق طلا سی عدد
ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک تبتی نیم مثقال عسل
سه وزن ادویه بطریق معهود معجون سازند **لبوب صغیر** منی بیفزاید
و کلیه و مثانه قوی سازد و سنگ را نافع باشد و رنگ روی نیکو
گرداند و دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم سازد و در امر مجامعت
عظیم النفع است **صفت** مغز بادام مغز گردکان حب الخضرا مغز جلغوزه
مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته تازه چهل تازه حب قلقل خشخاش
سفید تودری کنجد مقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم اشبت تخم شلغم
بهمنین زنجبیل دار فلفل کبابه چینی قرفه دارچینی شقاقل خولنجان
تخم بلسون ساذج عسل سه وزن ادویه معجون سازند شربتی از سه
شربتی دو درم **لبوب الجم مشهور دیقوس** قریب المنفعت است

بتریاق فاروق لیکن تریاق در دفع سموم ازین انفع است و مقدار
شربتی در امراض مذکوره زیاده ازانست صفته زعفران غاریقون
دارچینی زنجبیل کتیرا از هر یک ده درم سنبل کندر خردل سفید عود بلسان
اسطوخودوس سیالیوس قسط کمافیطوس قنه علک البطم دار
فلفل عصاره لحیة التیس جند بیدستر ساذج هندی میعه جاوشیر
از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورنجان اسقوردیون
جعده دوقو اکلیل الملک حماما روغن بلسان حب بلسان
اقراص قوفیون مقل از هر یک هفت درم سداب دو درم اشق سنبل
رومی مصطکی صمغ عربی فطراسالیون قردمانا رازیانه افیون گل
سرخ مشکطرامشیع از هر یک پنج درم انیسون وج موسکبینج اسارون
از هر یک سه درم اقاقیا ماهی سقنقور هوفاریقون از هر یک چهار درم
نیم شراب ریحانی کهنه چندانکه صمغها دران حل کنند عسل مصفی دو وزن
ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
مخلصه اکبر صرع و دوار و صداع کهنه را و رعشه و فالج و تشنج

بلغمی

بلغمی را و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسواس و ربو بلغمی و قروح معا
و مغص ریحی و گرده و مثانه را نافع باشد و قی الدم را باز دارد و چون
با آب لسان الحمل دهند درد معده و سپرز را نافع باشد و چون با آب
رازیانه بنوشند تبهای کهنه را زایل گرداند و محلل اورام بود و دفع
سموم کند و چون بر قضیب طلا کنند انعوظ آورد صفته سلیخه اذخر
از هر یک دو اوقیه و نیم جند بیدستر مرمکی فطراسالیون از هر یک یازده
مثقال تخم کرفس ده اوقیه سیالیوس یک مثقال قسط دارچینی
اقراص اذخر اسقماسیعه سائله اسارون از هر یک شش مثقال
فلفل سفید دوازده مثقال سنبل هشت مثقال حماما زعفران
دارفلفل از هر یک چهار مثقال افیون انیسون از هر یکی ده مثقال
عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسم است و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شربتی از نیم مثقال و یک درم تا یک مثقال معجون خلاصه
و آنرا مادة الحیوة نیز گویند اعضا را قوت دهد و دهد وحشتها اورد و بلغم
را دفع کند و نسیان و سلس البول و درد پشت و درد گرده را نافع

مفاصل را نافع باشد و منی زیاده کند و باه را انگیزاند و ذکر را سخت کند
و دوا القوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند و بوی دهن خوش
کند و پیران و سرد مزاجان را موافق باشد صفه زنجبیل دارفلفل دارچینی
آمله بلیله شطرج هندی زراوند مدحرج خصیة الثعلب مغز جلغوزه
عرق بابونه از هر یک پنج درم مویز منقی تا سی پنج درم عسل صفی و مقابل
ادویه بطریق متعارف معجون سازند شربتی دو درم معجون جالینوس
گرده و مثانه سرد را گرم گرداند و سده بگشاید صفه فلفل سیاه و
سنبه حماما قسط سنبل الطیب قصب الذریره و ساذج هندی
زعفران تخم کرفس انیسون عاقرقرحا تخم انجره تخم سداب مساوی
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال بماء الاصول
و در آب بادیان و آب کرفس معجون ابو مسلم این معجون را فرماید
رس گویند همه دردها ساکن کند و تسکین کند صفه افیون بذر البنج
از هر یک دو مثقال فرفیون زعفران سنبل عاقرقرحا سورنجان
تا وده دارفلفل از هر یک پنج مثقال کوفته و بیخته بعسل کف گرفته

شربتی از دو دانگ تا نیم مثقال معجون زرباشه قولنج صعب را و ریاح کشد
صفه خیربوا قرفه ساذج هندی فلفل دارفلفل زنجبیل برنگ کابلی
قشر قرنفل از هر یک یک مثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم
مثقال تربد سفید سقمونیا از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل سرشته سازند شربتی دو درم معجون زبل که همین خاصیت دارد صفه
زبل الذئب چهار درم تربد پنج درم تخم کرفس انیسون از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم معجون تربدی
قولنج بگشاید و بلغم دفع کند و درد پشت را ساکن گرداند صفه سقمونیا
ده درم قاقله کبار و صغار زنجبیل دارچینی قرفه نارمشک قرنفل
فلفل از هر یک پنج درم شکر سرخ و تربد سفید از هر یک صد مثقال
عسل صفی بقدر حاجت باج معجون سازند شربتی دو درم معجون
لوزی صفرا و بلغم دفع کند صفه مغز کافینه مغز بادام سقمونیا از هر یک
ده درم زعفران درمی نبات سپید پنج درم گلاب بقدر دو رطل
کوفته بدان سرشته سازند شربتی یک مثقال معجون اسود زحیر و اسهال

کهن را سود دارد صفه افیون جندبیدستر میعه بزر البنج زعفران اسارون
تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته
بآب مورد یا آب معجون حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را
پاک کند صفه مغز تخم خربزه مغز تخم کدو حب الکاکنج از هر یکی پنج درم
حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم تا
سه درم معجون عقرب سنگ گرده و مثانه بریزاند و گزندگی عقرب را
بغایت نافع بود صفه عقرب محرق سه درم کاکنج پنج درم نیم جند
بیدستر چهار درم کوفته بعسل معجون سازند شربتی دو مثقال بآب کرفس
معجون کاکنج قرحه گرده و مثانه و بول الدم را نافع باشد صفه بزر
البنج تخم کرفس انیسون رازیانه از هر یکی هفت درم مغز چلغوزه بریان کرده
مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از هر یکی سه درم زعفران دو
درم و نیم کاکنج بیست و پنج عدد کثیرا چهار درم کوفته ببیزند شربتی
یکدرم با حب نقوع با ماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند
معجون سید المزاج لقوه و فالج و رعشه و برص و خدر را نافع با

صفه زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط وج عسل بلادر از هر یکی دو درم
حلتیت زراوند مدحرج خبطیا شیطرج هندی حب الغار جند
بیدستر خردل از هر یکی پنج درم با عسل صافی معجون سازند چنانکه رسم است
شربتی یک مثقال معجون حب الغار بنسخه محمد زکریا قولنج بلغمی و استسقاء
طبلی و جمیع امراض بلغمی که با آن حرارت نباشد نافع بود صفه سداب
خشک پنج درم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز صعتر کوهی فطراسالیون
مغز بادام تلخ فلفل فودنه دار فلفل وج زوفا حب الغار جند بیدستر
از هر یکی دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم صمغ را در شراب
حل سازند و داروها کوفته و بیخته داخل نمایند و بعسل بسرشند شربتی
دو مثقال معجون زراوند و آنرا معجون ربونز گویند از ترکیب محمد زکریا
ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد صفه زراوند مدحرج قردمانا فلفل
کرسنه تخم سپندان سفید مغز بادام تلخ الخره از هر یکی پنج درم رب
السوس پرسیاوشان زوفا از هر یکی دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربت سه درم بطبیخ زوفا معجون ابیل مواد بارده را نافع باشد

زنجبیل

وباد بها شکند صفته اسهال نخواه کنند وج وادر حبسی مساوی کوفته
بعسل معجون سازند شربت دو درم معجون سعال نافعست سرفه را
که بسبب آن رطوبت باشد صفته مغز جلغوزه سه درم مغز پسته پنج درم
مغز بادام مقشر رزک از هر یک ده درم فانید سی درم بطریق معهود
معجون سازند شربت مقابل یک گردکان معجون گل درد جگر را
نافع بود صفته گل سرخ چهار درم بیخ سوسن هفت درم ریوند چینی
کاک معقول از هر یک مثقال و نیم سلیخه زعفران از هر یک سه درم و نیم زعفران
را در سرکه حل کنند و دارو ها کوفته و بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل
سرشند معجون رحمت قولنج را در ساعت بگشاید صفته فلفل
دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان قرفه از هر یک ده
درم سقمونیا هفتاد درم عسل صد و چهل درم شربتی یک مثقال معجون
وج ابتدای نزول آب را نافع بود صفته وج کثیر اهلیلج زنجبیل
دار زیانه مساوی بعسل معجون سازند معجون لؤلؤی ترکیب جالینوس است
هفت منفعت دارد قضیب را سخت کند و ادعیه منی بگشاید

وشهوت

وشهوت زیاد کند و اعصاب را قوت دهد و در خون تغیر عظیم پیدا کند
و اغوطب یاد آورد و دستی برد و در دل ان بپیدا کند صفته
مروارید ناسفته بسد از هر یک یک درم فقاح اذخر سعد کرنج سلیخه
دارچینی اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی کتیرا از هر
یک نیم درم کوفته و بیخته با هم چندان عسل سرشند و در وقت خواب
زود یک جامعت بمثقال آب نیم گرم باشامند معجون دیگر که اعضا
رئیسه را قوت دهد و نشاط آورد و معده را قوت دهد و اشتها
آورد و رنگ سیاه گرداند و طعام را هضم کند صفته دارچینی سنبل
الطیب پوست بیرون پسته جوز بوا سعاث خولنجان بهمن سرخ
و سفید شقاقل و الدوست بلیلا درنجبویه گاوزبان از هر یک سه درم
مصطکی حل وزرنب زنجبیل قرنفل اسارون هندی کبابه توت
ترنج ریح رومی زرنباد صندل سفید حب القلقل انیسون نعناع
بسباسه بلیله سیاه بوزیدان زعفران ماه فرفین کهربا مروارید
صلابه کرده مرجان از هر یک دو درم سعد کوفی ورق گل سرخ از هر

یک چهار درم ماهی ربیان خصیة الثعلب تودری از هر یک پنجدرم
مشک تبتی نیم مثقال عنبر اشهب یک مثقال ورق طلا سی عدد ورق
نقره پنجاه عدد قند مناصفه نیم من معجون سازند چنانکه رسم است
معجون قطعی لتقطیر البول سرعت انزال را نافع باشد صفه علک
رومی کندر کلنار بلوط شونیز بزر الغب مساوی کوفته با دو مقدار
آن عسل بسرشند معجون کندری که همان خاصیت دارد صفه
علک رومی کندر کلنار بلوط کشنیز خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی
کرویا نانخواه از هر یک پنجدرم پوست بلیله بلیله سیاه پوست
بلیله زرد آمله مقشر از هر یک سه درم کوفته و بیخته با سه مقدار آن
عسل بسرشند شربت دو مثقال صباح و مسا بنوشند غذا
کباب قلیه مناسب است معجون شیرینی همان منفعت دارد صفه
کبابه چینی فوفل قرنفل خصیة الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک ده
درم با نیم من عسل معجون سازند شربت دو درم معجون زوری
در تقویت باه بی نظیر است صفه تخم کندر تخم شلغم تخم ترب

تخم

تخم باهیلون تخم اسپست تخم جرجیر مغز حلغوزه حب الفلفل مغز حب الزلم
بوزیدان قسط شیرین زنجبیل تودرین لسان العصافیر شقاقل بهمنین
دارفلفل حرف حلتیث ترفه مساوی کوفته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم در شیر تازه یا شراب نوشیرین معجون انفع این
معجون را از مفرحات و بعضی از تریاقات شمرده اند و منافع بسیار
دارد صفه قرنفل زنجبیل سنبل دارفلفل خیربوا قاقله کبار شیطرج
هندی لسان العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه مصطکی لسان الثور
خولنجان فرنجمشک مروارید ناسفته صندل سفید زرلوند مدحرج سلیخه
گل سرخ یاقوت رمانی بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم سادج
ششدرم پوست ترنج سه درم پوست بلیله یکدرم عنبر اشهب
زعفران از هر یک یکدرم و نیم مشک نیمدرم کوفته و بیخته بعسل
معجون کنند شربت یکدرم تا دو مثقال معجون لوس حافظه
را قوت دهد و نسیان را نافع باشد صفه بلادر افتیمون از
هر یک ده درم صبر زرد شصت مثقال غاریقون بیست و چهار

مثقال سلیخه وج زراوند مدحرج زعفران دارچینی از هر یک شش
درم قسط سداب فلفل سفید از هر یک هشت مثقال عسل سه چهار یک
بطریق معهود معجون سازند **معجون اسطمیخون** تباهی مزاج و درد
معده را سود دارد **صفت** قسط حماما سنبل سلیخه مصطکی از هر یک
دوازده درم زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس تخم شبت
انیسون نانخواه زیره کرمانی دوقو فطراسالیون کاشم اسارون
افسنتین انجدان فودنه نعناع از هر یک چهار درم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند **معجون قری** قولنج بگشاید **صفت** زنجبیل فلفل
سفید از هر یک بیست درم سقمونیا ده درم خرمای دانه بیرون کرده
مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم خرما را در سرکه خیسانیده
یک شبانه روز بکوبند داروها کوفته و بیخته به سه من عسل صاف
معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم **معجون خبطبانا** صلابت
سپرز و جگر و درد معده و گرده را نافع بود و سده بگشاید **صفت**
خبطبانای رومی فلفل سیاه از هر یک ده درم قسط سلج

مقل

مقل بوید چینی از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته با سه وزن عسل
بسرشند شربتی دو درم با آب سداب **معجون افسنتین** درد معده
و جگر که از سردی بود زایل کند و استسقا را نافع بود **صفت** انیسون
تخم کرفس افسنتین مغز بادام تلخ مساوی کوفته و با سه چندان عسل
بسرشند شربتی دو درم **معجون سنبل** معده و جگر را نافع باشد
صفت سنبل الطیب فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم
مویز منقی سلیخه از هر یک پنج درم زعفران مر انیسون از هر یک یک درم
فلفل سیاه مقل از هر یک دو درم مقل و مویز را در شراب حل کنند
و داروها را کوفته و بیخته بران بیامیزند و با عسل معجون سازند
معجون نافع سرفه و درد جگر و درد معده و سینه را سود دارد و
او از صافی کند و بول براند **صفت** مویز منقی بیست پنج درم زعفران
سنبل سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک یک درم قصب الذریره
فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک ده درم و نیم مر چهار درم انجره
حل کرده بیست در شراب حل کنند و آنچه کوفتنیست بکوبند و

و بهر زند و مجموع را بعسل مصفی بسرشند شربتی یکدرم بشراب ریحان
با آب گرم لسنو سیاه بنوشند **معجون تریاق الملک** مفاصل و نقرس و درد
سپرز و تبهای کهن و ضیق النفس و سرفه کهنه و ریش روده و تاریکی
چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند **صفته** خبطیانا رومی
اسطوخودوس قردمانا جاوشیر کمافیطوس تخم سداب افسنتین
اسقولوفندریون میعه سایله از هر یک پنجمثقال مر زعفران قسط فلفل
سفید اذخر سنبل فرفیون پوست بیخ لفاح اشق فودنه رازیانه
دوقو ورق گل سرخ ناردین حب بلسان از هر یک سه مثقال
زرفشت مثقال سلیخه شانزده مثقال عصاره غافث تخم
حنه قوقی صمغ عربی بادام از هر یک چهار درم افیون بزر البنج
سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم انجحل
کرو زیت در مثلث حل کنند و آنچه کوفتنی است بکوبند و با آن
ممزوج سازند و بعسل معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند **معجون قیصر** خفقان بارد را و صرع و درد معده که از سردی

باشد و فواق و استسقای را نافع است و سده بگشاید **صفته** جند بیدستر
رب السوس سلیخه قسط تلخ فلفل سفید و سیاه افیون میعه سایله
زعفران سنبل از هر یک سه درم جاوشیر یکدرم دروغ عاقرقرحا زرنباد
مروارید ناسفته از هر یک نیمدرم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی مقابل نخودی **معجونی** که از جهت ضعف معده
نافع است **صفته** طباشیر پوست سنبلدان از هر یک دو مثقال
گل سرخ سه درم نعناع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج
هلیله زرد از هر یک مثقالی بهمن سفید و سرخ صندل سفید و سرخ
کشنیز خشک کرده صعتر بریان کرده حب الآس از هر یک دو درم
کوفته و بیخته با شراب فواکه معجون سازند شربتی دو مثقال **معجون**
نجاح مسهل سودا و بلغم بود و امراض سودایی و بلغمی را نافع باشد
صفته هلیله سیاه پوست هلیله کابلی آمله مقشر افتیمون از هر یک
ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس تربد سفید از هر یک پنج مثقال
غاریقون سه درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم نیم سقمونیا

کوفته وبیخته با صد و پنجاه درم عسل بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت
مثقال **معجون خیارشنبر** مسهل صفرا و بلغم باشد **صفته** تربد سفید چهل
درم بنفشه سه درم نمک هندی رب السوس از هر یک هفت درم
رازیانه انیسون مصطکی از هر یک پنج درم سقمونیا ده درم عسل خیارشنبر
صد درم روغن بادام چهل درم قند و عسل از هر یک صد مثقال مغز
خیارشنبر در عسل و قند حل کنند و داروها کوفته وبیخته بروغن بادام
چرب کنند و در یکدیگر بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال
معجون سورنجان مسهل بلغم و صفرا باشد مخصوص بمفاصل و نقرس
و عرق النساست **صفته** سورنجان شش مثقال پوست هلیله
هفت درم تخم کرفس نمک هندی برگ حنا زبد البحر فلفل سفید
رازیانه صعتر از هر یک مثقال گل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک
از هر یک سه درم ماهی زهره زیره کرمانی پوست بیخ کبر شطرج هندی
بوزیدان از هر یک دو درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام چهار
درم و نیم عسل صافی صد و پنجاه درم شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال

معجون مشک درد جگر و ضعف معده را نافع باشد و سده بگشاید و ورام
صلبه را تحلیل دهد **صفته** مشک سلیخه سنبل ساذج هندی لک منقی
جنطیانا رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم کرفس مصطکی
از هر یک سه درم عود هندی مرو قرنفل از هر یک نیم مثقال کوفته وبیخته
با سه چندان عسل معجون سازند **معجون نانخواه** معده را پاک کند
و اشتهای طعام آرد و باه را قوت دهد **صفته** صعتر نانخواه
نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک سه مثقال جاشیر دو مثقال حب بلسان
رازیانه زنجبیل جوزبوا تخم کرفس از هر یک سه مثقال کوفته وبیخته
با سه چندان عسل بسرشند **معجون سلحی** درد پشت و درد پای
را نافع باشد و باه را قوت دهد و معده را سود دارد و پاک کند
و موی را او سفید کند و سرعت انزال را سود دارد **صفته** گل سرخ
سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران قاقلتین
جوزبوا مساوی قند و عسل مصفا بقدر حاجت قند را در گلاب
گداز کنند و با عسل بقوام آورند و داروها کوفته وبیخته با آن بسرشند

معجون خبث اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ بیفزاید و منی بار
کند صفت زعفران عاقرقرحا بذر البنج فرفیون خولنجان قاقله کبار دار
فلفل جند بیدستر مساوی کوفته و بیخته باسه چندان عسل بسرشند
معجون سیر لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر و بهق و برص را نافع
باشد و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت
بیفزاید و رنگ سرخ گرداند و حرارت غریزی را افروزد و سیر از نجاسات
مفید بود صفت سیر پاک کرده نیم من در یکمن آب بپزند تا مهرا شود و
سه چهار یک عسل سی درم روغن گاو بر سرش ریزند و با یکدیگر ممزوج
سازند و از آتش فرو گیرند و این دارو کوفته و بیخته با آن بسرشند
قرنفل جوز بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار هلیله کابلی دارچینی
زنجبیل از هریک سه درم عود خام زعفران از هریک نیم درم شقاقل
مقل زردکان معجون نمک هندی معده را پاک کند و بلغمی و سودایی
باز دارد و دوار بلغمی و سودایی را نافع باشد صفت هلیله سیاه
هلیله کابلی اسطوخودوس از هریک سه درم افتیمون چهار درم

نمک هند

نمک هندی ده درم ایارج فیقرا ده درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته
بسکنجبین بسرشند شربتی سه درم با آب گرم معجون قسط اوجاع کبد
و معده را نافع باشد صفت دارچینی سلیخه قسط از هریک سی درم افسنتین
انیسون ریوند چینی تخم کرفس از هریک ده درم اسارون نه درم زعفران
هشت درم فقاح اذخر مر از هریک پنج چهار درم مر را در شراب حل کنند
و ادویه دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعسل صاف معجون سازند
معجون خیری فالج و لقوه و استرخا و امراض بلغمی را نافع باشد و چون
عضو مفلوج و مسترخی طلا کنند نافع باشد صفت افیون فرفیون
جند بیدستر دارچینی دار فلفل سنبل بذر البنج زنجبیل زعفران
مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند معجون که نقرس بلغمی را دفع کند
صفت پوست هلیله زرد سورنجان عاقرقرحا از هریک پنج درم فلفل
سفید یک درم و نیم زیره کرمانی هفت درم راسن چهار درم زنجبیل
دو درم افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو مثقال معجون سکبینج قولنج را نافع باشد صفت سکبینج تخم کرفس

جندبیدستر از هر یک یک جزو سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در روغن بادام بسایند
و سکبینج را در عسل حل کنند و باقی دیگر بسایند و داروها کوفته و بیخته
بآن بسرشند شربتی سه مثقال معجون جلقوزه عسر البول را نافع باشد
صفته دو قوریوند صینی اذخر حب بلسان افیون سلیخه زعفران
دارچینی فطراسالیون کمافیطوس از هر یک سه درم مغز جلقوزه سی درم
نعناع خشک پنج درم کوفته بعسل بسرشند و بعضی بعوض شهد انیز کنند
کنند شربتی یک مثقال بماء العسل معجون نیقی شهوات دیه را دفع کند
و صداع را نافع باشد صفته ایارج فیقرا ده درم پوست بلیله
کابلی پوست بلیله آمله از هر یک ده درم ملح نبطی ده درم نیم کوفته
بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم در طبیخ فودنه
معجون فودنه درد معده و جگر و تبهای کهن را سود دارد صفته فودنه
کوهی فودنه دشتی فطراسالیون سیسالیوس از هر یک پنج درم
تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم کاشم پانزده درم فلفل
سیاه زنجبیل چهار درم و در بعضی نسخه‌ها بت و چهار درم با انگبین

معجون

صمغی بسرشند معجون مقل باد بواسیر و بادهایی که اندر رودها باشد
بشکند و اماس مقعد که خون آید سود دارد صفته بلیله کابلی پنج درم مقل
پنجاه درم مقل را در آب کنند تا حل شود و داروها بدان بسرشند شربتی
دو درم معجون ماسک البول کودکانی که ادرار بول را نافع باشد و سیلان
منی را باز دارد خاصه پیران را صفته اقاقیا گلنار از هر یک سه درم صندل
سرخ و سفید عدس سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی طباشیر از
هر یک دو درم تخم مورد دو مثقال کندر یک درم سوده و بیخته بجلاب بسرشند
شربتی از وی پنج درم غذا بریان و قلیه خشک تناول کنند معجون شلیثا
اسهال بلغمی را نافع باشد صفته افیون جندبیدستر میعه سائله بزر البنج زعفران
مر اسارون تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار
مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی نیم درم با رب
یا آب سرد یا آب سماق معجون منفث امراض صفراوی را نافع باشد
و سرفه دفع کند صفته بنفشه مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم کاسنی
سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو سلیخه از هر یک پنج درم کتیرا یک درم

اصل السوس یکدرم کوفته و بیخته تفنید و کلاب معجون سازند شربتی یکدرم
بجلاب گرم کرده **معجون اقراط** نسیان و مالیخولیا و صرع و بهق و برص
و اوجاع مفاصل و درد معده و دوا الحیه و دوا الثعلب و داء الفیل
و تقطیر البول سرفه کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر
و یرقان سددی و طحال را نافع باشد و دفع غائله سموم کند و دل را
قوت دهد و باه را زیاده کند و سنگ گرده و مثانه بریزد و حیض
بگشاید و بوی دهن و بوی عرق خوش کند و گرانی زبان ببرد و صداع
زایل کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی اسود و اورده و بسیار از نفعات
سفید بود **صفته** حنطیانا فرد مانا ر مشک بخم ز تخمشک حب الغار زراوند
طویل از هر یک یکمثقال انیسون جند بیدستر حب بلسان عود بلسان
سلیخه اسارون مصطکی از هر یک یکدرم مروج دردنج عقربی زرنباد
تخم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم کندنا از هر یک دو درم صبر
سقوطری ده درم تربد سفید بیست درم عود خام دوازده درم
جوز بوا ریوند چینی قرنفل قاقله بسباسه اشنه سنبل الطیب زعفران

منه ... دیوان ... نقل کرده
... الراوی ... و ... و ... واعلم
... الغیه و ... بجهت
... و زنول ...
... وران ... و ...
... جمع ... ند
... جمع ...

استقیل بریان کرده زرنب شطرج هندی فلنجه دارچینی از هر یک سه
درم ورق گل سرخ بادرنجبویه لک مغسول از هر یک پنجدرم سعد المحلب
از هر یک چهار درم هلیله سیاه پوست بلیله آمله از هر یک شش درم کوفته
و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کنند و با سه چندان عسل بسرشند
و در ظرف آبگینه کنند و شش ماه در میان جو نهند شربتی از دو درم
تا پنجدرم **معجون** **صفته** که نافع است از جهت درد معده که طعام را اتفی کند
اصول اذخر سعد ... یکدرم اشنه بلیله قلقل کندر نانخواه از هر یک
نیمدرم دانه مویز کنجی زنجبیل دارچینی فلنجه قرنفل از هر یک انگی و نیم
مصطکی عود خام از هر یک دو دانک قرنفل سیاه از هر یک انگی و نیم مویز
را بکوبند و قدری آب اضافه نمایند و شیره آن بگیرند و بجوشانند تا
غلیظ شود و ادویه دیگر را کوفته بیخته بدان بسرشند و هر روز
مثقالی بگلاب و اهم تناول فرمایند **معجون سیه** اسهال کند و اوزحیر را نافع
باشد **صفته** جند بیدستر اسارون سیعه سایله بذر البنج کندر
مساوی العسل معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم **معجون ...**

این معجون مشهدیان است و ترکیبی عجیب است و خواص بسیار دارد
فالج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان و عرق النساء و مفاصل بلغمی و
جمیع امراض بارده را نافع باشد و حفظ را زیاده کند و معده را قوت دهد
و باه را زیاده کند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند و مرارا
موافق باشد صفته زعفران فلفل دارفلفل شنجرف مغسول با لیمو
صلایه کرده کبابه چینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور سنبل سیاه
قرنفل دارچینی صندل زرد کرمانی سیاه دانه تخم خربزه تخم کاسنی
تخم خشخاش عاقرقرحا بهمنین هلیله سیاه کهربا مرجان مروارید
ناسفته لسان العصافیر تخم کرفس مغز پنبه دانه تخم تاتوره زهر گرفته
بریان کرده خطبیا نانخواه شترا عرابی زنجبیل مغز سر گنجشک مغز سر
خروس مغز کندر رومی بابونه موز بوا املة تا قله کبار بلیله شطرج
هندی انخواه جوز هندی بلبوب سلیخه سلبتو از هر یکی ده مثقال
اشترغاز مغز جلغوزه بهار کرده کان حب النیل هندی خصیه
الثعلب زرنباد رازیانه بلادر زهر گرفته تخم کجله زهر گرفته بریان کرده

افیون زراوند طویل بازعنصل زراوند مدحرج شاهتره از هر یکی پنج مثقال
عنبر خالص مشک تبتی از هر یک یکمثقال افیون مصری چهار مثقال ورق طلا
ورق نقره از هر یک پنجاه عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا
فولاد مکلس هر صد مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف معجون
سازند بعد از شش ماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد آنست که فولاد
جوهردار خالی از خاک بستانند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد
پنجاه مثقال گوگرد زرد صلایه کرده با آن ضم کنند و در طویل ریزند
و در کوزه نهند در آتش نهند چندانکه گوگرد تمام بسوزد و دود گوگرد بر
نیاید بعد از آن بیرون آورند و خوب صلایه کنند و باز پنجاه مثقال
دیگر گوگرد با او صلایه کنند بهمان طریق در بوته ریزند و در کوزه نهند
در آتش کنند تا گوگرد تمام بسوزد پس از بوته بیرون آورند و با آب سیر
سرکه کهنه گرفته صلایه کنند تا نیک صلایه شود بعد از آن
بشویند تا تلخی از او برود و پس با آب بشویند تا شیرین شود و بعد از آن
خشک کنند و با آب ترب صلایه کنند چندانکه چون آب بریزند

بته آب فرو نزد و تا نیم روز بر بالای آب ایستد **معجون خبث الحدید**

بسیاری بول که از سردی بود باز دارد **صفته** خبث الحدید ده درم قشور کنند و در سرکه خیسانیده باشند یک شبانه روز بس خشک کرده و کوفته و بیخته پنج درم طباشیر چهار درم کشنیز خشک سه درم سوکران دو درم بلیله ساده بسرشند شربتی بامداد سه درم و شبانگاه سه درم بشراب سیب **معجون دراشا** درم صلب کند و معده را نافع بود **صفته** دیوند چینی زنجبیل اسارون اشترغاز از هر یک یک جزو تخم کرفس زیانه انیسون نانخواه از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته عسل سه وزن ادویه بسرشند شربتی مثل یک فندق **معجونی** که منع مستی کند **صفته** شاخ زر نوخشه مغز بادام تلخ کرنب پودنه کوهی ملح نبطی سداب نانخواه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند **معجون نزدی** درد معده و جگر و سپرز را سود دارد و باد را بشکند **صفته** سلیخه حما سنبل نانخواه رازیانه تخم کرفس انیسون اسارون فسالیوس جند بیدستر سنبل زراوند طویل مصطکی اسارون کرویا اجزا مساوی با انگبین مصفی بسرشند

معجون چوب چینی ترکیب مولانا عماد الدین محمود جهة تقویت باه و معده و دل و دماغ و جگر و گرده و مثانه و سرخی رنگ و زردی و فربهی بدن نیکو کند و بوی دهان خوش کند و منافع بسیار دارد **صفته** چوب چینی اعلا پنجاه مثقال بردارید ناسفته صلایه کرده و دو مثقال شمط و دو مثقال بوزیدان چینی افتیمون رومی از هر یک سه مثقال سنبل جل از هر یک سه درم مصطکی عود خام بسباسه شتر اعرابی زعفران مشک عنبر از هر یک دو درم ساده صیداو رد بیان از هر یک سه مثقال دار چینی قرنفل فلفل زنجبیل از هر یک دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک ده مثقال خصیة الثعلب پنج مثقال تخم کندر تخم شلغم بهمنین جنگ مرچی از هر یک سه مثقال بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم شقاقل ده درم کبابه خولنجان مصری قسط شیرین از هر یک دو درم تودری سرخ تودری زرد از هر یک سه مثقال سعد کوفی دو درم ورق منشط سدس ادویه مجموع را کوفته و بیخته گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ دو دانه از هر یک ده مثقال جوشانیده صاف کرده آب آن نگاه دارند تخم خرفه

تخم خیار تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک ده مثقال نرم بکوبند و شیره بگیرند
و آن شیره را اضافه جلاب سابق کنند و آب به شیرین و آب انار
شیرین و گلاب صاف مناصفه و وزن ادویه بقوام آورند و مغز فندق و
بادام و گردکان و جلغوزه از هر یک ده مثقال نرم بکوبند مانند مرهم و در
عسل اندازند و زعفران را بجلاب حل کنند و بعد از آن که سرد شود
اضافه کنند و مشک را دو حصه کنند یک حصه را اول داخل کنند
و یک حصه دیگر بعد از سایر ادویه نافع بود و بعضی دیگر این اجزا را داخل مینمایند
اسارون سه مثقال آمله مقشر بشیره پرورده ده مثقال گل مختوم صندل
سفید صندل سرخ از هر یک سه مثقال خشخاش سفید ترکیب با حته
در ظرف آبگینه یا ظرفی پاکیزه کنند **معجونی** که نافعست کسی را که عاجز
باشد از ازاله بکارت **صفته** زنجبیل دار چینی خصیة الثعلب شقاقل
جوزبوا لسان العصافیر مصطکی زعفران دار فلفل بوزیدان و بهمن احمر
بهمنین تخم هلیون تخم خربزه از هر یک دو مثقال مشک عنبر از
هر یک یک مثقال حب القلقل سه درم زاید الفکر بست و پنج مثقال عسل بیم من

ترکیب باید زند **معجون مفرح مسیحی** قرفه پنج مثقال خولنجان کبابه چینی قرنفل
جوزبوا از هر یک سه مثقال قاقله کبار قاقله صغار از هر یک سه درم فرنجمشک
درق قرنفل از هر یک سه مثقال گاوزبان بادرنجبویه از هر یک پنج مثقال سنبل
اشنه از هر یک چهار مثقال سادج زنجبیل دار چینی فلفل از هر یک
دو مثقال پوست ترنج سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یک مثقال
خصیة الثعلب بسباسه لسان العصافیر از هر یک سه مثقال عنبر اشهب
دو مثقال العل یک مثقال مشک نیم درم مروارید کهربا بسد از هر یک یک مثقال
ورق طلا و نقره از هر یک نیم مثقال جزو اعظم بست مثقال عسل
دو وزن ادویه **معجون الباه** از ترکیب مولانا فخر الدین شیرازی
صفته بهمنین خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل سه مثقال بیش عقرقرحا یک
مثقال قرنفل دری زرد تودری سفید از هر یک پنج مثقال خسک مربی ده درم
جوزبوا ده درم مغز بادام فندق از هر یک ده مثقال زعفران
سه درم گاوزبان پنج مثقال بسباسه درمی عنبر اشهب یک درم ورق
الخیال صد مثقال شیر گوسفند جوشانیده صاف کرده عسل بقوام

آورند و دیگر بار بسرشند **معجون سنجری** آب پیاز سفید یک رطل انگبین
یک رطل هر دو را بر آتش نرم بجوشانند تا نیم قوام شود و مدت یکهفته از آن
هر روز سی درم تناول کنند قضیب را قوت دهد و منی بیفزاید **معجون**
الحدید جهت قوت باه نافعست آبی که آهنگران آهن را در آن سرد
میکنند نیم من سیر پاک کرده ده استار و خل کرده بجوشانند تا سیر پخته
شود و بعد از آن آب را صاف کنند و سیر را بیندازند و فلفل
و زنجبیل بسباسه لسان العصفور قرنفل و دارچینی بلیلج عود صلیب
از هر یک ده درم دار فلفل پنج درم زعفران مشک نیم درم همه را جدا جدا
بکوبند و نرم بیزند و داخل آن آب کنند و نرم نرم آتش میکنند
تا آب تمام دواها را بخود بگیرد و بعد دو وزن داروها آب عسل
داخل کنند و بجوش داده فرو گیرند و در ظرفی کنند و هر روز از آن
بامداد ناشتا یکدرم تناول نمایند نافعست **معجون سنجری** ترکیب شیخ
ابو علی مشهور است بقرص سنجری فواید بسیار دارد و مقوی باه و
جگر و دل و معده را قوت دهد حافظه را بیفزاید و هاضم طعام باشد

و قوت

و قوت بصر افزاید و قوت سمع زیاده کند و نگاه دارد **صفته** سنبل ده مثقال
بسباسه جوز بوا قاقله صغار زنجبیل و دارچینی قرنفل زعفران بهمن سرخ
عود الصلیب مصطکی دارچینی سادج هندی از هر یک شش مثقال
تخم معصفر سه مثقال تخم ماهی هر ه تخم شبت ناخنواه زیره کرمانی انجدان
تخم کندر از هر یک سه مثقال عنبر بادام شیرین مغز پسته مغز سر
گنجشک از هر یک شش مثقال موبزج قند سفید از هر یک سی مثقال
عسل مصفی سه وزن ادویه مقدار شربتی دو مثقال **معجونی** که منفعت
کند یرقانی را که با حمی باشد **صفته** کزبره بسباسه ده درم ورد احمر یکدرم
نیم طباشیر سفید یکدرم کوفته و بیخته بشراب سیب سرشته شربتی
یک مثقال تا ده درم شراب **مفرحی** که مقوی قلب و باه و معده است
صفته مروارید ناسفته سه مثقال لعل بدخشانی فیروزه نیشابوری
بسد کهربا حجر الیهود مشک خالص از هر یک دو مثقال عود و چهار مثقال
پوست سیر بسته دو مثقال پوست اترج سه مثقال قرنفل ده
مثقال قاقله مقشر دارچینی درونج از هر یک سه مثقال بهمنین دو

مثقال زنجبیل خولنجان فلفل و دارفلفل از هر یک دو مثقال اسارون صندل
سرخ و سفید و والا از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب دو مثقال شقاقل کل سرخ
از هر یک سه مثقال طباشیر دو مثقال مصطکی پنج مثقال قسط شیرین
دو مثقال تخم کاسنی سه مثقال قرفه عاقرقرحا از هر یک دو مثقال
فرفیون یک مثقال حماما سه مثقال بذر البنج یک مثقال تخم فرنجمشک دو
مثقال افیون زعفران از هر یک دو مثقال عسل سه وزن ادویه
سفید و سی مثقال باشد **معجون رز مسن** که بزبان هندی بی رس
گویند **صفه** بیش یک مثقال و نیم فلفل دو مثقال زنجبیل یک مثقال و نیم عاقر
قرحا یک مثقال مویزج یک مثقال عسل سه وزن ادویه و بیست توان بود و که کل
واحد از ادویه یک مثقال و نیم باشد و می باید که هر یک از داروها کوفته و بیخته
بدستور عجین کنند **معجون** یقوی الباه و یطیب النفس و یسخن
البدن و ینفخ الریح من المعده و من برد الکلی و یزید الحفظ **صفه**
دارچینی اربعة مثاقیل قسط حلو و سنبل اربعة مثاقیل کرکم ثلث مثقال
رازیانج زرنباد است و نعناع یابس و ورق صعتر فودنج الیابس

سلیخه من کل واحد اربعة مثاقیل ساذج و دارفلفل فلفل اسود اسارون
بزر الجزر کرویا قرنفل خولنجان شقاقل من کل واحد اربعة مثاقیل نصف
عاقرقرحا قاقله بزر اللفت بزر الفجل من کل واحد مثقالان سمسم المقشر
لب الفستق لب اللوز جلغوزه من کل واحد عشر مثاقیل عود هندی
ثلث مثاقیل شکر ابیض مثل الجمیع عسل مصفی بضعف الادویه
معجون بهمنی فواید بسیار دارد و نسخه مولانا عماد الدین محمود
صفه بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک دو مثقال تودری سفید مثقال
از هر یک پنج مثقال خولنجان سه مثقال سورنجان دو مثقال زراوند
مدحرج زرنباد و درونج عقربی از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب دو
مثقال لسان العصافیر سه مثقال عاقرقرحا مویزج از هر یک دو
مثقال تخم حبه دو مثقال تخم ترب پنج مثقال تخم جزر سه مثقال
خشخاش سفید دو مثقال بذر البنج پنج مثقال کنجد مقشر مغز تخم
خربزه مغز تخم خیارین از هر یک دو مثقال حب الزلم حب الصنوبر
حب القلقل عود هندی از هر یک سه مثقال دارچینی سنبل از هر

مصروع را نافع باشد صفته پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست
بلیله آمله مقشر اسطوخودوس از هر یک ده درم عود الصلیب پنج درم
عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه را کوفته و بیخته با مویز کوفته معجون
سازند شربتی پنج درم معجون سیبالیوس این خاصیت دارد صفته
سیبالیوس عاقرقرحا اسطوخودوس از هر یک ده درم غاریقون
پنج درم فرودنا حلتیت زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
سکنجبین عنصلی سرشته شربتی یک مثقال معجون لبان نسیان را
نافع باشد صفته کندر وج سعد از هر یک دو درم فلفل زنجبیل از هر یک
پنج درم کوفته و بیخته سرشته با عسل شربتی یک مثقال معجونی که منع
مستی کند صفته شاخ بز سوخته مغز بادام تلخ کرنب و پودنه کوهی
ملح نفطی سداب نانخواه مساوی کوفته بعسل معجون سازند معجونی
که سلسل البول را باز دارد صفته کُنار ده درم کندر بلوط از هر یک بیست
درم سعد کرویا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
معجون دیگر که همین خاصیت دارد صفته شاه بلوط هفت درم

هر یک پنج مثقال مصطکی سه مثقال صندل سفید ده مثقال زنجبیل فلفل دار
فلفل قرنفل سه مثقال هال پنج مثقال جوزبوا ده مثقال دوالسنبل
بسباسه پنج مثقال مغز بادام شیرین پانزده مثقال مغز گردکان مغز
پسته مغز فندق نارجیل از هر یک ده مثقال مغز هنبه دانه تخم خرفه تخم کاسنی
ورق گل سرخ کشنیز خشک زرشک منقی از هر یک پنج درم آمله مقشر
پوست هلیله پوست بلیله کابلی از هر یک ده مثقال بادرنجبویه پنج مثقال
گاوزبان ده مثقال طباشیر سفید سه مثقال تخم کدو تخم
خیار از هر یک پنج مثقال حب البلسان سه مثقال ابریشم عراقی پنج مثقال
سعد هندی پنج مثقال روبیان ده مثقال خایه خروس پنج مثقال مغز
سر گنجشک پنج مثقال حلتیت یک مثقال بوزیدان سه مثقال زعفران
پنج مثقال آب انار شیرین آب امرود بلخی از هر یک صد مثقال آب
سیب سلطانی دویست مثقال آب به شیرین صد مثقال
گلاب نیم عرق بیدمشک نیم من عنبر اشهب دو مثقال مشک
دو مثقال قند سفید و نبات و عسل سه وزن ادویه معجون زبیب

معجون

کلنار دو درم دارفلفل خصیة الثعلب از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی یکدرم معجونی که بادهای زنان آبستن را دفع کند
و محافظت جنین نماید صفته زرنباد درونج عقربی از هر یک دو
درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بعسل
معجون سازند شربتی یک مثقال معجونی که این خاصیت دارد
زرنباد و درونج عقربی جند بیدستر حلتیت زرد طباشیر از هر یک
یکدرم زنجبیل ده درم قند سفید دوازده درم مشک نیم مثقال کوفته
و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم معجون نافع سورنجان
ده درم سنا مکی پنجدرم اسارون زنجبیل زیره کرمانی دار
فلفل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو مثقال با آب گرم معجون مفرح مالیخولیا و توحش را نافع بود
و دل را قوت دهد و نشاط آورد صفته ورق گل سرخ سعد
قرنفل از هر یک پنجدرم بسباسه پوست ترنج قرفه تخم فرنجمشک از
هر یک سه درم مشک دانگی کوفته و بیخته بشراب سیب معجون سازند

مفرح صندل دل را قوت دهد و خفقان را نافع بود و نشاط آورد و رنگ را
نیکو گرداند و تشنگی بنشاند صفته مروارید ناسفته بسد گاوزبان
عود خام از هر یک دو درم کهربا کاسنی کشنیز خشک از هر یک پنجدرم
صندل سرخ و سفید طباشیر از هر یک هشت درم [illegible] گل سرخ
از هر یک شش درم سادج هندی زرنباد تخم فرنجمشک بادرنجبویه
خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک چهار درم زعفران عنبر درونج
از هر یک دو درم کافور یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته بشراب سیب
معجون سازند مفرح حار خفقان و ضعف دل را که از سردی بود
نافع باشد صفته گاوزبان بادرنجبویه بهمنین تخم فرنجمشک از هر یک
هشت درم آمله مقشر بریان کرده بیست درم عود قماری دو درم
گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال زعفران یکدرم بسد
سوخته کهربا سوخته قرنفل زرنباد کشنیز خشک دارچینی از هر یک
پنجدرم عسل بلیله یک چهار یک یاقوت زر محلول از هر یک نیم درم درونج
عقربی یکدرم و نیم موز منقی نیم من قند نیم من عسل بلیله را

باشند و منقی بجوشانند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بآن سرشند
شربتی یکمثقال مرهم ناسور انک شنجرف دم الاخوین سفیداب
قلع زنگ زرده چوبه موم از هریک دو مثقال روغن کنجد یکمثقال
مفرح یاقوتی نقل از خط خان احمد جیلانی صفه یاقوت رمانی
نیمثقال یاقوت زرد نیمثقال یاقوت کبود نیمثقال لعل بدخشان
سه مثقال مروارید ناسفته نیمثقال عقیق سرخ دو مثقال یشب
دو مثقال کهربا شمعی دو مثقال بسد متحلل دو مثقال شمط
معسول دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره چهل عدد عود
قماری نیمثقال پادزهر حیوانی سه مثقال جدوار مجرب ده مثقال زرنباد
محلول سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص سه مثقال ابریشم
مقرض چهار مثقال مصطکی لولوی ده مثقال زعفران ده مثقال
پوست اترج سه مثقال پوست پسته ده مثقال دارچینی سنبل
الطیب نیمثقال بهمنین از هر کدام نیمثقال طباشیر نیمثقال درونج
عقربی نیمثقال قرنفل پنج مثقال ساذج پنج مثقال تخم فرنجمشک چهار

مثقال

مثقال ورق بادرنجبویه نیمثقال تخم بادرنجبویه نیمثقال گل سرخ مثقال
زرشک منقی نیمثقال آب فواکه شیرین و قند محمودی ترکیب سازند
مفرح بارد خفقان حار را نافع بود و دل را قوت دهد صفه گل سرخ
طباشیر بهمن سفید گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده صندل
سفید از هریک یکدرم تخم خیارین مغز کرده از هریک چهار درم تخم
خرفه پانزده درم زرشک منقی شش درم مروارید ناسفته کهربا زعفران
کافور از هریک نیم درم نبات مصری صد درم نبات را در عرق بید
مشک بگدازند و پنجاه مثقال آب سیب بقوام آورند داروها کوفته
و بیخته بآن سرشند مفرح بارد بنسخه دیگر صفه مروارید ناسفته
بسد سوخته طباشیر کهربا گاوزبان گل ارمنی از هریک دو درم معجون سازند
شبانگه رسم است مفرح دلگشای معتدل خفقان ضعف دل را زایل
کند و نشاط آورد و هر چه تمامتر صفه بهمن سرخ و سفید نیم درم
پوست هلیله کابلی پوست بیرون پسته ترنج ابریشم خام
مقرض مروارید ناسفته از هریک دو درم گاوزبان شاهتره

بادرنجبویه از هر یک ده درم گشنیز خشک و طباشیر از هر یک سه درم بسد کهربا
و مروارید ناسفته دو درم و برنج رومی از هر یک یکدرم عود خام یکمثقال آب انار آب سیب
آب حماض آب زرشک از هر یک ده درم قند سفید و شراب بنفشه
از هر یک صد مثقال آبها را با قند و شربت بقوام آورند و داروها کوفته
و بیخته با آن سرشند مفرح دلگشای حار خفقان و ضعف دل را که از سردی
بود سود دارد صفته پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان مغز
تخم خیارین از هر یک پنج درم بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم و نیم
هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید کشنیز مقشر از هر یک سه درم زعفران
دو درم دارچینی سه درم و نیم تخم کرفس یکدرم مشک یک مثقال روغن
بادام پنج مثقال نبات مصری و ترنجبین شیرخشت از هر یک نیم من نبات و ترنجبین
را در گلاب حل سازند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن سرشند
مفرح دلگشای بارد طباشیر بهمن سفید گل سرخ بسد کهربا مروارید ناسفته
از هر یک یکمثقال صندل سفید گشنیز خشک از هر یک دو درم تخم خرفه
هشت درم زرشک بی دانه دو درم زر محلول نقره محلول از هر یک

نیمدرم

نیمدرم پوست پیرون پسته یکدرم قند سفید یکمن آب ترنج چهل
مثقال بطریق معهود معجون سازند مفرح مسیحی نسخه دیگر دل و جگر و دماغ
را قوت دهد و منی بیفزاید و اشتهای طعام و جماع آورد و باه را قوت
دهد صفته قرفه گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ از هر یک پنج درم خولنجان
کبابه چینی قرنفل سنبل قاقله کبار قاقله صغار جوزبوا تخم فرنجمشک
مصطکی پوست ترنج لسان العصافیر بسباسه از هر یک سه درم ابریشم
چهار درم مروارید ناسفته ساذج سعد کوفی عنبر اشهب از هر یک دو درم
زنجبیل دار فلفل از هر یک یکدرم خصیة الثعلب ده درم مشک زر محلول
نقره محلول از هر یک نیمدرم لعل کهربا بسد از هر یک یکدرم جزو اعظم
سی مثقال عسل دو وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسم است مفرح
[illegible] لعل بسباسه از هر یک پنج مثقال زعفران سه مثقال جزو اعظم
ده مثقال قند سفید پنجاه مثقال قند را در گلاب گدازند و بقوام آورند
و داروها را کوفته و بیخته با آن سرشند مفرحی که خفقان سوداوی
را نافع باشد صفته ساذج سعد نانخواه و انیسون تخم کرفس

زرنجشک از هر یک سه درم سک زعفران از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم
مروارید ناسفته بسد از هر یک پنجدرم عصاره افسنتین شش درم
پوست ترنج ده درم گاوزبان هفت درم کوفته و بپخته با آب افتیمون
جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم مربای هلیله معده را قوت دهد
و هاضمه را قوی گرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را نافع بود و باصره
را تیز گرداند و نسیان را زایل کند و جوان نگاه دارد صفت هلیله
کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان آب بر سر آن ریزند
که آنرا بپوشاند و خاکستر پاک پنجاه درم بر سر آن کنند و چهار روز
آب و خاکستر را تغییر دهند و هر روز یکبار پس بشویند چنانکه پوست
از وی جدا نشود و در دیگ کنند و آب صاف بر روی پیش ریزند و یک
کف جو مقشر نکوفته اضافه آن کنند و بجوشانند تا جو پخته شود
پس بیرون آورند و دو کرّه به آب سرد بشویند و هلیله را به وزن
زنند و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند که آنرا بپوشاند
و بیست روز بگذارند و بعد از آن بیرون آورند و آن عسل آنگاه

دارند

دارند و دیگر عسل تازه بر سر آن کنند و ده روز دیگر بگذارند و بعد از آن
با عسل اول و دویم بجوشانند تا بقوام آید و اگر این داروها داخل کنند
بهتر باشد قرفه قرنفل زنجبیل جوزبوا مصطکی عود خام از هر یک پنج
مثقال مشک نیم درم زعفران یکمثقال در ظرف چینی کنند و بعد
از چهل روز استعمال کنند مربای شقاقل باه را قوت دهد و نعوظ
تمام آورد و مثانه را سود دارد صفت یک شبانه روز در آب
ریزند یک شبانه روز دیگر در آب تازه بخیسانند باز آن آب را بریزند
و دیگر روز دیگر در آب تازه خیسانند بعد از آن مقشر کنند و بجوشانند
تا نیم پخته شود آنگاه عسل صاف بر سر آن کنند و بعد از چهل روز
تناول نمایند مربای نارنگ معده را قوت دهد و فرح آورد
پوست ترنج را در دیگ کنند و با آب بجوشانند تا نیم پخته شود
و بیرون آورند و نیک بفشارند و عسل صاف بر سر آن کنند و باز
نرم بجوشانند تا بقوام آید و اگر بقند خواهند همچنین اما مربای
هلیله و نارنگ و شقاقل و جزر و گردکان بعسل بهتر باشد و مربای تمر

والو و به و سیب و امثال آن بتعبد مربای جزر باه را قوت دهد و سینه را
نرم کند و پشت را محکم کند صفت گزر بزرگ را بخراشند و پاره پاره
کنند و میان آنرا بیندازند و در آب و عسل بجوشانند تا پخته شود و بعد
ازان بیرون آورند و در عسل اندازند و اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند
و بعد از چهل روز تناول کنند مربای زنجبیل گرده و مثانه و معده
بارده را نافع باشد و بول براند و تبهای بلغمی و اسود دارد و باه را زیاده
کند زنجبیل ازاده خوب را در زیر ریگ کنند و بیست روز هر روز
آب بران ریزند بعد ازان بیرون آورند و بشویند و ریشه ریشه
کنند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای گردکان معده را قوت
دهد و باه را زیاده کند بستانند گردکان تازه که هنوز صلب نشده
باشد و پوست از وی جدا کنند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام
آید مربای وج قولنج ریحی و فالج و صرع را نافع باشد وج زکی فربه
بیست شبانه روز در آب بخیسانند بعد ازان بیرون آورند
و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای هندوانه حرارت را

رفع

رفع کنند و تشنگی بنشاند بستانند پوست هندوانه و سبزی از وی تراشیده
سه روز در آب آهک بخیسانند روز چهارم در نمک آب خیسانند
و یک شبانه روز دیگر در آب شیرین بگذارند پس بیرون آورند
قدری آب و قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس بیرون آورند
و بنهند تا آب ازو برود و دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند
تا بقوام آید مربای کدو سینه و شش و مثانه را نافع باشد صفت
کدوی تازه بخراشند و مغز آن بیندازند و پاره پاره کنند و با آب
و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای تمر هندی صفرا دفع کند و تب
زایل گرداند و محرور مزاج را موافق باشد صفت تمر هندی را از چوب و
دانه پاک کنند و در گلاب خیسانند یکساعت و بعد ازان قند
را بقوام آورند و تمر بر رویش ریزند و چون بجوشش آید فرود گیرند
مربای سیب معده و دل را نافع باشد صفت سیب را پوست باز کنند
و دانه بیرون آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با شهد بقوام
آورند مربای به صفت مربای به مثل مربای سیب است اما

سیب درست را مربی کنند و بهیش معده را قوت دهد و قی و
غثیان و هیضه و فواق و درد جگر را نافع باشد صفته آب به
ترش چهار من شراب ریحانی هشت من عسل مصفی دو من مجموع
را در دیگ ریزند و زنجبیل مصطکی قاقله کبار و صغار دارچینی و کبابه
قرنفل از هر یک هفت درم زعفران سه درم همه را نیم کوفته کنند
سوی زعفران و در کیسه ریزند و در ان اندازند و بجوشانند و در زمان
زمان کیسه را بمالند تا تاثیره تمام باز دهد و زعفران سائیده اضافه
نمایند و بقوام آورند ماء العسل معده را قوت دهد و اشتها
آرد و بول براند و مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد صفته عسل
یک جزو آب دو جزو بجوشانند تا ثلثی برود و دو ثلث بماند و اگر
مقوی خواهند دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی زعفران هل جوز
بسباسه کوفته و بخته بقدر حاجت اضافه نمایند ماء الجبن
مالیخولیا و یرقان و جرب و کلف و امراض سودایی را نافع باشد و
صفرا براند و با افتیمون مسهل سودایی باشد صفته پنیر سرخ جوان

صحیح

صحیح البدن که چهل روز از زائیدن او گذشته باشد چند روز گشنیز تازه
یا کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا ارزن و جو یا علف یا شاهتره تازه بدهند بعد
ازان دو رطل شیر او بستانند و در دیگ سنگین کنند با آتش نرم
بجوشانند و چون بجوش آید نیم رطل سکنجبین صادق الحموضه بر سر آن
ریزند و بچوب انجیر پوست کنده بجنبانند تا ببرد و پس از آتش
فرو گیرند و در کرباس اندازند و بیاویزند تا آب از ان بچکد آن آب را
بگیرند و دیگر باره بجوشانند و کف بردارند و با سکنجبین بنوشانند و
هر روز یک رطل به سه دفعه چنانچه میان هر دو دفعه دو ساعت باشد
بعد از نوشیدن چند گام بروند ماء الاصول نقرس و اوجاع
مفاصل بلغمی و سودایی را نافع باشد صفته پوست بیخ کرفس پوست
بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه
و تخم کرفس سورنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز
منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده
هر روز سی درم با ده درم گلشکر بنوشند ماء الاصول بارد اوجاع

مفاصل حار را نافع باشد صفه عناب سپستان از هر یک سی عدد
پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم تخم کاسنی
و رازیانه از هر یک پنج درم سورنجان سه درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیمه آید و صاف کنند هر روز سی درم با ده درم گلقند بنوشند
ماء الاصول دیگر لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض بلغمی سودایی را
نافع باشد و سنگ گرده و مثانه بریزاند و سده جگر و سپرز بگشاید
و استسقا و اوجاع مفاصل را سود دارد صفه پوست بیخ کرفس
پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس
انیسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار درم حب بلسان اسارون
دو درم سلیخه شیطرج از هر یک دو درم و نیم عود بلسان بوزیدان
هزار اسفند از هر یک سه درم مویز منقی بیست درم در ده من آب
بپزند تا یک من آید و بپالایند شربتی سی مثقال با دو مثقال روغن
بید انجیر و پنج درم روغن بادام ماء الاصول دیگر سده جگر
و سپرز بگشاید و درد معده و جگر و سپرز بگشاید و استسقای لحمی را

نا[illegible]

نافع باشد صفه پوست بیخ رازیانه هفت درم بیخ اذخر و فقاح اذخر
از هر یک پنج درم سنبل مصطکی از هر یک یک درم و نیم فوه لک منقی عود
بلسان از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در سه
رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کرده هر روز چهل درم با یک درم
روغن بادام تلخ و یک درم روغن بادام شیرین بنوشند ماء البزور
باد را پراکنده کند و اخلاط غلیظ را دفع کند و قولنج و استسقای طبلی را
نافع باشد صفه نانخواه کاشم زیره کرمانی کرویا صعتر شونیز از هر یک
کفی در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید و صاف کنند هر صبح
و شام بیست درم از آن با سه درم روغن بید انجیر بنوشند طبیخ
هلیله اسهال صفرا کند صفه پوست هلیله زرد شش مثقال آلوی
سیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاهترج سنا مکی از هر یک
پنج درم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک
ده درم عنب الثعلب اصل السوس بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل
آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی

از هر یک ده مثقال ترنجبین و مغز خیارشنبر روغن بادام چرب کرده
از هر یک پانزده مثقال دران حل کرده بنوشند **مطبوخ فواکه**
حمیات حاره را نافع باشد و صفرا دفع کند **صفت** سنا مکی هفت درم
بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب سپستان آلوی
سیاه از هر یک بیست عدد و گل سرخ چهار درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیمه آید و صاف کرده تمر هندی و شیرخشت از هر یک دو درم
ترنجبین بیست درم دران حل کنند و بنوشند **مطبوخ افسنتین**
معده گرم و ضعیف را نافع باشد **صفت** افسنتین پنج درم گل سرخ شش درم
تمر هندی بیست درم ترنجبین سی درم گل و افسنتین را بجوشانند
و صاف کنند و تمر هندی دران حل کنند و یک درم ایارج فیقرا
حب ساخته فرو برند و از عقب آن مطبوخ بنوشند **مطبوخ افتیمون**
صفرای سوخته و بلغم و سودا را دفع کند امراض سودائی را نافع باشد
صفت سنا مکی هفت درم گل سرخ افتیمون چهار درم در لته بسته
و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یک پنج درم بسفایج فستقی

و اصل

و اصل السوس رازیانه از هر یک ده درم اسطوخودوس پرسیاوشان
شاهتره گاوزبان بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم مویز منقی
سپستان از هر یک سی دانه در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کرده گلقند آفتابی ده درم مغز خیارشنبر روغن چرب کرده ترنجبین
از هر یک پانزده درم دران حل کنند و بنوشند **مطبوخ سورنجان**
اوجاع مفاصل را نافع باشد **صفت** سنا مکی هفت درم گل سرخ
پوست هلیله زرد و پوست بلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان
رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه انیسون قنطوریون از هر
یک ده درم پرسیاوشان گاوزبان بادرنجبویه از هر یک ده
درم جوشانیده صاف کرده گلقند ده مثقال ترنجبین بیست مثقال
را دران حل کرده باز خورند **مرهم شادنج** بواسیر و شقاق مقعد را
نافع باشد **صفت** شادنج مغسول گل ارمنی لحیة التیس از هر یک ده درم
افتیمون نیم مثقال و چهار حب سفیداب ده درم زعفران یک درم
روغن بنفشه ده درم و روغن گل بادام از هر یک ده درم موم سفید

پنج درم موم را در روغن بگدازند و دارو ها کوفته و بیخته بران
ممزوج سازند و باده درم شیر دختران در هاون نیک بمالند
تا مرهم شود **مرهم کافوری** بر گزیدن لب و مقعد و سوزش و سوختن
آتش را نافع باشد **صفت** مرداسنگ سفیداب ارزیز موم سفید
از هر یک پنج درم روغن بیست درم موم را در روغن بگدازند و ادویه
کوفته بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند تا هموار شود و
بگذارند تا خنک شود و یک بیضه تخم مرغ و قدری کافور داخل
نمایند و مرهم سازند **مرهم جراحت آهنگ** که ناسور کهنه شده باشد
لته کبود سوخته با روغن برگ مرهم کنند و بران جراحت نهند
تا پاک شود و بعد از ان استخوان آدم را سوخته و سائیده بران جراحت
ریزند مجربست **مرهم مسهل** که اورام صلبه و امثال خنازیر و
سرطان و سلعه را نافع باشد و جراحت از گوشت مرده و ریم
پاک کند و ناسور را بصلاح آورد **صفت** جاوشیر زنگار و بارزد و مقل
از هر یک ده درم اشق هفت درم کندر زراوند طویل از هر یک سه درم

مقل

مقل و مرداسنگ از هر یک چهار درم موم و راسنج از هر یک ده درم روغن
زیت یک رطل صمغها را در سرکه حل کنند و موم را در روغن بگدازند
تا مرهم شود و اورام صلبه را نرم کند و زخم را از ریم پاک کند و گوشت برویاند
مرهم باسلیقون زفت راسنج موم سفید از هر یک بیست مثقال بارزد
چهار درم روغن زیت پنجاه مثقال شحم و موم و جوز مثقالی موم را در
روغن بگدازند و باقی ادویه در ان حل کنند و مرهم سازند **مرهم حل**
گوشت نو برویاند و جراحتها خشک کند **صفت** مرداسنگ ده درم
صلایه کرده با ده درم موم و بیست درم روغن حل کرده قدری سرکه
مرهم سازند **مرهم زنگار** لحم زاید را بخورد و ریشهای کهنه را خوش
کند **صفت** زنگار دو درم صلایه کرده با موم علک البطم و راتینج از
هر یک پنج درم و سی درم روغن زیت که خشته و در هاون کنند
و با یکدیگر از روت کوفته و بیخته نیک بمالند تا مرهم شود **مرهم دیاخلیون**
اورام صلبه را نرم کند و پخته گرداند **صفت** مرداسنگ ده درم
صلایه کرده با چهار یک روغن زیت در پاتیله کنند و بجوشانند

تا رنگ گردانند از آتش فرو گیرند تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه لعاب
بزرک و لعاب بذر قطونا و لعاب خطمی و لعاب مرد از هر یک پنجاه درم
نیم گرم کنند و بر سر آن ریزند و بآتش نرم بجوشانند و کفچه زنند
تا غلیظ شود و سهر بر گردد **مرهم سرطان نیمی یا مرهم الزنج** سرطان و خنازیر
را نافع باشد و ورمها پخته کند **صفته** مرداسنگ پنجدرم کندر بارزد
اشق موم از هر یک ده درم علک البطم و سرنج از هر یک هشت درم آنچه
گداختنیست در روغن زیت بگدازند و آنچه باید کوفت بکوبند و با آن
ممزوج کنند و در هاون بمالند تا مرهم شود **مرهم [illegible]** گوشت
مرده بخورد و ریشها را اصلاح آورد **صفته** مرداسنگ یک چهار یک
زفت رومی بیست درم علک البطم پنجدرم روغن زیتون نیم من موم
سی مثقال گداختنی در روغن زیتون بگدازند و مرداسنگ
صلایه کرده بران افشانند و مرهم سازند **مرهم توتیا** جراحت
قضیب را سود دارد **صفته** توتیا بیست درم موم ده درم پنجاه درم روغن
گل مرهم سازند **مرهم مصری** جراحت گوش را نافع باشد **صفته** کهر

کهنه

پوست سیب ده درم پوست غبیرا ده درم انار دانه بریان کرده هشت درم
زعفران بسباسه و بلوط از هر یک پنجدرم بشراب خماص بسرشند شربتی دو درم
جوارش کمون اسهال بلغمی باز دارد و معده را گرم کند **صفته** کندر هشت درم
قاقله و دار فلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل خولنجان از هر یک ده درم قرنفل جوز
بوا از هر یک پنجدرم مشک نیم درم قند سفید شصت درم کوفته بیخته بعسل بسرشند
جوارش خوزی طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سپرز بگدازد و کسی را
که هم استسقا بود نافع بود و ادرار البول کند **صفته** قسط قرفه سنبل حب بلسان
سلیخه از هر یک درمی جوزبوا قاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج از
هر یک چهار درم بسباسه درونج عقربی از هر یک سه درم ریوند چینی زراوند
مدحرج اشنه از هر یک پنجدرم هلیله سیاه پوست هلیله کابلی بروغن زیت
بریان کرده از هر یک بیست درم هلیله ده عدد و حب الآس بوزن همه ادویه
نبات دو وزن ادویه در گلاب بگدازند و بقوام آورند و ادویه را کوفته
بیخته با آن بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند **جوارش طباشیر**
تب و اسهال صفراوی را نافع باشد **صفته** طباشیر سفید حب الآس

جوارش التفاح
جهت تقویه معده و رفع [illegible]
و دماغ و هاضمه مفید است
سیب شیرین را
[illegible] با [illegible] با شراب
از تخم پاک کرده [illegible] کنند
ریحانی بیخته [illegible] کنند
[illegible] شود و از [illegible]
بیرون کشند با نیم
رطل نبات سفید [illegible] رطل
عسل بقوام آورند
فلفل دار فلفل قرنفل
از هر یک ۵ مثقال زنجبیل [illegible]
زعفران ۵ م عود هندی
۵ م کوفته بیخته سرشته

گل سرخ از هر یک دو درم تخم حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم گلنار
سماق عصاره لحیة التیس از هر یک شش درم زعفران افیون از هر یک
دو درم کوفته و بیخته بگلاب و لعاب اسبغول سرشته شربتی یک درم جوارش دیگر
اسهال صفراوی باز دارد صفته سماق بیست درم حب الآس ده درم خرنوب
سی درم صمغ عربی گلنار نار دانه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته با مویز منقی
دیگر باره بکوبند شربتی سه درم جوارش نانخواه قولنج بگشاید و باد دفع
کند و جشاء حامض را نافع باشد صفته فلفل دار فلفل از هر یک پنج درم
ابرسار زنجبیل از هر یک شش درم انیسون مصطکی رازیانه نانخواه تخم کرفس
از هر یک دو درم نانخواه پانزده درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی
دو درم جوارش نارمشک طبع را نرم کند و قولنج بگشاید صفته
جوز بوا یک درم قاقله دارچینی از هر یک دو درم نارمشک قرنفل از هر یک سه
درم دار فلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا بیست درم نبات سی درم
کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی از یک درم تا سه درم جوارش دیگر
که اسهال صفرا کند بی مشقت عود خام مصطکی از هر یک یک درم تربد سفید چهار

درم

درم سقمونیا نیم درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی پنج درم جوارش دیگر
بواسیر و سردی معده و بدی هضم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفته
بسباسه قرفه قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی سارون از هر یک درمی
قاقله کبار پنج درم فلفل دو درم قرنفل یک درم و نیم قند سفید بیست درم کوفته و
بیخته بعسل سرشته شربتی یک مثقال جوارش [illegible] زحیر و مغص
بواسیر را نافع بود صفته تخم تره تیزک بریان کرده زیره کرمانی [illegible] از هر یک
یک درم مصطکی شش درم هلیله کابلی بروغن گاو بریان کرده ده درم کوفته و بیخته
بگلاب سرشته جوارش [illegible] معده را قوت دهد و شهوات [illegible]
زنان حامله را دفع کند [illegible] صفته [illegible]
تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک دو درم [illegible] ده درم [illegible] زنجبیل
فلفل دار فلفل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد نود مثقال کوفته و بیخته
بگلاب سرشته جوارش که حفظ [illegible] کند صفته زنجبیل نانخواه از هر یک دو درم
شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل [illegible] شربتی یک مثقال
جوارش [illegible] تنقیه معده [illegible] کند تربد سفید [illegible] درم زنجبیل [illegible]

جوارش بلادری
جهت رفع بواسیر و تقویه باه
و هضم طعام [illegible] نافع
و [illegible] است فلفل
زنجبیل ده استار [illegible]
۳ استار [illegible]
دو استار [illegible]
[illegible] ۵ [illegible]
[illegible] سفید ده [illegible]
[illegible] سفید [illegible] ده م
بلادر ده عدد [illegible]
[illegible] روغن [illegible]
[illegible]
[illegible] عود [illegible]
[illegible]
[illegible] عسل [illegible]
[illegible] سرشته

قند سفید پانزده درم شربتی سه درم **جوارش تمر هندی** [illegible] دیگر
قولنج بگشاید و فضلات ردیه دفع کند و معده را قوت دهد **صفت** فلفل
زنجبیل زیره کرمانی سداب بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یکی درم و نیم سقمونیا
ده درم عسل چهل درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم **جوارش جالینوس** ضعف
کرده و مثانه و معده را نافع بود و بادهای غلیظ را بشکند و خلط غلیظ را
دفع کند **صفت** دارچینی عود هندی اسارون از هر یک پنجدرم زنجبیل دو درم
نعناع هشت درم خیربوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون رازیانه بلیله
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش جب الآس** ضعف
و اسهال معدی را نافع باشد وقتی که از بلغم رطوبت باشد باز دارد **صفت** حب الآس
نود مثقال هلیله سیاه بلیله املج طالیفر از هر یک بیست درم فلفل سیاه دارفلفل
زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی قرفه اگر یا انیسون زیره کرمانی سنبل بلیله
قاقله قسط از هر یک شش درم جوز بوا الخم کرفس نانخواه از هر یک پنجدرم ساذج هندی
حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند **جوارش** [illegible] قولنج
والقوه وباد و بواسیر و بادها که در معده باشد سود دارد **صفت** سقمونیا تربد

میعه سایله سفید پیه مرغ روغن کل رخ یکدیگر ممزوج سازند و مرهم کنند
مرهم دیگر که بواسیر را سود دارد و درد و ساکن کند **صفت** مغز ساق گاو
پیه مرغ و پیه شتر روغن گل مساوی زیکدیگر بجوشانند و قدری [illegible]
اضافه کنند و در هاون نیک بمالند و مرهم سازند و استعمال نمایند
مرهم دیگر که از جهت بواسیر عظیم النفع است **صفت** پیه بط
ماکیان پیه بز از هر یک پنجدرم مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز [illegible]
تلخ و روغن مغز شفتالو و روغن گل از هر یک ده درم میعه سایله دو مثقال
مقل ازرق بیست درم آب کنند بقدر حاجت موم سفید پنجدرم
مقل را در آب کنند تا حل شود و روغنها را با موم و پیه گرم کنند
و با مقل محلول در هاون با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند
ابن الجون نقوع الصبر صفرا براند و صداع حار را نافع باشد
صفت پوست هلیله زرد ده درم آلوی سیاه سپستان
از هر یک سی عدد و تمر هندی بیست درم تخم کاسنی سه درم مغز
خیارشنبر ده درم ترنجبین پانزده درم شکر پنجاه درم آب [illegible]

ومرض وسقم
وشدة وبلاء
ووباء وذلة
وطاغوت وكل
علة وبلية
يا سبوح يا قدوس
يا رب الملائكة
والروح يا غريب
يا غريب يا غريب
برحمتك يا ارحم
الراحمين وصلى الله
على سيدنا
محمد وآله اجمعين
الطيبين الطاهرين
والحمد لله رب العالمين

وصباح صاف کرده بیاشامند **نقوع فواکه** صفرا دفع کند و تشنگی
بنشاند صفه آلوی سیاه عناب سپستان از هر یک سی عدد تمر
هندی ده درم زردالو ده عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست درم
شب بخیسانند صباح صاف کنند و بنوشند **نقوع صبر**
صداع حار را نافعست صفه آب کاسنی منا و مثقال صبر سقوطری
چهار دانگ دران حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در
جای گرم نهند و روز دویم بپالایند و بنوشند **نقوع صبر** بنوعی
دیگر صداع بلغمی را نافع باشد صفه سعد افسنتین نقاع
اذخر تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک کفی در یکمن نیم
آب بپزند تا به نیم آید بپالایند و بیست درم صبر دران حل کنند
و سه روز در آفتاب بگذارند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل
درم با یکدرم روغن بید انجیر بنوشند **نقوع صبر بنسخه دیگر**
صداع سودایی را نافع است صفه افسنتین ده درم سالارن
پنجدرم قنطوریون مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری شش درم

ادویه

از جهت دعای شرف آفتاب
در کار با خود دارد و در کار مفتاح
فتوح ... بسیار رود
... باید ... کار
نکند ... دعا این است
و مجرب است

٩	١١	١٣	١
١٢	٣	١٧	١١
٢	١٤	٢٠	٤
١٠	٥	٣	١٦

بسم الله الرحمن الرحیم

ادویه نیم کوفته در سه رطل آب گرم بخیسانند و سه روز در آفتاب نهند و روز چهارم
صاف کنند شربتی چهل درم با یکدرم روغن بادام شیرین بخورد
نطولی که خواب آرد و سرسام را نافع باشد صفه بنفشه تخم کاهو
از هر یک پنجدرم پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر پوست کدو کدی
تر بابونه از هر یک ده درم کشک جو پنجاه درم در نیم من آب بجوشانند
تا به نیمه آید و سر به بخار آن بدارند **نطولی** که صداع بارد را نافع بود صفه
بابونه اکلیل الملک نمام مرزنجوش برنجاسف صعتر مساوی بجوشانند
سر بخار آن بدارند **نطولی** که صداع ریحی را نافع بود صفه بابونه اکلیل
الملک برگ کرفس زیره کرمانی مرزنجوش صعتر شبت بجوشانند و سر
بخار آن دارند **نطولی** که صداع سودایی را سود دارد صفه بنفشه
نیلوفر اکلیل الملک بابونه سبوس خشک سادج هندی قرنفل بجوشانند
سر بخار آن بدارند **نطولی** که گرانی گوش را که از عقب مسهل پیدا شده
باشد و سبب آن بخارات بود زایل کند صفه بابونه اکلیل الملک قیصوم
از هر یک ده درم نمام مرزنجوش اذخر پوست بیخ کرفس کلرخ از هر یک

پنجدرم در ده من آب بجوشانند تا به من آید و سر و گوش بیماران دارند

نطولی که نشان آبله را از اعضا ببرد **صفت** گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ و سفید بابونه تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم در هفت من آب بجوشانند تا به سه من آید و بپالایند و چون از حمام بیرون آید بر اعضا ریزد **نطولی** که صداع حار و بیخوابی را نافع بود **صفت** بنفشه جو بابونه تخم کدو برگ رزقوها تخم خرفه پوست خشخاش گل خشخاش بیخ لعاح خطمی بیخ کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده بر سر بیماران دارند **نطولی** که سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند و بیرون آورد و بول براند **صفت** بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک از هر یک ده درم پوست خربزه خشک پرسیاوشان تخم قلت بابونه از هر یک هفت درم اشنان اصل السوس پوست بیخ رازیانه از هر یک پنجدرم کاکنج حلبه از هر یک چهار درم رنجاسف بنفشه از هر یک سه درم دو توبرگ نیلوفر از هر یک ده مثقال در ده من آب بجوشانند تا به نیم من آید و در آن نشینند و چون بیرون آیند دو سه قطره روغن

عقرب در احلیل چکانند **نطولی** که همین خاصیت دارد **صفت** بابونه و برشه ترکی تمام مرزنجوش برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آن بر عانه و حوالی آن ضماد کنند **نطولی** که همین منفعت دارد **صفت** ورمنه ترکی برگ ترب اسپست سداب بابونه برنجاسف سنبل مرزنجوش تمام خطمی شلغم بابونه شبت کرنب بجوشانند تا نرم شود و ثفل آن بر عانه ضماد کنند و در آب آن نشینند **نطولی** که همین منفعت دارد **صفت** بنفشه نیلوفر گل سرخ خطمی از هر یک پنجدرم حسک پاپوست خربزه اکلیل الملک برگ کرنب از هر یک سه درم بجوشانند و در آب آن نشینند و ثفل آنرا بر عانه و موضع گرده ضماد کنند **نطولی** که افراط طمث را نافع باشد **صفت** گل سرخ و برگ مورد از هر یک ده درم شب یمانی و مازو نیم کوفته و گلنار از هر یک پنجدرم پوست انار بابونه و جوز السرو و کزمازج از هر یک سه درم اقاقیا ده درم مجموع را بجوشانند و در آن نشینند و قرص کهربا و رب مورد بنوشند **نطولی** که محافظت جنین کند و نگذارد که پیش از وقت بیرون آید

صفة گل سرخ هفت درم گلنار گزمازج از هر یک پنج درم برگ ترب برگ
مورد خشک چهار درم شب یمانی پوست انار مازو از هر یک سه درم
نیم کوفته بجوشانند و در ان نشینند نطولی که از جهة خروج مقعده نافع
باشد صفة گلنار پوست انار حفت بلوط مورد گل سرخ از هر یک قدری
نیم کوفته بجوشانند و در ان نشینند نطولی که سده بینی بگشاید صفة
لادن چوب گز شونیز بجوشانند و سر بخار آن دارند یا سوسن کندم
در سرکه بجوشانند و سر بخار آن دارند نفوخی که کند بینی ببرد صفة
زاج سنگ قرنفل مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند نفوخی که
سکوت را بهوش آورد صفة کندش و خربق سفید کوفته بیخته
اندکی از آن در بینی دمند نفوخی که صداع مزمن را نافع باشد صفة
عصاره قثاء الحمار بخور مریم نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند
نفوخ دیگر شونیز فلفل و اقاقیا همین فایده دارد نفوخی که
صرع را نافع بود صفة شحم حنظل قثاء الحمار نوشادر کندش فلفل
اسود اسطوخودوس کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی

دمند

دمند باب الواو وجوری که چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید
صفة حلتیت چند بید ستر کوفته در سکنجبین عنصلی حل کرده وجور سازند
وجوری که همین خاصیت دارد صفة رازیانه انیسون زیره کرمانی بجوشانند
صاف کرده گلقند را در ان حل کنند و وجور سازند وجوری که
نافعست از جهة غشی که بعد از اسهال پیدا شود صفة مشک شکر کوفته
در آب بید حل کنند و در حلق چکانند وجوری که از جهة صداع اطفال
نافع باشد صفة صعتر جند بید ستر زیره کرمانی کوفته سه جو از آن در شیر
حل کنند و در گلوی طفل ریزند وجوری که سرفه اطفال را نافع باشد صفة
رب السوس کتیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم مغز بادام
ده درم عسل سی درم روغن بادام پنج درم فانید را با عسل بجوشانند
و صاف کنند داروها کوفته روغن بادام با آن ممزوج سازند
قدری از ان در دهن طفل ریزند باب الیاء یاقوتی که خفقان
و غشی را نافع است و دل را قوت دهد و فرح آورد صفة مروارید
ناسفته شش درم بسد چهار درم یاقوت رمانی گل مختوم

بادرنجبویه بهمن صندل سرخ از هریک دو درم ورق طلا عقیق یمنی
یشب سادج هندی زرنباد درونج عقربی رومی از هریک یکمثقال
لاجورد مغسول یکمثقال و نیم لعل کهربا نیلوفر زرشک سنبل کشنیز خشک
تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی
ابریشم مقرض از هریک پنج درم کافور ریاحی عنبر اشهب از هریک
دو مثقال مشک تبتی نیم مثقال شیره املج پوست بلیله کابلی شراب
سیب آب انار شیرین شراب به از هریک بیست درم کوفتنیها را کوبند
و حریره بیزند و با شرابها و گلاب و آب انار بقوام آورند و معجون سازند
و بعد از چهل روز که در میان جو باشد استعمال نمایند شربتی یکمثقال
یاقوتی که خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع باشد و معده
را قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط آورد و سودا
را دفع کند صفته یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد گل ارمنی سنبل
الطیب سادج بهمن سرخ بادروج از هریک دو مثقال یاقوت زرد
یاقوت کبود عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون پسته بادر

نجبویه

نجبویه گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول گل ارمنی درونج
عقربی سفید از هریک چهار مثقال لعل فیروزه یشب ابریشم مقرض
قرنفل نیلوفر صندل سرخ سفید دارچینی کبابه چینی قاقله کبار از
هریک سه مثقال زهره یکمثقال و نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر سفید
از هریک پنج مثقال املج مقشر پوست بلیله کابلی از هریک ده مثقال عصاره
زرشک بارزده درم مشک خالص یکمثقال و نیم کافور نیم مثقال آب سیب
آب به از هریک یکمن آب حماض نیم من گلاب و عرق بید مشک یکمن
نبات مصری یکمن و نیم نبات را در گلاب و عرق بید اندازند و با آب سیب
و به بقوام آورند زیاده و چون فرو گیرند آب حماض بران ریزند و ادویه
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده با آن بسرشند شربتی یکمثقال
یاقوتی قوی التفریح و آنرا از غایت تفرح روحانی گویند دل و جگر را
قوت دهد و مالیخولیا را و امراض سوداوی را الغایت نافع است صفته
مروارید ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک از هریک یکدرم صندل سرخ و سفید
طباشیر زرنباد و بادرنجبویه قرنفل سادج عود قماری ابریشم مقرض

پوست ترنج از هر یک ده درم گاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت عقیق
یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هر یک یکدرم
مشک نیمدرم قند سفید پنجاه درم عسل صاف کرده پنجاه درم معجون سازند
چنانکه رسم است یاقوتی معتدل ضعف دل و سوسه سوداوی را
نافع باشد دل را قوت دهد و نشاط آورد هرچه تمامتر صفت مروارید
ناسفته بادرنجبویه پوست بیرون بسته پوست ترنج صندل سفید
ورق گل سرخ از هر یک سه درم بهمن سفید بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک
یکدرم و نیم کهربا شب قرنفل ساذج هندی دارچینی از هر یک یکدرم
لعل عود خام از هر یک یکمثقال یاقوت زرد و عنبر اشهب زر محلول نقره
محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل ارمنی طباشیر
از هر یک دو درم زرنباد کافور قیصوری از هر یک نیمدرم گاوزبان آمله
از هر یک پنجدرم عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی و نیم شراب
بهبست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب چهل مثقال
داروها کوفته و بیخته در جواهر صلایه کرده و شرابها بقوام آورده ترشید

شربتی یکمثقال یاقوتی یاقوت حجر لاجورد ذهب گل مختوم سنبل قاقله
کبار و صغار گل ارمنی عنبر اشهب پوزهرماه فرون ورق طلا ورق
نقره از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته کهربا بهمنین قرفه درونج
عقربی زرنباد سعد کبابه چینی صندل سرخ و سفید
طباشیر زرد آمله مقشر تخم کاسنی خالص از هر یک
پوست ترنج گاوزبان طباشیر سفید عود خام
چهار مثقال بادرشبویه زنجبیل ساذج شقاقل
مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال نبات
آب سیب آب امرود آب انار شیرین گلاب
عرق گاوزبان از هر یک یک چهارکی نبات
و با آب میوه ها بقوام آورند و ادویه را کوفته و بیخته
کرده با آن سرشته شود بعد از چهل روز استعمال
یاقوت زرد یاقوت سرخ لعل سرخ حجر لاجورد عقیق یمنی
فرفیون خطایی سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی از هر یک یکمثقال

کهربا مروارید ناسفته بهمن سرخ و سفید قرفه نارمشک قاقله
صغار شقاقل صندلین زرشک منقی گل نیلوفر پوست هلیله کابلی
مصطکی ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال خاو زهر حیوانی عنبر اشهب
از هر یک یکمثقال و نیم لسان الثور زرنباد سعد هندی کبابه چینی ورق گل
سرخ گشنیز خشک هیل مقشر تخم کاسنی ورق طلا ورق نقره
از هر یک دو مثقال فرنجمشک طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال
کبار چهار عدد زعفران مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات مصری
[illegible] سیب آب امرود از هر یک نیم من گلاب و عرق
[illegible] صد درم عرق گاوزبان ده درم آب انار عذب
[illegible] صفی نیم من نبات را در عرق با کبد از ندو با عسل
[illegible] بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه
کرده با آن بسرشند شربتی یکمثقال دا قوتی نسخه شیخ ابو علی
سینا مالیخولیا و امراض سودایی انغایت نافع باشد و دفع
هرچه تمامتر بود و اعضای رئیسه را قوت دهد صفته یاقوت رمانی

[illegible] زبان تخم کاسنی مشک خالص کافور از هر یک یکدرم مروارید ناسفته
[illegible] از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض و سرطان نهری محرق از هر یک
[illegible] مثقال و دانگی نخاله طلا مکلس دو دانگ فرنجمشک و درونج اسطوخودوس
[illegible] هر یک سه درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول
[illegible] مصطکی سلیخه دار چینی زعفران هیل قاقله کبار و دار چینی
[illegible] طایی از هر یک یکمثقال افتیمون ده درم
[illegible] درونج هندی دو درم درونج عقربی و عنبر اشهب
[illegible] تخم خیار ورق گل سرخ از هر یک چهار درم
[illegible] صد مثقال شراب حماض شراب سیب
[illegible] هر یک سی مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج
سازند شربتی یکمثقال بعد از چهل روز تمام

والله اعلم

سنه ۱۰۷۱

صفت اطلونیای رومی

...شند بود و جهت قولنج و عسر البول و سپرز و سل و تشنج

...سود بشد بود و درد دندان جون بر وی نهند ساکن

...اق را زایل کند. زعفران پنج درم فلفل

...هر یک بیست درم افیون ده درم قطر الساليون

...جهار درم تخم کرفس نبطی سه درم

...عاقرقرحا و حب بلسان و فرفیون

...کوفته و بیخته بر روغن بلسان جرب کرده

...سرشتند و بعد از شش ماه استعمال

...کنند و از بهر قولنج و درد کرده باب

...بعضی از اطبا بدل تخم کرفس دوقو میکنند

...جون از سه ماه تا سه سال می ماند



دایم سبیلها روزیت از رحیم کرم
روزی ده هیچ نخوری غم روزی هر چه خوری
در غلط مباش غافل دمی به هر کار
یعنی تدارک ز ارحق کار دنیا

